



٣٥٢٣٣

مرکز اقتصاد و بازرگانی
تهیه مرکز



دانشگاه تهران

۱۳۸۰ / ۴ / ۱۰

دانشکده مدیریت بازرگانی و علوم اداری

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان :

تاثیر تغییرات نرخ ارز بر روی صادرات کفش با تکیه بر گروه

صنعتی کفش ملی ایران

استاد راهنما :

دکتر داور ونوس

011877

استاد مشاور :

دکتر محمد حقیقی

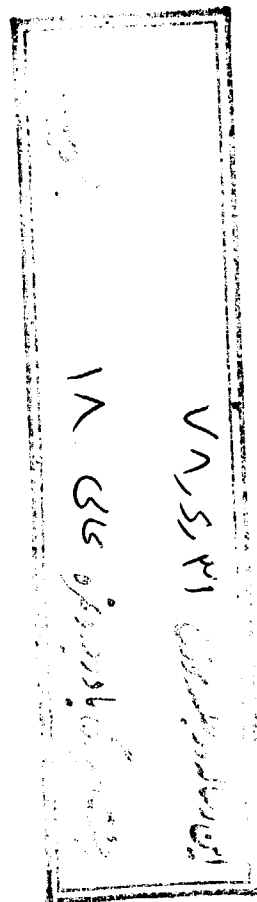
استاد ناظر :

دکتر عباس صدقی

نگارش :

ابراهیم خوش نظر

مهر ماه ۱۳۷۸



۳۵۲۳۳

تقدیم بہ

روح پاک پدرم

مادر بزرگوارم

دانیال جان



سپاس فراوان

در نهایت انجام این تحقیق لازم می‌دانم، به خاطر زحمات فراوان و بی‌دریغ جناب آقایان (دکتر داور ونوس استاد راهنما، دکتر محمد حقیقی استاد مشاور - دکتر عباس صدقی استاد ناظر) کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورم، زیرا اساتید مذکور در طول انجام این تحقیق کمکهای فراوانی نمودند و اینجانب با توجه به راهنماییهای فراوان اساتید فوق‌الذکر توانسته‌ام این تحقیق را انجام داده تا شاید راهگشای در امر صادرات کفش باشد.

با تشکر - ابراهیم خوش نظر
کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی
دانشگاه تهران

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول کلیات
۲	مقدمه
۲	تعریف موضوع
۳	هدف و علت انتخاب موضوع
۴	اهمیت موضوع تحقیق
۵	فرضیات تحقیق
۵	قلمرو تحقیق
۵	شیوه انجام تحقیق
۶	محدودیت‌های تحقیق
۶	بررسی پژوهش‌های انجام شده در صنعت کفش ایران
۸	تعریف واژه‌ها

فصل دوم ادبیات موضوعی تحقیق

بخش اول: تحلیل رفتاری نرخ ارز

۱۱	۱-۱- ارز و نرخ تبدیل آن
۱۱	۲-۱- نقش نرخ ارز در تجارت بین الملل
۱۳	۳-۱- تعادل در بازار ارز
۱۸	بخش دوم: نظام‌های پولی بین الملل
۱۹	۱-۲- سیستم نرخ ارز شناور (از سال ۱۹۷۳ به بعد)
۱۹	۲-۲- روند تغییرات سیاست ارزی در ایران
۱۹	۱-۲-۲- سیاست ارزی قبل از انقلاب

عنوان	صفحه
۲-۲-۲- سیاست ارزی پس از انقلاب	۲۴
۳-۲- مفهوم تسعیرپذیری	۲۷
۴-۲- نقش ارز در ساختار اقتصادی کشور	۲۹
۵-۲- برخی علل افزایش نرخ ارز	۳۵
۶-۲- رابطه نرخ ارز با صادرات و واردات	۴۱
بخش سوم: نقش سیاستهای ارزی بر صادرات	
بخش چهارم: تاثیر پیمان نامه ارزی بر صادرات غیرنفتی	
۱-۴- آزادسازی تجارت پس از جنگ تحمیلی	۵۵
۲-۴- علل مخالفت صادرکنندگان با پیمان نامه ارزی	۶۰
۳-۴- لغو و برقراری پیمان نامه ارزی	۶۱
۴-۴- مزایا و معایب پیمان سپاری ارزی	۶۲
بخش پنجم: تاریخچه صادرات ایران و اهمیت آن و تاریخچه صنعت کفش در ایران	
۱-۵- اهمیت صادرات	۶۵
۱-۱-۵- جنبه های اهمیت صادرات غیرنفتی	۶۶
۲-۱-۵- اهمیت صادرات غیرنفتی برای ایران	۶۸
۳-۱-۵- گونه های صادرات غیرنفتی ایران	۶۹
۲-۵- پیشینه بازرگانی و صادرات در ایران	۷۱
الف - صادرات ایران پس از انقلاب مشروطیت تا پیش از جنگ جهانی دوم	۷۲
ب - صادرات ایران پس از جنگ دوم جهانی تا دهه ۴۰ شمسی	۷۳
پ - صادرات ایران از آغاز دهه چهارم تا قبل از انقلاب اسلامی	۷۴
ت - صادرات ایران پس از انقلاب اسلامی تا سال ۶۷	۷۶
ث - صادرات ایران از سال ۶۸ به بعد	۷۷

صفحه	عنوان
۷۹	۱-۲-۵- توزیع جغرافیایی صادرات غیرنفتی ایران
۷۹	۳-۵- تاریخچه صنعت کفش
۸۲	۴-۵- تاریخچه صنعت کفش در ایران
۸۳	۱-۴-۵- تاریخچه گروه صنعتی کفش ملی
۸۹	۲-۴-۵- گروه صنعتی فخرالاسلام (کفش بلا)
۹۰	۳-۴-۵- شرکت کفش پیروزی
۹۰	۴-۴-۵- شرکت تولیدی کفش سه ستاره

فصل سوم متدولوژی تحقیق

۹۱	مقدمه
۹۱	روش تحقیق
۹۲	روش جمع آوری اطلاعات
۹۲	روش تجزیه و تحلیل داده ها
۹۳	اعتبار پرسشنامه
۹۴	تجزیه و تحلیل سئوالات پرسشنامه
۹۵	آزمون استقلال خی - دو (X^2)
۹۶	ضریب توافق پیرسون
۹۷	آزمون همبستگی
۹۸	محاسبه ضریب همبستگی (ρ یا r)

فصل چهارم تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری

۱۰۰	تجزیه و تحلیل سئوالات فرضیه اول
-----	---------------------------------

عنوان	صفحه
آزمون استقلال خی - دو (X^2) برای فرضیه اول	۱۰۳
تجزیه و تحلیل سئوالات فرضیه دوم	۱۰۴
آزمون استقلال خی - دو (X^2) برای فرضیه دوم	۱۰۸
تجزیه و تحلیل سئوالات فرضیه سوم	۱۱۰
آزمون استقلال خی - دو (X^2) برای فرضیه سوم	۱۱۴
تجزیه و تحلیل سئوالات فرضیه چهارم	۱۱۶
آزمون استقلال خی - دو (X^2) برای فرضیه چهارم	۱۲۰
فصل پنجم خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادات	
نتیجه گیری	۱۲۳
پیشنهادهات	۱۲۵
نمونه پرسشنامه	۱۲۶
منابع فارسی	۱۲۷

فصل اول

کلیات

مقدمه

با مطرح شدن موضوع جدیدی به نام تغییر ساختار اقتصادی کشور و به کارگیری سیستم تک نرخ ارز به جای سیستم چند نرخ این احساس در ذهن و سپس در مرحله عمل به وجود آمده است که احتمالاً شرکتها در کوتاه مدت دچار مشکلاتی می شوند از جمله این مشکلات می توان به تغییر در میزان صادرات و سودآوری شرکتها و نیز مشکلات ناشی از تأمین ارز مورد نیاز آنها اشاره نمود.

مطالعه و بررسی شرکتها نشان می دهد که همزمان با تک نرخ شدن ارز نیاز مالی و نقدینگی شرکتها افزایش می یابد و شرکتها تأثیر تغییرات نرخ ارز را بر روی صادرات محصولاتشان بیشتر ملاحظه می کنند و هر چند در بلند مدت و میان مدت تک نرخ شدن ارز نتایج دیگری را برای اقتصاد کشور به همراه دارد ولیکن از مشکلاتی که در کوتاه مدت در اقتصاد کشور به وجود می آید نباید غافل شد.

در صورتی که شرکتها به طور منطقی و حساب شده متغیرهای ارزی خود را مورد ارزیابی قرار ندهند و همچنین به دنبال راه حل های جدید برای رفع نیازهای ارزی خود نباشند. مطمئناً با مشکلات جدی و خطرناک مواجه می شوند.

هدف از تحقیق مورد نظر، تلاش در جهت به تصویر کشیدن هر چه بهتر همین مشکلات و ارائه راه حل های مناسب و تجزیه و تحلیل شرایط جدید می باشد تا از طریق بتوان حداقل اهمیت و ابعاد خطر را پیشنهاد کرد و زمینه مطالعات و بررسیهای جدی را در این خصوص فراهم آورد.

تعریف موضوع

با توجه به اثرات کاملاً قطعی و وسیعی که افزایش نرخ ارز بر شکل طبیعی و متغیرهای اقتصادی و مالی شرکتها دارد، در این تحقیق گروه صنعتی کفش ملی را از میان شرکتهای تولیدکننده صنعت کفش انتخاب نموده و تأثیر افزایش نرخ ارز به روی چند

متغیر اصلی اقتصادی و مالی در طی سالهای ۷۸-۱۳۶۸ مورد بررسی قرار داده‌ایم. یکی از این متغیرها میزان صادرات می‌باشد که تحت تأثیر زیاد نرخ ارز قرار می‌گیرد. متغیرهای دیگر مربوط به قیمت تمام‌شده کفش و سودآوری شرکتها و پیمان‌نامه ارزی می‌باشد. هدف محقق یافتن تأثیر افزایش نرخ ارز بر روی این متغیرهای اقتصادی و مالی می‌باشد.

هدف و علت انتخاب موضوع

آنچه همیشه موجب به وجود آمدن مسأله‌ای می‌شود نیاز است. این احساس نیازهاست که افراد را به انجام کارها وامی‌دارد و ایجاد انگیزه برای انجام کار می‌کند. در این راستا از جمله علل اساسی انتخاب این موضوع نیاز جامعه به انجام یک چنین تحقیقاتی می‌باشد. مشاهده می‌کنیم که در شرایط موجود در جامعه حرکت اقتصادی صورت گرفته و نظریه‌ای به نام تک‌نرخ‌شدن ارز مطرح و اجرا می‌شود ولیکن این حرکت هیچگاه به صورت انتزاعی عمل نخواهد کرد و اثرات فرعی و اصلی دیگری به همراه خواهد داشت که در این تحقیق قصد داریم تا اثر این تأثیرات را بر روی وضعیت اقتصادی و ملی شرکت‌های فعال در جامعه اقتصادی کشور خود بررسی نمائیم. در این خصوص بر روی چند متغیر اقتصادی و مالی جامعه آماری خود تمرکز کرده‌ایم.

یکی از نارسائیهای سیاست تک‌نرخ‌شدن ارز، کاهش قدرت خرید تولیدکنندگان می‌باشد، که برای مقابله با آثار نامطلوب آن دولت و همچنین تولیدکنندگان، دست به اقداماتی زدند که در این تحقیق سعی بر آن است تا تعدادی از روشهای مورد استفاده و اقداماتی که توسط تولیدکنندگان صورت گرفته را مورد بررسی قرار دهیم.

هدف اصلی از انجام این تحقیق، شناسائی تغییرات نرخ ارز و تأثیر آن بر روی صادرات کفش و تعیین درجه اهمیت این تغییرات می‌باشد. به طوریکه شناخت این تغییرات و میزان اهمیت و تأثیر آنها بر روی صادرات کفش، بتواند شرکت‌های

تولیدکننده کفش را در برنامه ریزیها و سیاستگذاریهای مربوط به این نوع تغییرات یاری کرده و به مدیران کمک کند تا بتوانند در این راستا به طور اثربخش عمل کنند.

و امیدواریم با انجام این تحقیق تأثیرات مثبت و منفی سیاست تک نرخى شدن ارز را بر روی شرکتهای تولیدکننده کفش مشخص سازیم.

اهمیت موضوع تحقیق

به همراه سیاست تک نرخى شدن ارز، قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز شرکتهای تولیدکننده کفش افزایش می‌یابد که با افزایش قیمت کالاهای مذکور قدرت خرید تولیدکنندگان نیز به دلیل افزایش قیمت کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید داخلی (به دلیل وابستگی ارز) کاهش پیدا می‌کند.

کاهش قدرت خرید تولیدکنندگان ناشی از افزایش قیمت مواد اولیه مورد نیاز صنعت کفش، منجر به کاهش تولید آنها خواهد شد. به منظور جبران کاهش قدرت خرید دولت در برخی از موارد اقدام به پرداخت وام به تولیدکنندگان نموده است و دولت با دادن ارز دولتی به شرکتهای آنها را حمایت می‌کند تا زیاد زیان مالی ناشی از تغییرات ارز متوجه نشوند.

با توجه به این توضیحات پیگیری و تحقیق پیرامون یک چنین موضوعاتی که مبتلا به جامعه است از بدیهیات جامعه می‌باشد. در باب اهمیت موضوع می‌توان اضافه نمود که چنانچه نتایج و اثرات اجرای یک چنین نظریه‌هایی به خوبی مورد تجزیه و تحلیل قرار نگیرد و نقاط ضعف و قوت آن به خوبی شناسائی نشود نه تنها آن نظریه نتایج مطلوب خود را به ثمر نخواهد رسانید که شاید شدت نتایج منفی برتر از نتایج مثبت گردد.

از طرف دیگر به جهت اینکه سازمانها و شرکتهای از جمله زنجیره‌های چرخه‌های اقتصادی جامعه به حساب می‌آیند و از اجراء یک چنین نظریه‌هایی به صورت مستقیم اثر می‌پذیرند، چنانچه نتایج و پیامدهای چنین طرحهای به خوبی ارزیابی نشود و راه‌های

کمکی و مناسب برای حل نتایج منفی کوتاه مدت آنها به سازمانها و شرکتهای ارائه نگردد ادامه فعالیت مؤسسات با مشکل جدی مواجه می شود. بنابراین مطالعه و تحقیق صورت می پذیرد تا تدابیر و راه حلهای مناسب برای اجراء مطلوب شناسائی و ارائه گردد.

فرضیات تحقیق

فرضیه اهم تحقیق عبارتست از "افزایش نرخ ارز باعث افزایش میزان صادرات کفش می گردد". و فرضیات دیگر تحقیق به شرح ذیل می باشند:

- افزایش نرخ ارز باعث افزایش میزان سودآوری شرکتهای تولیدکننده کفش می گردد.

- افزایش نرخ ارز باعث افزایش میزان قیمت تمام شده کفش شرکتهای تولیدکننده کفش می گردد.

- افزایش نرخ ارز باعث افزایش قیمت پیمان نامه ارزی شرکتهای تولیدکننده کفش می گردد.

قلمرو تحقیق

پژوهش از نظر موضوعی انواع تولیدات کفش شامل کفشهای با رویه و زیره پلاستیک و کفشهای چرمی با زیره پلاستیک و لاستیک مصنوعی را در برمی گیرد. از نظر مکانی شرکتهای عمده صنعتی تولیدکننده کفش از قبیل گروه صنعتی کفش ملی، کفش بلا و وین می باشد البته با تأکید بر گروه صنعتی کفش ملی می باشد. از نقطه نظر زمانی دهه ۱۳۶۸-۱۳۷۸ مورد استفاده خواهد بود.

شیوه انجام تحقیق

در این تحقیق سعی بر آن است که به بررسی وضعیت آن دسته از شرکتهای تولیدی

کفش که تحت تأثیر تغییرات نرخ ارز قرار می‌گیرند پرداخته می‌شود.

جهت بررسی عوامل موثر، با استفاده از پرسشنامه و انتخاب گروه صنعتی کفش ملی از میان سایر شرکتهای تولیدکننده در این صنعت پرداخته و نتایج مورد انتظار را به جامعه مورد نظر (کلیه شرکتهای تولیدکننده کفش) تعمیم خواهیم داد.

البته محقق جهت روایی بیشتر تحقیق خود یک سری از پرسشنامه‌ها را نیز بین گروه صنعتی بلا و شرکت تولیدی کفش وین و ... پخش نموده و نتایج را بر اساس آن گرفته است. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی بوده و سعی خواهد شد تا تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه نتایج و پیشنهادات حالتی کاربردی داشته باشد تا مورد استفاده شرکتهای تولیدکننده کفش در کشور گردد.

محدودیتهای تحقیق

منابع بسیار محدود کتابخانه‌ای در مورد صنایع کفش و فعالیتهای صادراتی آنها و همچنین مشکلات مستندسازی تهیه اطلاعات و آمار و ارقام مورد نیاز در مورد شرکتهای مورد پژوهش از موانع بسیار مهم در این امر محسوب می‌گردند. در ارتباط با پژوهشهای انجام شده قبلی می‌توان گفت که کار مهمی تاکنون صورت نگرفته است. در ارتباط با بازار جهانی کفش نیز منابع داخلی وجود ندارد.

بررسی پژوهشهای انجام شده در صنعت کفش ایران

با عنایت به ساختار اقتصادی کشور که در قسمتهای بعد عناوینی از آن به طور کلی مطرح می‌گردد در برخورد مشخص با موضوع مورد پژوهش، و در جستجوی تحقیقات انجام شده قبلی به منابع کتابخانه‌ای متعددی مراجعه شود و در عین حال با استعلام از برخی از شرکتهای بزرگ تولیدکننده کفش ماشینی، به غیر از دو گزارش در حد جزوه منبع دیگری در این ارتباط دریافت نگردید البته یک پایان‌نامه فوق‌لیسانس در دانشگاه تهران

تحت عنوان پژوهشی پیرامون امکان توسعه بازار صادراتی محصولات صنایع کفشهای پلاستیکی ایران در شرایط نوین بازسازی و نوسازی اقتصادی وجود دارد.^(۱)

این دو گزارش، یکی مربوط می‌شود به بررسی صنعت کفش در ایران که توسط مرکز توسعه صادرات ایران در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۷ تهیه شد و دیگری تحت عنوان بررسیهای بازرگانی "اسیدکلریدریک - پای‌افزار" توسط امور بازرگانی وزارت نفت در سال ۱۳۶۴ انجام گرفت.

در گزارش اول محور تحقیق حول عرضه، تقاضا و بررسی بازار خارجی کفش قرار داشته و تاریخچه‌ای از چگونگی ایجاد واحدهای تولیدکننده کفش ماشینی و میزان تولید آنها نیز عنوان گردیده است. در مجموع فقط بخش کوچکی در قسمت انتهایی گزارش به مسأله صادرات کفش پرداخته است.

در گزارش دوم، تکیه اصلی بر چگونگی تأمین نیاز پای‌افزار صنعت نفت از منابع داخلی و مشکلات ناشی از عرضه پوتینهای ایمنی بر اساس استاندارد مورد نیاز این صنعت است. ناگفته نماند که شرکتهای تابعه وزارت نفت تأمین‌کننده اقلام بسیار مهمی از مواد اولیه کفشهای پلاستیکی یعنی روغن دی.او.پی، پودر پی.وی.سی (منوط بر تولید در مجتمع پتروشیمی آبادان) و گوگرد و دوده کربن برای کفشهای پلاستیکی می‌باشند.

وزارت نفت معمولاً بر اساس قرارداد با شرکتهای بزرگ کفش ماشینی و عمدتاً گروه صنعتی ملی در قبال عرضه این مواد به آنها، کفشهای مورد نیاز خود را تأمین می‌نمایند. در این گزارش راجع به انواع پای‌افزار و استانداردهای مورد مصرف این صنعت و همچنین مواد اولیه کفشهای پلاستیکی و لاستیکی مطالبی عنوان شده و فقط اشاره کوچکی به میزان و ارزش صادرات کفش در مقایسه با واردات آنها فقط در سالهای ۶۱ و ۶۲ شده است.

۱- پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.

نوشته خانم منیژه کارگر حقیقی و استاد راهنمای دکتر داور ونوس، استاد مشاور دکتر حقیقی.

البته پیشنهادهای از جمله عدم خرید پای افزار از خارج و کمک مالی وزارت نفت جهت توسعه و گسترش دو کارخانه بلا و پیروزی و ایجاد تسهیلات لازم به منظور شناسایی و ابتیاع ماشین آلات پیشرفته مورد نیاز آنها و همچنین تأمین مواد اولیه از محل تولیدات پتروشیمی و تصویب نوعی قرارداد اولویت به منظور تأمین پای افزارهای مصرفی در صنعت نفت قابل توجه است. چنانچه این طرح عملی شود، کاهش واردات و تأمین آن از محل تولیدات داخلی خود به گونه ای صادرات محسوب می شود.

در مجموعه، با توجه به پیشینه تحقیق، ملاحظه می شود که در صنعت کفش ایران از بدو تأسیس تاکنون تحقیق جامع و کاملی صورت نگرفته است. لذا انجام این تحقیق در شرایط حاضر لازم به نظر می رسد.

تعریف واژه ها

متغیر وابسته : میزان صادرات کفش

متغیر مستقل : نرخ ارز

متغیر کنترل : شرایط اقتصادی

متغیر تعدیل کننده : سیاستهای مختلف ارزی

فصل دوم

ادبیات موضوعی تحقیق



بخش اول:

تحلیل رفتار نرخ ارز

۱-۱- لرز و نرخ تبدیل آن

۱-۲- نقش نرخ ارز در تجارت بین الملل

۱-۳- تعادل در بازار ارز



۱-۱- ارز و نرخ تبدیل آن

منظور از ارز به مفهوم وسیع کلمه عبارتست از کلیه وسایل پرداخت‌های خارجی اعم از پول رسمی و پول تحریری، شبه پول و اسناد مالی و تجاری از قبیل برات، سفته و اوراق بهادار دیگر است که در پرداخت‌های بین‌المللی پذیرفته شده و به کار برده می‌شوند. ارز اسکناس شامل پول رسمی کشورهای خارجی و ارز تحریری شامل پولهای خارجی ناشی از چکها مبتنی بر سپرده‌های دیداری خارجی است. لکن به معنای محدود کلمه منظور از ارز معمولاً اسکناس و ارز تحریری یعنی نقدینگی آنی در دست عاملان اقتصادی است.^(۱)

بازار ارز خارجی چارچوب سازمانی است که در آن افراد، موسسات و بانکها به خرید و فروش پولهای خارجی یا ارز اشتغال دارند. وظیفه اصلی این بازار انتقال وجوه یا قدرت خرید از کشوری به کشور دیگر می‌باشد.

نرخ ارز خارجی در واقع قیمت یک واحد پول رایج داخلی بر حسب پول رایج خارجی و یا بر عکس می‌باشد و به عبارت دیگر نرخ ارز خارجی عبارتست از قیمت یک واحد پول خارجی، حق برداشت مخصوص (SDR) و یا طلا در مبادله با پول رایج یک کشور می‌باشد.^(۲)

۱-۲- نقش نرخ ارز در تجارت بین‌الملل

اصولاً تجارت بین‌الملل بر اساس مزیت نسبی پایه‌گذاری شده است. اصل مزیت نسبی بیان می‌کند که اگر یک کشور در تولید برخی از کالاها نسبت به سایر کشورها کاراتر و در مقابل کشورهای دیگر نیز در تولید برخی از کالاهای دیگر کاراتر باشند. هر دو کشور

۱- محمد منتظر ظهور، اقتصاد کلان، انتشارات دانشگاه تهران - چاپ ۱۳۶۸، ص ۴۰۱.

۲- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آشنائی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی و اقتصادی، تهران،

بهمن ۱۳۷۰، ص ۱۵۶.

می‌توانند از تجارت با یکدیگر سودمند گردند.

به منظور روشن شدن مطلب مثالی زده می‌شود، فرض کنید که در دو کشور A و B تنها محصول الف و ب تولید می‌گردد. و قیمت هر یک از محصولات نیز برحسب پول داخلی کشورها طبق جدول زیر باشد.

کالای الف	کالای ب	
کشور A	۳ دلار	۱ دلار
کشور B	۱۲ مارک	۶ مارک

زمانی که نرخ دلار بیشتر از ۶ مارک باشد. تولید هر دو کالای الف و ب در کشور B ارزانتر خواهد بود. بنابراین کشور B هر دو کالا را تولید و به کشور A صادر می‌کند. یعنی ارزش دلار به ۸ مارک برسد کشور B کالای الف و ب را به ترتیب به قیمت ۱/۵ و ۰/۷۵ دلار به کشور A می‌فروشد.

بنابراین در تجارت بین‌الملل برتری مطلق با کشور B خواهد بود. اما اگر ارزش دلار کمتر از ۴ مارک باشد هزینه تولید هر دو کالا در کشور A ارزانتر شده و باعث می‌شود که کشور A هر دو کالا را صادر و دیگری وارد نماید.

حال برای اینکه برای تجارت بین‌الملل انگیزه‌ای وجود داشته باشد و برای دستیابی به نقطه تعادل بین دو کشور، نرخ ارزش دلار باید بین ۴ تا ۶ مارک در نوسان باشد. برای مثال اگر نرخ دلار ۵ مارک باشد کشور B کالای الف را به ارزش ۲/۴ دلار تولید و به کشور A می‌فروشد و کالای ب را از کشور A به قیمت ۵ مارک می‌خرد و بدین ترتیب هر دو کشور از تجارت سودمند می‌گردند.

اصولاً اختلاف در قیمت‌های نسبی که از تفاوت در منابع، مهارت‌ها و نوع سلیقه‌ها و شرایط سیاسی و اجتماعی بین کشورها نشأت می‌گیرد باعث می‌شود که در تجارت، بعضی از کشورها دارای مزیت‌های رقابتی گردند و واردات کشورها بر حسب پول داخلی خودشان متعادل گردد. بنابراین تغییرات نرخ ارز تأثیر بسزایی در توانایی فروش و صادرات

کشور دارد.

فرض نمائید شرکت تویوتا در ژاپن برای جبران هزینه‌های تولید و بدست آوردن سود مناسب باید هر اتومبیل را به قیمت $1/2$ میلیون ین بفروشد. حال اگر بخواهد در بازار صادرات فعالیت نماید، و در همان زمان نرخ هر دلار ۲۰۰ ین باشد، این شرکت از بابت فروش اتومبیل خود به آمریکا $6/000$ دلار بدست می‌آورد.

زمانیکه نرخ دلار به ۲۶۵ ین برسد و هزینه‌های تولید در ژاپن ثابت باشد. از تقسیم $1/2$ میلیون ین بر ۲۶۵، ارز حاصله از فروش همان اتومبیل ۴۵۲۸ دلار خواهد بود. بنابراین شرکت تویوتا در موقعیتی قرار می‌گیرد که ارزش دلاری محصولش ۲۵ درصد کاهش می‌یابد در حالیکه درآمد حاصله آن به صورت ین در حد همان $1/2$ میلیون ین باقی می‌ماند. و در این حالت زمینه برای رقابت بین‌المللی برای ژاپن بهتر شده و در صورت کشش عرضه صادرات، درآمد این شرکت به خاطر حاشیه سود بیشتر ممکن است برحسب ین افزایش یابد. چرا که اگر بتواند اتومبیل مزبور را در بازار خارجی $6/000$ دلار بفروشد ارزش فروش آن برحسب ین $1/52$ میلیون ین خواهد شد.^(۱)

۱-۳- تعادل در بازار ارز

دوروش تعیین نرخ ارز وجود دارد: در کشورهایی که ورود و خروج ارز آزاد می‌باشد و دولت و بانک مرکزی نوعاً در بازار ارز دخالتی ندارند، در حقیقت یک بازار جهانی ارز وجود دارد، ورود و خروج ارزهای مختلف در آن آزاد می‌باشد و نظام ارزی آن، نظام آزاد ارز نامیده می‌شود.

در حالت دیگر، در کشورهایی که ورود و خروج ارز تحت کنترل دولت و بانک مرکزی است، بازار ارز یک بازار داخلی محدود و تحت کنترل است و نظام ارزی نظام

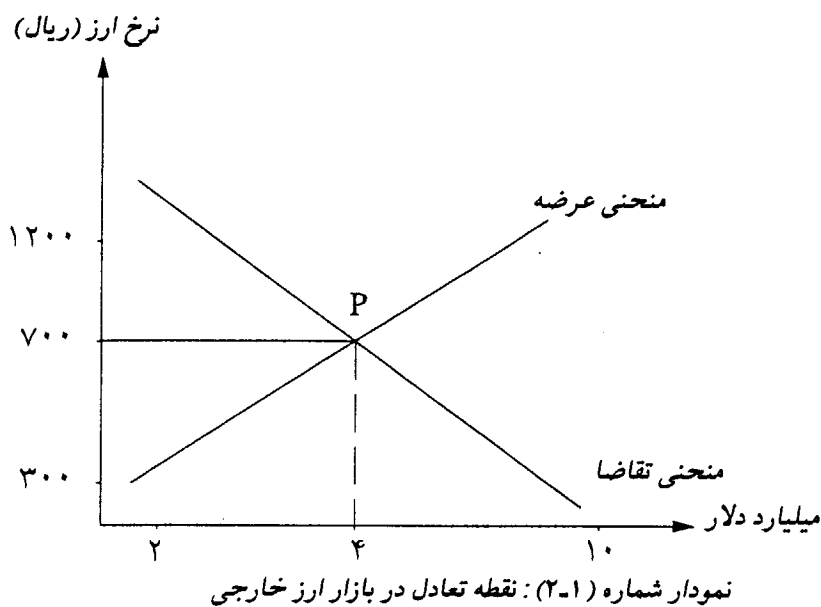
1- Copeland/Weston; "Financial Theory And Corporate Policy"; Printice-Hall Co. (New York; 1988; PP 777-8).

کنترل ارز نامیده می‌شود. در نظام آزاد ارز، نرخ ارز، نرخ شناور است، بدین معنی که نوسانات عرضه و تقاضای ارز، قیمت آنرا تعیین می‌کند و این قیمت یا برابری، تابع تغییرات عرضه و تقاضا و اصطلاحاً شناور است.

در نظام کنترل ارز، نرخ ارز، نرخ ثابت است، بدین معنی که نرخ، توسط دولت تعیین و دیکته می‌شود. دولت عمده‌ترین خریدار و فروشنده ارز است و نرخ را بر اساس ملاحظات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دیکته می‌کند. در کشورهای پیشرفته صنعتی، علی‌رغم ثبات نرخ ارز، دولت‌ها در مواقع ضروری به طور غیرمستقیم در بازار دخالت نموده و نرخ ارز را کاهش یا افزایش می‌دهند.

در علم اقتصاد قیمت یک واحد پول خارجی نیز مانند قیمت سایر کالاها و خدمات تابع عرضه و تقاضای آن است. با فرض ثابت بودن سایر شرایط هر چه تقاضا برای ارز افزایش یابد باعث افزایش قیمت آن شده و بالعکس و هر چه عرضه آن افزایش یابد موجب کاهش ارزش آن می‌گردد.

همانطور که در نمودار شماره ۱-۲ ملاحظه می‌گردد و ارتباط بین ریال و دلار را بررسی می‌کند، شیب منحنی تقاضا منفی است چرا که هدف از تقاضای ارز، عموماً خرید کالا و خدمات خارجی است. هر چه ارزش ارز مورد نظر (مثلاً دلار) بالاتر باشد برای خرید یک واحد از کالا و خدمات وارداتی باید ریال بیشتری پرداخت شود، یعنی کالای خریداری شده گرانتر خواهد بود. در نتیجه این گرانی ارز کمتری تقاضا خواهد شد مثلاً: اگر ارزش هر دلار برابر ۱۲۰۰ ریال باشد میزان تقاضا برای آن در بازار آزاد ۲ میلیارد دلار در سال خواهد بود، در حالیکه در نرخ ۷۰۰ ریال سالانه رقمی معادل ۴ میلیارد دلار و در نرخ ۳۰۰ ریال رقمی معادل ۱۰ میلیارد دلار تقاضا برای ارز وجود خواهد داشت.



از سوی دیگر عرضه دلار دارای شیبی مثبت است. زیرا هر چه ارزش یک پول خارجی بالاتر باشد خرید کالای داخلی توسط خارجی‌ان به قیمت ارزانتر می‌تواند صورت بگیرد زیرا عرضه از سوی دیگران عمدتاً جهت خرید کالا و خدمات از داخل کشور است. در نتیجه افزایش نرخ ارز باعث افزایش تقاضا برای کالاهای ساخت داخل خواهد گردید و ارز بیشتری صرف خرید کالاهای صادراتی از سوی خارجی‌ان خواهد شد.

در مثال فوق، نرخ تعادل بازار ارز در یک دوره معین در قیمت هر دلار ۷۰۰ ریال خواهد بود. زیرا در نرخ بالاتر بازار با مازاد عرضه و در نرخ پایین‌تر با مازاد تقاضا روبه‌رو خواهد شد که در نهایت باعث خواهند گردید تا قیمت ارز مورد نظر به سمت ۷۰۰ ریال گرایش پیدا کند.^(۱)

نرخ شناور ارز نرخ‌ی است که پس از جابه‌جائیهای بسیار و در شرایطی که عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان بیشماری وجود داشته باشند، در نقطه P، یعنی نقطه‌ای که ۴ میلیارد دلار در قیمت ۷۰۰ ریال مورد داد و ستد قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود.

۱- محمد رضا، رفعتی - "ارز از چند نرخی تا تک نرخی". مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. سال

برخلاف این حالت، در تعیین نرخ ثابت ارز، مکانیزم عرضه و تقاضا حاکمیت ندارد، یعنی دولت به عنوان تنها خریدار و تنها فروشنده ارز و بدون اینکه مقادیر عرضه و تقاضا را در محاسبه دخالت دهد، با توجه به منافع ملی یا سیاسی و اقتصادی، نرخ معینی را تعیین و اعلام می‌نماید. در این شرایط خرید و فروش ارز تابع مقررات خاصی قرار می‌گیرد و معمولاً ورود و خروج ارز توسط نیروهای انتظامی کنترل می‌گردد.

البته در مورد شکل منحنی عرضه و تقاضا در نمودار شکل ۱-۲ باید نکاتی را متذکر شد، شکل منحنی تقاضا حاکی از باکشی بودن تقاضا برای واردات است. اگر تقاضا برای واردات بی‌کشی فرض شود در آن صورت افزایش ارزش دلار باعث خواهد گردید که علی‌رغم کاهش میزان تقاضا برای کالاهای وارداتی، دلار بیشتری تقاضا شود، چرا که درصد کاهش تقاضا کوچکتر از درصد افزایش قیمت خواهد بود. و اگر تقاضای خارجی برای کالاهای ایرانی بی‌کشی باشد، در این صورت ارزانتر کردن کالاهای صادراتی - از طریق افزایش نرخ ارز - منجر به کاهش درآمدهای ارزی کشور خواهد شد، عرضه و تقاضای ارز از عوامل مختلفی ناشی می‌شوند تقاضا برای دلار موقعی به وجود می‌آید که ساکنین یک کشور بخواهند از خارج کالا یا خدماتی وارد کنند و یا مایل به اعطای کمک بلاعوض به خارج باشند و یا بدهیهای خارجی خود را بازپرداخت و یا انواع مختلف ثروت را از خارج خریداری کنند.^(۱)

جانسون رابینسون تقاضا برای ارز را ناشی از عوامل ذیل می‌داند: ^(۲)

- ۱- خرید کالا و خدمات از خارجیان و پرداخت تعهدات در قبال واردات.
- ۲- قرض دادن یا خرید اوراق بهادار از خارج.
- ۳- برای مقاصد سفته‌بازی و منفعت بردن از تغییر سود مورد انتظار نرخ ارز در آینده.

۱- سید ابراهیم بیضایی، نظریه‌های پولی اقتصادی بین‌الملل، تألیف کلاوس روزه، انتشارات مرکز نشر

دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۴۵.

2- Jonson Robinson; "The Foreign Exchanges", Basil Black Well; 1977; P 83.

۴- برای انتقال وجوه از کشور به دلایل سیاسی و به خطر افتادن فعالیتهای تجاری و تولیدی در داخل کشور.

۵- تقاضای ناشی از مداخلات رسمی مقامات پولی کشور برای کنترل ارز. از سوی دیگر عرضه ارز از طریق صادرات کالا و خدمات به خارج، واردات سرمایه از طریق سرمایه‌گذاری شرکتهای خارجی در داخل کشور یا استقراض از مؤسسات پولی بین‌المللی و دریافت انتقالات یک طرفه از خارج در قالب کمکهای بلاعوض اقتصادی و نظامی تأمین می‌گردد.

از آنجائیکه ارز تنها برای تجارت خارجی مورد نیاز است. عرضه و تقاضای ارز در تعدیل حساب تراز پرداختها در بخش جداگانه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد. ذکر این نکته لازم است که دولتها همواره به دنبال رسیدن به یک نقطه تعادلی نرخ ارز هستند که در آن نقطه هم تعادل تراز پرداختها برقرار باشد و هم به رشد و شکوفایی اقتصاد داخلی کمک نماید و به تعبیر دیگر از نظر اقتصادی، مطلوبترین وضع حالتی است که هر کالا:

- فقط یک قیمت داشته باشد.

- آن قیمت عرضه و تقاضا را برابر سازد.

- این برابری تداوم داشته باشد.

- اختلافی در سایر برابریها و تعادلها نداشته باشد.

در صورت وجود چهار شرط بالا قیمت تعادل در مطلوبترین وضع خود قرار می‌گیرد از این نظر نرخ ارز را نیز باید در چهار شرط فوق ارزیابی کرد البته در بخشهای بعدی وجود این شرایط در بازار ارز ایران بررسی خواهد شد.^(۱)

۱- دکتر فیروزه خلعتبری، "نرخ ارز از ساختار اقتصاد تا توان ملی"، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۵، سال

اول، آذر و دی ۱۳۷۲، ص ۵۲.



بخش دوم:

نظامهای پولی بین الملل

۱-۲- سیستم نرخ ارز شناور (از سال ۱۹۷۳ به بعد)

۲-۲- روند تغییرات سیاست ارزی در ایران

۱-۲-۲- سیاست ارزی قبل از انقلاب

۲-۲-۲- سیاست ارزی پس از انقلاب

۳-۲- مفهوم تسعیرپذیری

۴-۲- نقش نرخ ارز در ساختار اقتصادی کشور

۵-۲- برخی علل افزایش نرخ ارز

۶-۲- رابطه نرخ ارز با صادرات و واردات



۲-۱- سیستم نرخ ارز شناور (از سال ۱۹۷۳ تا کنون)

علت اصلی از هم پاشیدگی و اضمحلال سیستم پولی برتون و دز بروز حوادثی است که سرانجام در مارس ۱۹۷۱ به شکل کسریهای زیاد و مزمن تراز پرداختهای امریکا به صورت حادی آشکار شد و آن کشور را به زودی به تضعیف دلار وادار نمود. این واقعه منجر به فرار مقدار متناهی سرمایه نقدی از امریکا شد.

سپس هنگامی که سه بانک مرکزی کشورهای اروپایی سعی در تبدیل قسمتی از ذخائر دلاری خود به طلا نزد بانک مرکزی امریکا داشتند این کشور تبدیل پذیری دلار به طلا را از اوت ۱۹۷۱ به حالت تعلیق در آورد ۱۰ درصد مالیات اضافی بر واردات خود وضع کرد.

۲-۲- روند تغییرات سیاست ارزی در ایران

۲-۲-۱- سیاست ارزی قبل از انقلاب

نظام پولی ایران که قبل از سال ۱۲۳۶ بر مبنای طلا بود با ضرب قران در آن سال به شکل دو فلزی در آمد. رابطه طلا و نقره در سال ۱۲۳۶ به تبعیت از امریکا و فرانسه ۱/۵۵ اعلام شده بود اما نرخ بازار طلا در ایران ارزانتر از نرخ قانونی آن بود. در نتیجه این وضع رابطه مذکور به هم خورده و به علت تفاوت در ارتباط نقره و طلا (در ایران ۱/۴۴ و اروپا ۱/۱۶) جریان انتقال طلا به خارج از کشور شکل گرفت.

کوشش دولت ایران برای مقابله با این وضع و جمع آوری طلا عملاً نقره را مطابق قانون گرشام به صورت مبنای منحصر به فرد پول ایران درآورد و آنرا در معرض نوسانات شدید تولید و قیمت جهانی نقره در نیمه دوم قرن سیزدهم شمسی قرار داد. تحت این شرایط و جهت مقابله با تنزل دائمی ارزش ذاتی پول ملی در اثر عرضه دائم التزاید نقره در سطح جهان، دولت مقدمات بازگشت به پایه طلا را در سال ۱۳۰۸ فراهم می آورد. در سال ۱۳۰۸ بر اثر تنزل شدید بهای نقره، پس از دوران طولانی آزادی تبدیل،

برای اولین بار به اشکال رسمی سازماندهی شد. در ۷ اسفند ۱۳۰۸ قانون کنترل و نظارت در خرید و فروش اسعار خارجی به تصویب رسید. علاوه بر در نظر گرفتن کمیسیون تفتیش، در اجرای ماده ۳ این قانون "کمیسیون نرخ اسعار" متشکل از نمایندگان هر یک از بانکهای مجاز در تهران تشکیل شد و با هدف تعیین نرخ خرید و فروش ارز در کشور شروع به کار کرد.

در نتیجه این اقدام حق خرید و فروش ارز به دولت و بانکهای مجاز منحصر گردید. تعیین نرخ ارز توسط دولت، طبقاً مسائلی را که در تراز پرداختها ایجاد می نمود که برای مواجهه با آنها متمم قانون کنترل ارزهای خارجی در مرداد ۱۳۰۹ به تصویب رسید. به موجب این قانون صادرکنندگان کالاها ملزم بودند. ۹۰ درصد ارز حاصل از صادرات را در ظرف ۲۰ روز پس از دریافت به بانکهای مجاز بفروشند و یا متعهد گردند که ۵۰ درصد از اسعار خود را صرف ورود کالاهایی نمایند که از نظر کمیسیون تفتیش مجاز باشد.^(۱)

بحران بزرگ سالهای ۱۹۳۰ و ترک پایه طلا توسط انگلستان و تنزل رسمی ارزش لیره موج فراگیری از اصلاحات پولی را در جهان ایجاد کرد که ایران نیز از آن مستثنی نشده و در ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ با تنزل رسمی در ارزش ریال نسبت به طلا داده شد. با این ارزان سازی در ریال ادامه کنترل ارزی لازم به نظر نمی رسید. و خرید و فروش ارز به بانکهای مجاز لغو گردید و کمیسیون ارز عملاً منحل شد.

به دلیل نوسانات شدید در ارزهای مختلف مجدداً با تصویب قانون معاملات اسعار در سال ۱۳۱۴ مجدداً کنترل بر نرخ ارز عملی شد. طبق این قانون کمیسیون ارز با ترکیبی جدید با عضویت نمایندگان وزارت مالیه، اداره کل تجارت و بانک ملی ایران جهت وضع مقررات لازم برای حفظ توازن در تراز پرداختها نگهداری حساب کل معاملات ارزی، رسیدگی به تقاضای خرید ارز و صدور جواز و تفتیش دفاتر بانکها و مؤسسات صرافی در

۱- زیر نظر اکبر کمیجانی، دکتر ایرج توتونچیان، "سوابق و شیوه های کنترل ارزی در ایران"، مجله اقتصادی.

موارد لزوم تشکیل شد و تسهیلات را برای تشویق صادرات ارائه داد. این کمیسیون با وقوع جنگ جهانی دوم این تشویقها شدیدتر نمود. اما پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ حجم بازرگانی و صادرات مواد خام افزایش یافت و عرضه ارز نیز بالا رفت تا اینکه در سال ۱۳۲۲ با جایگزین شدن بانک ملی به جای آن، کمیسیون مزبور عملاً تعطیل شد.

با محدود شدن دامنه جنگ، عرضه ارز از سوی متفقین کاهش یافت. بنابراین برای جلوگیری از تشدید کسری تراز پرداختها محدوده قوانین و مقررات جهت کنترل ارز برقرار گردید. این وضعیت به ویژه پس از ملی شدن نفت که ایران با تحریم تجاری انگلستان رو به رشد بیشتر شد. به شکلی هیأت وزیران وقت انتقال ارز را به خارج فقط برای کالاهای مجاز محدود و آنهم به میزان سهمیه تعیین شده استفاده می‌شد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و با آغاز کمکهای دولت آمریکا از ۲۲ شهریور ۱۳۳۳ و در نتیجه کاهش فشارهای خارجی، دلار پس از سه مرحله تنزل تثبیت شد با پایان تحریم و انعقاد قرارداد نفت در مهر ماه همان سال کمبودهای ارزی رو به نقصان رفت و در اجرای پیشنهاد صندوق بین‌المللی پول، طبقه‌بندی کالاهای صادراتی و وارداتی کم‌کم حذف شد و تقاضا برای واردات کالا به شدت افزایش یافت. در ۲۴ اسفند ۱۳۳۶ کمیسیون ارز کاملاً منحل و کلیه قوانین قبلی ملغی گشت. و براساس این قانون کلیه معاملات مربوط به ارز به عهده بانک ملی ایران گذاشته شد.

به دنبال بروز مسائل ناشی از زیاده‌روی در واردات و استفاده بی‌مورد از اعتبارات خارجی با تصویب قانون پولی و بانکی در ۷ خرداد ۱۳۳۹ و تشکیل بانک مرکزی حفظ موازنه ارزی کشور و مبادرت به معاملات ارزی و طلا به عهده این بانک گذاشته شد. همین‌طور تنظیم آئین‌نامه‌های اجرایی قانون ارز با شورای پول و اعتبار بود. در این سال برای جلوگیری از تورم محدودیتهای وارداتی مجدداً برقرار و گشایش اعتبار از سوی بانکها برای ۱۲۴ قلم کالای غیرضروری ممنوع شد.

پس از اعمال سیاستهای انبساطی تدریجی، محدودیت واردات کالاهای

غیرضروری و تجملی کماکان ادامه یافت و نهایتاً در اسفند ۱۳۴۱ به طور کلی اصول سیاست ارزی در قالب حفظ تعادل موازنه پرداخت‌ها و ارزش پول ملی، اجتناب از سیاست چند نرخ و نگهداری موجودی ارزی کافی برای مواجهه با شرایط ویژه پرداخت اعلام شد.

در سال ۱۳۴۲ واردات کالاهای مشابه محصولات و تولیدات داخلی، با مقاصد حمایتی، غیرمجاز شد. در سال ۱۳۵۰ رشد درآمدهای نفتی جهش بی‌سابقه‌ای داشت و تا حدود ۱۰ میلیارد افزایش یافت و از این نظر تسهیلاتی را ایجاد کرد اما بسط مخارج ارزی همچنان با احتیاط پیش می‌رفت. و همین امر موجب کاهش قابل توجهی در کسری تراز پرداختها شد.

ترقی ناگهانی درآمد نفتی از دیماه ۱۳۵۲ منشأ بروز تحولاتی در مقررات و سیاستهای ارزی کشور گردید. از آن جمله می‌توان به ظهور یک بازار آزاد ارز اشاره نمود که با هدف توسعه یک بازار سرمایه و پولی بین‌المللی ایجاد شده بود. به دنبال آن خرید و فروش ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی و خدمات مجاز اعلام شد و عملاً یک بازار موازی در کشور حاکم شد. در بازار آزاد ایجادشده در کنار سیستم بانکی، به عنوان یک بازار ارز غیربازرگانی، عملیات خرید و فروش ارزی حتی به انتقالات سرمایه‌داری تسری داده شد و این بازار عملاً راهی برای فرار سرمایه از کشور به ویژه در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ فراهم نمود. از نتیجه فروش ارز برای نیازهای خدماتی که در سال ۱۳۵۲ حدود ۹۱۸ میلیون دلار بود در سالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به ترتیب ۷/۷ و ۷/۹ میلیارد دلار افزایش یافت.

تقاضای روز افزون در این بازار موجبات افزایش قیمت‌ها را فراهم می‌آورد که در برابر آن بانک مرکزی بدون توجه به عملکرد این بازار به فروش ارز به بانکها جهت مصارف غیربازرگانی مبادرت ورزید، به طوری که طی دیماه ۱۳۵۲ تا آبان ۱۳۵۷ (تاریخ برچیده شدن بازار) علاوه بر ارز صادرات غیرنفتی، حدود ۷ میلیارد دلار دیگر از طریق مذکور به این بازار تزریق شد که قسمت عمده آن به شکل فرار سرمایه از کشور خارج گردید.

در این شرایط با اوج‌گیری خروج ارز از کشور در شهریور ماه ۱۳۵۷، بانک مرکزی در آبان ۱۳۵۷ اقدام به وضع کنترل و محدودیت در برابر خروج ارز نموده و تا حدودی از فروش ارز برای مصارف غیربازرگانی جلوگیری نمود.

در سالهای ۵۶-۱۳۵۴، تغییراتی هم در سیاست تعیین نرخ ارز پدید آمد که از اهم آنها قطع رابطه ریال با دلار در بهمن ۱۳۵۳ و برقراری ارتباط با حق برداشت مخصوص (S.D.R) از ۲۳ بهمن همان سال بود. در پی این اقدام که جهت محدود ساختن دامنه نوسانات ریال در قبال ارزهای عمده اروپای صورت گرفته بود.

دلار آمریکا به عنوان ارز واسط معرفی گردید و اجتناب از آثار سوء ناشی از تغییرات برابری ریال و دلار بر درآمد ریالی دولت از محل فروش نفت - که به دلار قیمت‌گذاری می‌شود، مقرر گشت تا زمانی که نوسانات دلار در برابر حق برداشت مخصوص محدود باشد نرخ برابری ریال و دلار ثابت بماند. در نتیجه این تصمیم نرخ برابری ریال و دلار در آخرین سالهای قبل از انقلاب در سطح ثابتی ماند.

در این دوران (۵۷-۱۳۵۲) سیاستهای ارزی و بازرگانی کشور به سمت واردات چرخش یافت. دلیل این وضع درآمدهای نفتی دائم التزاید و صرف آنها از طریق بودجه‌های جاری و عمرانی بود که در نتیجه باعث افزایش تقاضا شده و جهت پاسخگویی به این تقاضا چه از سمت عرضه داخلی و چه به واسطه واردات مستقیم از خارج، به ناچار باید به واردات کالاهای واسطه‌ای یا نهایی اقدام می‌شد.

این در حالی است که صنایع داخلی در مراحل اولیه استراتژی جایگزینی واردات، توانایی پاسخگویی به تقاضایی را که ناشی از درآمدهای نفتی و افزایش اعتبارات بخش خصوصی بودند نداشتند و لذا ورود کالاهای مصرفی در کنار کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای لازم، برای صنایع داخلی ضروری بود، به همین دلیل است که در طول سالهای مورد بحث، واردات بسیاری از کالاها آزاد اعلام می‌شود و سود بازرگانی در موارد زیادی تنزل یافته و یا به کلی حذف می‌گردد.

۲-۲-۲- سیاست ارزی پس از انقلاب^(۱)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به دنبال گروگان‌گیری کارکنان سفارت سابق آمریکا در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و متعاقب آن بلوکه شدن ذخائر ارزی کشور در شعبات خارجی بانکهای آمریکا و کلیه بانکهای مستقر در آمریکا سیاستهای ارزی جدیدی از طریق بانک مرکزی اتخاذ گردید. از جمله معاملات دلاری به طور کامل محدود شد و از فروش دلار به بانکهای کشور، مگر در موارد بسیار ضروری خودداری گردید.

در سال ۱۳۵۸ به دلیل تحولات بسیاری که در اقتصاد کشور به وقوع پیوست تغییرات زیادی در سیاست بازرگانی خارجی انجام گرفت. از جمله اصل ۴۴ قانون اساسی، تجارت خارجی را بر عهده دولت قرار داد و مقدمات تغییر در مقررات بازرگانی خارجی طی سال فراهم گردید و در جهت تحدید کالاهای لوکس وارداتی و غیرضروری و تسهیل واردات مواد اولیه مورد نیاز صنایع و کالاهای اساسی گامهایی برداشته شد. به این ترتیب از محدودیتهای که در سالهای گذشته جهت ورود کالاهای اساسی و مواد اولیه برقرار گردیده بود تا حدودی کاسته شد و در مقابل محدودیتهای جدیدی در مورد واردات کالاهای مصرفی لوکس اعمال گردید.

با آغاز تحریم اقتصادی کشور و شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹، مشکلات متناهی در امر صدور نفت و تأمین منابع ارزی مورد نیاز کشور به وجود آمد که در نتیجه تصمیماتی در جهت صرفه‌جویی هر چه بیشتر در مصرف ارز اتخاذ گردید. از جمله اعمال محدودیت فروش ارز برای واردات بخش خصوصی که از نیمه دوم سال ۱۳۵۹ آغاز گردیده بود، در سال ۱۳۶۰ بر اساس بخشنامه صادره از طرف بانک مرکزی تشدید گردید. و کمیسیون تخصیص ارز در آذر ماه ۱۳۶۰ در وزارت بازرگانی و با شرکت نمایندگانی از جمله بانک مرکزی، وزارت صنایع، وزارت کار و سازمان برنامه و بودجه تشکیل گردید.

۱- بانک مرکزی ایران - اداره بررسیهای اقتصادی - تحولات اقتصادی پس از انقلاب - سال ۱۳۶۴، ص ۳۵۲

پس از انقلاب، در سیاست تعیین ارزش ریال که تا آن زمان به طور ثابت هر دلار معادل ۷۰/۴ ریال بود تجدید نظر به عمل آمد. بدین ترتیب که نخست به منظور تشویق صادرات غیرنفتی کشور جهت تأمین رشد اقتصادی و وابستگی کمتر به درآمد حاصل از صادرات نفت در اردیبهشت ۵۸ سیستم دو نرخ ارز توسط بانک مرکزی به اجرا گذاشته شد متعاقباً طبق بخشنامه دیگری که هدف اصلی آن تداوم نظام دو نرخ ارز در شرایط قطع رابطه ریال با دلار و در نتیجه شناور شدن ریال نسبت به ارزهای عمده بود.

بانکها مکلف شدند ارز صادراتی را با نرخ ترجیحی به میزان ۱۱ درصد بیش از نرخ رسمی خریداری نمایند. انگیزه تعیین نرخ ترجیحی جهت خرید ارز از صادرکنندگان در کوتاه مدت، تشویق صادرات به منظور گسترش آن در بلندمدت بوده است. به علاوه با توجه به وضعیت اقتصادی و وابستگی کشور به واردات کالا و خدمات و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها، سیاست ارزی ایجاب می‌کرد که ارز بازرگانی با نرخ رسمی در اختیار دولت و واردکنندگان قرار گیرد.

در سال ۵۹ اقدامات دیگری برای تشویق صادرکنندگان و واریز ارز حاصل از صادرات به سیستم بانکی کشور صورت گرفت از جمله افزایش مهلت واریز پیمان ارزی، اعطای مجوز جهت تهاتر کالاهای غیرنفتی توسط بخش خصوصی.^(۱)

اولین دگرگونی اساسی در سیاست ارزی کشور در بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۸ و با اجرا گذاردن طرح فروش ارز ترجیحی - رقابتی صورت گرفت که دارای اهداف ذیل بود:

- محدود کردن نرخهای گوناگون ارز (دلار) در سال ۶۹ و معرفی سه نرخ رسمی، رقابتی و شناور.

- افزایش صادرات غیرنفتی

- جذب نقدینگی

۱- فرهنگندی، عنی: "ارزیابی سیاست ارزی در ایران"، انتشارات دانشگاه تهران، مهر ماه ۱۳۶۸، ص ۱۰۱

تأمین نیازهای ارزی واحدهای تولیدی

نرخ دلار در ابتدای اجرای طرح ۱/۰۰۰ ریال تعیین شد ولی در مراحل بعد به ۹۷۵ ریال و در اواسط آذر ماه ۱۳۶۸ به ۸۰۰ ریال و در پایان همان سال به ۶۰۰ ریال تنزیل یافت. نرخ رسمی برای واردات و تولید کالاهای اساسی و حساس و اجرای طرحهای عمرانی و خرید برخی از ماشین آلات صنعتی، نرخ رقابتی برای واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و نرخ ارز شناور برای واردات کالاهای ساخته شده معرفی و برخی از خدمات در نظر گرفته شد. در این سیستم مقرر شد که نرخ شناور بر اساس عرضه و تقاضا در بازار تعیین گردد و در سال ۶۹ طی چند مرحله بر فهرست اقلام وارداتی، ارز رقابتی افزود. و سعی شد که بخش عظیمی از تقاضاهای موجود در بازار ارز از طریق سیستم بانکی تأمین گردد و کالاهای وارداتی بانرخ رقابتی و شناور و محصولات ساخته شده از آنها از ضوابط قیمت‌گذاری و توزیع دولتی معاف باشد.^(۱)

تا سال ۱۳۷۱، عرضه ارز از سوی بانک مرکزی در قالب نرخ رسمی، شناور و رقابتی و ترجیحی ادامه یافت. جدول زیر ترکیب مصرف ارز را از ابتدای سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱ نشان می‌دهد.^(۲)

نوع ارز (درصد)

سال	رسمی	رقابتی	ترجیحی	شناور
۱۳۶۹	۶۹/۱٪	۷/۲٪	۱۲٪	۱۲/۷٪
۱۳۷۰	۶۶٪	۲۰/۶٪	۰	۱۳/۴٪
۱۳۷۱	۵۰٪	۳۰٪	۰	۲۰٪

در اوایل سال ۱۳۷۲ زمینه لازم برای تک نرخی کردن ارز فراهم شد و عملاً بودجه

۱- قدیری اصل، باقر؛ "سیاستهای پولی ایران در سالهای تعدیل اقتصادی"، مجله سیاسی و اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۷۴، شماره ۹۱-۹۳، ص ۱۳-۱۴.

۲- رحیمی، عباس؛ "ساختار و سیاستهای حمایتی قبل از سال ۷۰"، مجله بررسیهای بازرگانی شماره ۷۸۹۲.

کشور بر مبنای ارزش ناویر (۱۶۵۰ ریال) تعیین گردید. و بانکها به میزان هر نفر ۵۰۰۰ دلار بدون هیچگونه محدودیتی در اختیار متقاضیان گذاشتند و بدین ترتیب فاصله نرخ ارز بازار آزاد و بانک مرکزی به هم بسیار نزدیک شد. اما به دلیل محدودیت ارزی و کاهش قیمت نفت در اواخر سال ۱۳۷۲ و با قطع فروش ارز از سوی بانکها نرخ دلار تا ۲۶۸۰ ریال در بازار آزاد بالا رفت.

۲-۳- مفهوم تسعیر پذیری

در اصول تسعیر پذیری پول، مفهوم ساده‌ای به نظر می‌رسد، این واژه به شرایطی اطلاق می‌شود که افراد مستقیم یا غیرمستقیم در یک کشور، قادر باشند بدون محدودیت، پول داخلی آن کشور را به پولهای خارجی تبدیل کنند. در حالت مختلف نشاندنده محدودیتهای است که دولتها بر معاملات پولی خود، به‌صورتی از قبیل ممنوعیتهای قانونی، انواع مالیات، ضرورت سپرده یا پیمان‌گذاری، تعیین سقف (مثلاً برای ارز قابل فروش به مسافران) و یا تشریفات مربوط به تخصیص ارز اعمال کرده‌اند.

حتی در کشورهایی که پول رایج آنها کاملاً قابل تبدیل به ارز خارجی می‌باشد حدود تحقق این امر در عمل نه تنها به محدودیتهای اعمال شده از طرف دولت برای معاملات ارزی، بلکه به هر نوع محدودیتی که برای معاملات خارجی از قبیل واردات کالا و خدمات یا سرمایه‌گذاری در خارج وضع شده باشد، بستگی دارد. تنها آزادسازی یکی از این محدودیتهای بدون توجه به دیگر آنها، از طریق کاهش زمینه‌های استفاده از پول در معاملات مختلف، در عمل قابلیت استفاده از پول کشور را محدود می‌سازد.

از این دو قابلیت تسعیر پول، در مفهوم مالی آن، باید به همراه آزادسازی و سیر معاملات بین‌المللی مدنظر قرار گیرد. و این بدان معناست که منافع مورد انتظار از مفهوم تسعیر پذیری پول یک کشور تنها در صورت تحقق همزمان تسعیر پذیری "مالی" و "کالائی" برای پول آن کشور حاصل می‌شود. صندوق بین‌المللی پول که یکی از اهداف شکل‌گیری

آن برقراری یک سیستم چندجانبه و به دور از تبعیض برای پرداختها و نقل و انتقال مالی در معاملات جاری بین‌المللی و همچنین حذف محدودیتهای ارزی بوده است.

به مقولهٔ شناورسازی نرخهای برابری ارز از طریق درج آن در اصلاحیه دوم موافقتنامه عضویت در صندوق در سال ۱۹۷۸ پرداخته است. این اصلاحیه چنین تصریح می‌کند. «از این پس از نظر اصولی هیچ مانعی بر سر راه اتخاذ سیاست تسعیرپذیری کامل پول کشورهای عضو وجود نخواهد داشت» مفهوم بنیادین تسعیرپذیری که مورد حمایت قرارداد به این گونه است که کشورهای عضو باید به افراد مقیم در کشور حق نامحدود و به دور از تبعیض استفاده از پول رایج را جهت پراخت و انتقال وجه به منظور انجام معاملات جاری بین‌المللی اعطاء کنند.

البته شایان توجه است که مفهوم مورد نظر صندوق از تسعیرپذیری پول کشورهای عضو، مطابق تعریف ارائه شده و در مادهٔ هشت موافقتنامه عضویت در صندوق، عملاً به شرایط اقتصادی حاکم بر کشورهای عضو ارتباط داده شده و لذا این امر یک برداشت محدود از این مفهوم به نظر می‌رسد.

کشورهای عضو موظف به برقراری شرایط «تسعیرپذیری مالی» (یعنی حذف هرگونه محدودیت پرداختها) شده‌اند، بدون آنکه الزامی به پذیرفتن شرایط تسعیرپذیری کالائی وجود داشته باشد، مضافاً اینکه نظر صندوق تنها در برگیرنده پرداختهای جاری و آنهم غالباً به سایر کشورهای عضو می‌باشد و پرداختهای سرمایه‌ای تنها به موارد معدودی از قبیل استهلاك وامها و سرمایه‌گذاریهای مستقیم محدود شده است در این زمینه‌ها نیز نظر صندوق تلویحاً به کشورهای عضو معطوف است.

قابل ذکر است که اعضاء مجاز هستند که در مواردی از اهداف مورد نظر صندوق در زمینه قابلیت تسعیرپذیری پولی تخطی نمایند، هر چند که انتظار آن است که به محض مناسب شدن شرایط محدودیتهای وضع شده سریعاً برطرف شود.

۲-۴- نقش ارز در ساختار اقتصادی کشور

در این قسمت از بحث، جهت روشن شدن موضوع بحث مربوط به ارز، ابتدا تنوع نرخ ارز را مورد مطالعه قرار می‌دهیم و با استفاده از متون حاضر آن را تحلیل می‌کنیم و نهایتاً بحث تک‌نرخ شدن ارز را رد می‌کنیم:

در خلال ۱۴ سال اخیر، اقتصاد کشور ایران با شوکهای شدید و متعددی در بعد عرضه و تقاضا رو به رو شد که مهمترین این شوکها را می‌توان میزان و قیمت صادرات نفت، فرار سرمایه و نیروی انسانی متخصص از کشور، وقوع جنگ تحمیلی، تخریب بسیاری از تأسیسات صنعتی و زیربنائی کشور و محاصره اقتصادی دانست. هر یک از این شوکها به تنهایی می‌توانست رکود قابل ملاحظه‌ای را در اقتصاد ایجاد نماید، ولی همزمان شدن آنها، همراه با سیاستهای «تثبیتی» اعمال شده در خلال دوره جنگ، این رکود را تشدید نمود.

از آنجا که سیاستهای تثبیتی عمدتاً به شکل کنترل قیمتها و سهمیه‌بندی تولیدات اعمال می‌شوند و سیاستهای مدیریت تقاضا، بدلیل وجود جنگ و ملاحظات سیاسی - اجتماعی، از قدرت مانور بسیار محدودی برخوردار بودند، فاصله بین عرضه و تقاضا به مرور ایام افزایش یافت و واژه‌های مانند قیمت دولتی، قیمت تعاونی و قیمت آزاد در مباحث و ادبیات اقتصادی کشور جای خاصی را به خود اختصاص دادند.

عدم تعادل بین عرضه و تقاضا در بازار ارز نیز خود را تحت عناوینی نظیر ارز رسمی (دولتی)، ارز صادراتی، ارز تهاتری، ارز رقابتی - ترجیحی، ارز شناور، ارز خدماتی و ... مطرح ساخت. اینها همه ناشی از سیستمی بود که تلاش داشت قیمت ارز هر بخش را برحسب اولویتی که برای آن تأمل بود تعیین نماید. ارز رسمی عمدتاً صرف هزینه‌های ارزی ضروری دولت، و تأمین کالاهای اساسی ارزان قیمت می‌گردید. ارزهای صادراتی بانرخه بالاتر و با هدف تشویق صادرات خریداری می‌شود.

ارز رقابتی - ترجیحی، تهیه مواد اولیه و ماشین‌آلات تولیدی را با نرخ ارز کمتر از

بازار آزاد امکان‌پذیر می‌ساخت و ارزش خدماتی، نیاز مسافران، بیماران و جویندگان علم را در حدی محدود به قیمتی بالاتر تأمین می‌نمود. ارز آزاد، برخلاف آنچه که از نام آن پیداست، به گونه‌ای نیمه مخفیانه و غیرقانونی و بر طبق عرضه و تقاضا در بازار معامله می‌شد و قیمت آن با نوساناتی نسبتاً شدید، همراه با افزایش قیمت‌های داخلی و تحولات سیاسی و اقتصادی صعود می‌کرد.

چندگانگی نرخ ارز زمانی به وجود می‌آید، که اقتصاد کشور نخواهد و یا نتواند نرخ رسمی ارز خود را حمایت کامل بنماید، یعنی نتواند و یا نخواهد به متقاضیان، ارز را با نرخ رسمی بفروشد، در این اوضاع و احوال است که متقاضیان خرید ارز به سوی بازارهای غیررسمی ارز روی می‌آورند و در این بازار عرضه و تقاضا نرخ برابری را تعیین می‌کند و به جهت اینکه تقاضای ارز رسمی بیش از عرضه آن می‌باشد، نرخ برابری افزایش می‌یابد. تحقینات و واقعیات نشان می‌دهد که شرایط ایران بعد از انقلاب و تحت شرایط جنگ به نحوی بوده که اقتصاد قادر نیست، تمام تقاضا را برای آمدن ارز جواب دهد و ساختار اقتصادی و سرمایه‌ای کشور نیز به صورتی است که در اکثر زمینه‌ها وابستگی ارزی وجود دارد، بنابراین به وجود آمدن بازار غیررسمی ارز، یک حالت طبیعی دارد.

با طی شدن دوران بحران و سر و سامان گرفتن اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی کشورها دولتها معمولاً اقدام به یک سری عملیات اساسی و زیربنایی در ساختار اقتصادی کشور می‌نمایند، که بعضاً در کوتاه مدت نتایج نامطلوب و مبهمی را به دنبال می‌آورد ولیکن در بلندمدت اثرات واقعی آن نمایان می‌شود.

کشورها معمولاً اقدام به کاهش ارزش پول خارجی خود می‌کنند، در زمانی که شرایطی از جمله وجود تورم، بی‌اعتمادی به آینده اقتصاد است که به جهت وجود نرخ برابری ارز رفته رفته تحت تأثیر قرار می‌گیرد، بی‌اعتمادی به آینده اقتصاد به وجود می‌آید و به دنبال آن سرمایه‌داران متمایل به خروج سرمایه خود می‌شوند و در این راستا تلاش برای تبدیل وجه ریالی به ارز شدت می‌گیرد و به جهت اینکه عرضه به حد کافی

موجود نمی‌باشد، نرخ ارز افزایش پیدا می‌کند. و به عنوان عامل سوم برای کاهش ارزش پول ملی می‌توان کمبود منابع ارزی را ذکر کرده که همین عامل اخیر اصلی‌ترین و مهمترین عامل به حساب می‌آید. تجربه چندین ساله کشور، نشانگر این مطلب است که همواره از سه عامل فوق برخوردار بوده و همین عوامل موجبات افزایش نرخ ارز را فراهم کرده است، حال هر یک از علل فوق را در اقتصاد ایران تشریح می‌نمائیم:

۱- نقش کاهش درآمد ارزی در کاهش ارزش ریال

با توجه به شرایط اقتصادی ایران (به جهت اینکه بر مبنای تک‌محصولی می‌باشد) عمدتاً درآمدهای ارز کشور بر پایه صدور نفت می‌باشد و از طریق این درآمد، و بودجه حاوی برنامه‌های عمرانی و دیگر هزینه‌ها تأمین می‌شود، و بنابراین کمتر خللی که در روند صدور به وجود می‌آید، کشور را با بحران اساسی مواجه می‌کند، در سال ۱۳۵۷ همواره با بالارفتن موج انقلاب و اعتصاب بخشهای عمده اقتصادی کشور، صدور نفت نیز متوقف شد، که همین امر در سقوط دولت نقش کارسازی داشت. بعد از انقلاب دولت از صدور بی‌رویه نفت جلوگیری کرد و تولید آنرا در سطحی قرار داد که بتوان با آن برنامه‌های اقتصادی را به پایان برساند و نیازهای اساسی کشور را برآورده سازد. با شروع جنگ تحمیلی و واردشدن خساراتی به سیستم تولید نفت صدور نفت کاهش یافت و از طرف دیگر در بازارهای جهانی قیمت نفت افزایش چشمگیری پیدا کرد، کشورهای صنعتی که از عمده‌ترین خریداران نفت کشورهای تولیدکننده بودند، به فکر مقابله با افزایش بهای نفت افتادند و در چندین زمینه فعالیت خود را آغاز کردند، از جمله اقدام به ذخیره‌سازی وسیع نفت کردند، به دنبال کشف منابع جدید صدور و تولید نفت رفتند و همچنین با ایجاد تثبیت آراء در میان اعضاء صادرکننده نفت زمینه‌های کاهش قیمت را فراهم نمودند، که با کاهش بهای نفت، درآمدهای دولت نیز کاهش یافت، در کنار این مسائل کاهش ارزش دلار در مقایسه با سایر ارزهای عمده بین‌المللی از جمله علل مهم کاهش درآمدهای دولت بود، در این سالها قیمت دلار با مقایسه ارزهایی از قبیل: مارک، ین و پوند و فرانک سوئیس

به شدت کاهش یافت، این امر باعث گردید که ارزش نفت صادراتی کشورهای عضو اوپک که بر مبنای دلار قیمت‌گذاری می‌شود در مقایسه با سایر ارزها به شدت کاسته شود. با افزایش هزینه‌های دولت و تشدید شدن نیاز ارزی به جهت شرایط جنگ و محاصره اقتصادی و کمبود منافع ارزی مشکلات به صورت همزمانی ظهور پیدا کرد و دولت برای تأمین بسیاری از نیازهای اولیه غذایی، تسلیحات نظامی و مواد اولیه کارخانه‌ها به ارز نیازمند بود، هزینه‌های دولت نه تنها به علت وقوع جنگ افزایش یافت، بلکه پاره‌ای از سیاستهای اجتماعی و اقتصادی دولت نیز عاملی در جهت انکای بیشتر به ارز شد.

۲- چند نرخ‌ی شدن ارز در جهت کاهش ارزش ریال

در جهت مقابله با چنین حوادثی که در فوق اشاره شد، منطق علمی و کلاسیک چنین حکم می‌کرد که نرخ برابری ارز تعدیل شود، به عبارت دیگر ارزش ریال کاهش یابد، ولیکن اگرچه این کار به عنوان یک راه حل علمی مشابه به نظر می‌آید، اما تحت هر شرایطی یک چنین راه حلی پسندیده و مقبول نمی‌باشد، به جهت اینکه کشور در شرایط جنگ و دوران اول انقلاب بود، انجام یک چنین تعدیلی در نرخ برابری ارز از نظر روانی تأثیر منفی بر کشور بر جای گذاشت و این کار یک شوک نامطلوب به اقتصاد کشور وارد نمود، که این خود عامل تورم می‌شود و دور تسلسل کاهش برابری ارز و تورم را به دنبال می‌آورد، بنابراین اجرای این برنامه متناسب به نظر نمی‌رسد، در دوران انقلاب، پیش گرفتن استراتژی مشابه آنچه اکنون برای اقتصاد در نظر گرفته شده عملی نبود، لذا سیاست اقتصادی بر این استوار بود که نرخ برابری ارز ثابت باقی بماند، حال که یک چنین سیاستی اتخاذ شده باید رویه و مقررات خاص این سیاست نیز در پیش گرفته شود، بر طبق این سیاست نرخ ارز بسیار ارزان بود و بنابراین تقاضا برای آن زیاد بود و عرضه موجود به هیچ عنوان قادر به پاسخگویی به آن همه تقاضا نبود، پس خواه ناخواه سهمیه‌بندی ارز و

اولویت‌بندی در تخصیص آن مطرح شد.

از آنجائیکه ارز به عنوان اصلی‌ترین عامل خرید مواد اولیه و ماشین‌آلات به حساب می‌آید، و کارخانه‌ها و شرکتها اغلب در درصدهای بسیار بالا نیازمند مواد اولیه ارز بر هستند، هنگامی که محصولات تولیدی آنها بر اساس نرخ برابری پایین قیمت‌گذاری می‌شود، عرضه محصولات با آن نرخ در جامعه به مراتب پائین‌تر از تقاضا در آن نرخ قرار می‌گیرد، حال اگر این امکان داده شود که قیمت افزایش یابند، تولید بیش از میزان قبلی خواهد شد و یا تقاضای تعدیل شده مرحله قبل برابر می‌شود، به عبارت دیگر اگر دولت به منظور اتخاذ سیاست ضدتورمی از یک نرخ پائین ارز پیروی می‌کند، چون نرخ پائین عرضه را کاهش می‌دهد، به فشار تورمی بیشتری منجر می‌شود، در این شرایط تولید داخلی رو به کاهش می‌رود و در صورتی که امکان تهیه واردات کالا به نرخ رسمی در اختیار باشد برای بسیاری از تولیدکنندگان صرف نخواهد کرد، که آن کالا را در داخل تولید نمایند، از سوی دیگر چنانچه امکان واردکردن کالا با نرخ رسمی مقدور نباشد، باز بسیاری از تولیدکنندگان به جهت ریسکی که وجود دارد، اقدام به تولید نمی‌کنند، زیرا که این خطر همواره وجود دارد که کالاهای خاص از طریق نرخ رسمی وارد شود.

به جهت اینکه نرخ برابری ارز بسیار تعیین‌کننده می‌باشد، می‌تواند بسیاری از تصمیم‌گیرهای اولیه را دگرگون نماید، اگر در سطوح کلان جامعه بحث بر سر این است که فلان کالا را خود بسازیم و یا اینکه وارد کنیم و یا سیاست حمایت از واردات را دنبال نمائیم و یا صنایع داخلی را حمایت کنیم، همگی وابسته به نرخ برابری ارز می‌باشند، لذا در این اوضاع و احوال سرمایه‌گذاری به دنبال یک چشم‌انداز روشن از آینده است و همیشه دست به عصا راه می‌رود، تا آینده روشن شود، در نتیجه تصمیم‌گیرها دیر صورت می‌گیرد و راه‌های کوتاه‌مدت سریع‌تر اتخاذ می‌شود، که همین امر در بلندمدت به ضرر تولید می‌باشد. با بروز یک چنین مشکلاتی راه حلی که از طرف دولت ارائه شد، جهت مقابله با مشکل ارز و تورم، ایجاد سهمیه‌بندی بود، در ابتدای کار سهمیه‌بندی تنها برای

کنترل ارز در نظر گرفته شد.

ولیکن بعداً دولت مجبور شد برای اقلام کثیری از کالاهای مورد نیاز جامعه این سیستم سهمیه بندی را به کار گیرد، که با طولانی شدن به کارگیری آن، خود سبب بروز مشکلاتی گردید که در زیر آنها را تحلیل می نمائیم:

- سیستم سهمیه بندی موجب به وجود آمدن یکسری مشاغل کاذب در جامعه می شود که شاغلین آنها هیچ گونه کار مفید اقتصادی انجام نمی دهند که از جمله خرید و فروش کوپن، ارز و موارد دیگر.

در سیستم سهمیه بندی برای اینکه بتوان به نحو صحیح سهمیه هر واحد را تشخیص داد، نیازمند وجود اداره و تشکیلات گسترده ای می باشد که یک چنین تشکیلاتی بی هزینه نیست و در صحنه عمل همین تشکیلات ممکن است به کمبودهایی میدان دهد که موجب به وجود آمدن درآمدهای باد آورده برای عده معدودی از افراد می گردد. ماهیت و طبیعت سهمیه بندیها به تزلزل و تبدیل شدن بخشهای مختلف اقتصادی و موجب برهم خوردن سیستم اقتصادی جامعه می شود. سهمیه بندی در کاهش تولید، تشدید تورم در بازار آزاد، افزایش مصرف، نقش مؤثری دارد و همین عمل معینی سهمیه بندی موجب می شود که واحدهای تولیدی که توجیه اقتصادی ندارند به فعالیت خود ادامه دهند.

چند نرخي شدن ارز در ابتدا با دو نرخ که یکی نرخ رسمی و دیگری نرخ رایج در بازار آزاد بود آغاز گردید، سپس از این دو نرخي، نرخهای دیگری به وجود آمد، که دلائل متعددی برای چنین تنوعی قابل بحث و تحلیل می باشد، به عنوان نمونه می توان ایجاد انگیزه به منظور توسعه صادرات در جهت تحقق تنوع نرخها ذکر کرد، یعنی برای تشویق صادرکننده، مبالغی تحت عنوان جایزه و یا امتیازات صادرات به وی داده می شود، وجود اولویت برای خریدهای مختلف از جمله علل ایجاد تنوع در نرخ ارز بود بعضی متناسب با اهمیت و نقش نوع کالا در اقتصاد کشور دانست، در زمینه خرید آن اولویتهای برقرار شد و تنوع در نرخ ارز تقریباً تا سال ۱۳۷۱ در ایران ادامه یافت.

۲-۵- برخی علل افزایش نرخ ارز

در خصوص نرخ ارز بد نیست تا مختصری به بررسی شرایط فعلی حاکم بر ارز که تبدیل به موضوع روز شده و اکثر فعالیتهای اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده است، بپردازیم:

این روزها در محافل دوستانه، در جمع کارمندان ادارات دولتی، در سمینارها و گردهماییهای علمی و بورژوا اقتصادی و بازرگانی و حتی در محافل خانوادگی صحبت از ارز، قیمت روز آن، کاهش یا افزایش آن، آینده معیشت، ارتباط ارز با گرانی و بالاخره ارتباط ارز با سرنوشت این تورم حاد است به راستی، چرا همه اقشار مردم، اعم از ذینفع و غیرذینفع نسبت به نرخ ارز حساس شده اند؟

اما لازم است گفته شود که ما بایستی زودتر از این نسبت به علل افزایش نرخ ارز حساس می شدیم و رفتار اقتصادی خود را اصلاح می کردیم؟ وقتی که فروش فلان مؤسسه افزایش می یابد، نه مدیر، نه کارگر و حتی نه کارشناس یا مشاور اقتصادی مؤسسه به دنبال کشف علت افزایش فروش بر نمی آید.

وقتی که قیمت کالاهای صنعتی افزایش می یابد، مصرف کننده ندرتاً ممکن است به دنبال کشف علت افزایش قیمت باشند، و وقتی نرخ برابری ارز رسماً تغییر می کند (و افزایش می یابد)، دارندگان ارز خوشحال می شوند ولی نمی دانند که خوشحالی آنان دیری نمی پاید و پیامد فوری افزایش نرخ ارز، افزایش ارزش کلیه کالاهای وارداتی و مصنوعات داخلی وابسته است و ریشه این افزایش، در کاهش ارزش ذاتی پول ملی به دلیل ضعف تولید، از نظر کیفی و کمی یا کاهش بهره وری و راندمان در صنایع در افزایش هزینه ها، فرار از پرداخت مالیات، اجبار دولت به پرداخت بسیاری از هزینه های انتقالی، انجام برنامه های توسعه اقتصادی و هزاران نکته باریک تر از مو و در عین حال بسیار پراهمیت اقتصادی است در دو سه دهه اخیر نرخ ارز و قیمت برخی کالاها از جمله ارزاق عمومی به شدت افزایش یافت.

روند این افزایش به خصوص در چند هفته اخیر کاملاً غیرعادی و مخرب بوده است. در کشوری که ظرف ۵ سال گذشته تولید برخی مواد اولیه اساسی نظیر فولاد، مس، آلومینیوم و مواد پتروشیمی چند برابر شده است و با تأمین مواد اولیه اصلی برای تولید پایه‌های تولید را استحکام بخشیده است، در کشورهایی که امکانات زیربنایی مانند تولید برق، گاز و مواد سوختی و راه آهن آنها توسعه چشمگیری پیدا کرده است، در کشوری که تولیدات کشاورزی و محصولات دامی به طور مشهودی افزایش یافته است و روند اضمحلال روستا به روند احیاء و توسعه آنها تبدیل شده است و بالاخره در کشاورزی که معادن آن رو به توسعه نهاده و تولیدات معدنی از سنگهای تزئینی تا سنگ آهن و ذغال سنگ نسبت به ۵ سال پیش چند برابر شده است، وقوع چنین بحرانی در بازار ارز و طلای آن انتظار نمی‌رود ولی واقعیت آن است که افزایش بحران گونه نرخ ارز رخ داد و مانند هر رخ داد دیگری باید علل داشته باشد. تجزیه و تحلیل علل این روند ناسالم در راهیابی برای مقابله با آن ضروری است.

همه می‌دانند که افزایش سریعتر نقدینگی و سرعت گردش آن نسبت به عرضه کالا، تورم را پایه‌ریزی می‌کند، تورم کنونی نیز با ضعف مدیریت جریانات ارزی به همین گونه پایه‌ریزی شد. مدیریت جریانات ارزی کشور با عملکرد خلاف روح و منطق سیاستهای تعدیل در طی سالهای ۶۹ تا ۷۲ موجب افزایش نقدینگی و ایجاد اختلال در عرضه کالا از سال ۷۲ به بعد شد با آنکه کسری بودجه پیشنهادی دولت و مصوب مجلس شورای اسلامی به ظاهر در طی سالهای برنامه اول کاهش یافت و در پایان برنامه به مقادیر ناچیز رسید، ولی عدم توجه به نرخ ارزی در تعهدات ارزی ایجاد شده، در تنظیم بودجه‌های سالانه، بدهی هنگفتی برای دولت به بانک مرکزی ایجاد کرد و سبب افزایش بی سابقه نقدینگی کشور شد.

ارتباط مدیریت ارزی با ایجاد نقدینگی چنین بود که در سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۲ حدود ۳۳ میلیارد دلار تعهدات ارزی عمدتاً برنامه‌ریزی نشده برای کشور به وجود آمد.

تعهدات مزبور با فروش دلارهای به قیمت رسمی ۷۰ ریال یا رقابتی ۶۰۰ ریال (متوسط و نرخى حدود ۲۰۰ ریال) به متقاضیان دولتی و خصوصی از طرف سیستم بانکی ایجاد شد، در زمان بازپرداخت تعهدات مذکور، سیستم بانکی باید دلار را بر اساس بودجه‌های مصوب با نرخ ۱۷۵۰ ریال خریداری و دلار خریداری شده را برای بازپرداخت تعهدات ارزی مورد استفاده قرار دهد.

بعد از سال ۱۳۷۲، بانک مرکزی مابه تفاوت ۱۷۵۰ ریال به ۲۰۰ ریال برای هر دلار (قیمت متوسط فروش ارزهای تعهدشده) از تعهدات ارزی را که بازپرداخت می نمود، به حساب بدهی دولت، قرار می داد. تنها در صورتی بدهی دولت به بانک مرکزی بابت بازپرداخت تعهدات ارزی افزایش نمی یافت که درآمدهای ریالی دولت از محل صادرات نفت برای دلارهایی که جهت بازپرداخت تعهدات مورد استفاده قرار می گرفت با همان نرخى که تعهدات ایجادشده بود (مثلاً ۲۰۰ ریال برای دلار) توسط سازمان برنامه و بودجه در بودجه سالیانه منظور می شد.

در آن صورت سطح درآمد دولت در بودجه‌های سالهای ۷۲ تا ۷۳ کمتر از میزان می شد که در بودجه آن سالها در نظر گرفته شد و در نتیجه هزینه‌های دولت در آن دو سال نیز باید کمتر از آنچه واقع شد، تنظیم می گشت.

بدین ترتیب جنبه ریالی تعهدات ارزی با افزایش بی سابقه بدهی دولت به بانک مرکزی و رشد شدید و بی سابقه نقدینگی کشور، از سال ۷۲ به بعد، به صورت بسیار مخرب و تورم‌زایی رخ نمود. و خوشبختانه دولت و مجلس شورای اسلامی در بودجه سال ۱۳۷۴ تصویب کرده‌اند که از افزایش بدهی دولت به خاطر تعهدات ارزی مزبور خودداری شود ولی به هر حال افزایش شدید نقدینگی که در سالهای ۷۲ و ۷۳ به علت تعهدات ارزی سالهای قبل به وجود آمد، برای مدتی اثرات مخرب و تورم‌زایی خود را بر اقتصاد خواهد داشت.

جنبه زیان‌بار جریانات ارزی کشور در سال ۶۹ تا ۷۲ فقط به افزایش شدید نقدینگی

منحصر نبود، بازپرداخت اصل و فرع تعهدات ارزی از بعد از سال ۷۲ موجب کاهش ارزش در دسترس برای فعالیتهای اقتصادی شد. در حالی که در طی سالهای ۶۸ تا ۷۱، کشور به طور متوسط با ایجاد تعهدات جدید و نیز ضرورت بازپرداخت اصل و فرع تعهدات، میزان ارزش در دسترس اقتصاد و واردات به نصف متوسط مقدار آن در طی سالهای مزبور کاهش یافت، کاهش واردات موجب کاهش یا توقف رشد عرضه کالاهایی نهائی، کالاهای واسطه‌ای، قطعات یدکی و ماشین آلات شد.

کاهش کالاهای واسطه‌ای و قطعات یدکی و ماشین آلات به روش تولیدات داخلی لطمه وارد ساخت. عرضه کالاها به جهت کاهش واردات کالاهای نهایی و مشکلات تولید داخلی دچار اختلال شد.

در نتیجه کم اطلاعی از مدیریت جریانات ارزی در تنظیم بودجه‌های سالانه و کم توجهی به اثرات ریالی این تعهدات، سبب شد که در سالهای بعد از ۱۳۷۲ از یک طرف نقدینگی به شدت رشد کند و از طرف دیگر عرضه کالا دچار اختلال شد و این دو موجب ایجاد تورم شد. وقتی تورم در یک کشور بالاتر از تورم در کشور دیگر باشد، ارزش پول کشور اول نسبت به کشور دوم کاهش می‌یابد.

وجود تورم بیش از ۲۵ درصد در سال ۱۳۷۲ و بالاتر از ۳۰ درصد در سال ۱۳۷۳ در ایران و تورم کمتر از ۴ درصد در کشورهای صنعتی، تبعاً موجب کاهش ارزش پولی ملی و در مقابل ارزشهای معتبر می‌شود، لذا ارزش دلار در ایران به علت تورم بالا در کشور و نیز کاهش عرضه ارزش در بعد از سال ۱۳۷۲ افزایش یافت و در نزدیک به یک سال دلار از حدود ۱۷۵۰ ریال نزدیک به ۶۰ درصد افزایش یافت و به حدود ۲۸۰۰ ریال در اواخر سال ۱۳۷۳ رسید، و قیمت ارزش از اواخر سال ۷۳ به بعد به طور غیرعادی و جهش‌گونه افزایش یافت و تا اواسط اردیبهشت ۷۴ بیش از صد درصد بالا رفت و به بالاتر از ۶۰۰۰ ریال رسید.

یکی از عوامل سیاستهای قیمت‌گذاری است که از زمان فعالیت تنظیم بازار شروع

شده است. قیمت گذاری تولیدات داخلی نظیر فولاد، لاستیک، کاغذ، مواد پتروشیمی، مس و بسیاری کالاهای دیگر سبب می شود قیمتی که برای تولیدکننده تعیین می شود کمتر از قیمت بازار آزاد باشد. قیمت های بازار آزاد در اثر نقدینگی زیاد افزایش می یابد و از قیمت های تعیین شده برای تولیدکنندگان فاصله می گیرد. مثلاً در حال حاضر قیمت لاستیک برخی سواریها در بازار آزاد تا ۳ برابر قیمت تعیین شده برای تولیدکنندگان لاستیک است. این امر سبب می شود که واسطه ها و تجار مقدار زیادی از این فاصله را به عنوان سود نصیب خود نمایند.

در واقع اگر تولید کالا به قدری زیاد باشد که قیمت بازار آزاد آن قیمت تعیین شده از طرف مراجع قیمت گذاری یکی باشد، قیمت گذاری دیگر لزومی ندارد، اگر عرضه کالا در مقابل تقاضای زیاد ناشی از نقدینگی کافی نباشد و قیمت آزاد از قیمت رسمی فاصله بگیرد، در آن صورت همانطوریکه تجربه ایران بارها نشان داده است، کنترل توزیع کنندگان برای آنکه مصرف کنند هایی با قیمت رسمی کالا را بدست آورد بسیار مشکل و گاه غیرممکن است. در نتیجه مقدار زیادی از فاصله قیمت مزبور به عنوان سودهای کلان و بادآورده نصیب توزیع کنندگان می شود.

سود زیاد توزیع کنندگان در شبکه توزیع موجب می شود که نقدینگی زیاد جامعه به صورت سود مازاد تجاری به سوی تجار و واسطه ها حرکت کند. واسطه هایی که این سودهای سهل الوصول را می برند و تولیدکنندگان مستأصل و تحت فشار را ملاحظه می کنند، اصلاً انگیزه سرمایه گذاری این مازاد عظیم را برای ایجاد ظرفیتهای تولیدی در داخل کشور ندارند.

سرمایه های انباشته شده در نزد واسطه ها که نه راه تبدیل شدن به ظرفیتهای تولیدی را می داند، نه انگیزه آنرا دارد و از طریق تخلف از قیمت های تعیین شده بدست آمده، احساس امنیت نمی کند، میل به حرکت و انتقال به خارج از کشور را دارد. در نتیجه واسطه های که از این طریق پولهایی کلان بدست آورده اند متقاضی ارز برای انتقال سرمایه

به خارج از کشور می شوند راه خروجی سرمایه خرید مستقیم ارز موجود در داخل و خارج کشور و یا صادرات کالاهای داخلی و عدم برگشت ارز حاصل از آن می باشد. به هر یک از طرق مزبور که اقدام شود نتیجه آن خواهد شد که مقداری از ارز محدود کشور از دسترس تولیدکنندگان خارج می شود و کمبود ارزی تشدید می شود. در نتیجه قیمت ارز بالا می رود.

از اواخر سال که با گذشت چند ماه از سیاستهای قیمت گذاری مازادهای نقدی قابل توجه توزیع کنندگان کالاهای عمده کشور نظیر فولاد، لاستیک و مواد شیمیائی رسیده بود، این ثروت بادآورده برای خروج از کشور، بر بازار ارز فشار آورده و قیمت ارز را بالا برد. با افزایش نرخ ارز، ضرورت تبدیل ثروت نقدی ایجاد شده در شبکه توزیع به دلار بیشتر می شود و فشار برای خرید ارز و خارج کردن آن از چرخه های اقتصادی کشور افزایش می یابد. در نتیجه افزایش قیمت ارز تشدید می شود، کمبود ارز برای تولیدکنندگان بیشتر می شود، تولید و عرضه کالاهای داخلی بیشتر لطمه می خورد و بالاخره سطح قیمتها به علت کاهش عرضه بیشتر افزایش می یابد.

با شدت گرفتن افزایش نرخ ارز، سطح قیمتها، افراد عادی که مقداری ذخیره ریالی دارند ملاحظه می کنند که ارزش اندوخته ریالی، آنها به شدت رو به کاهش است. در نتیجه این افراد برای حفظ ارزش اندوخته های خود به فکر می افتند که آنها به ارز خارجی تبدیل کنند. تلاش برای تحویل پس اندازهای ریالی به ارز خارجی تقاضای جدید برای ارز به وجود می آورد و افزایش قیمت ارز را تشدید می کند و عرصه را به تولیدکنندگان داخلی برای کسب ارز جهت فعالیتهای تولید تنگ تر می کنند و اختلال در فعالیتهای تولیدی را افزایش داده موجب تشدید تورم می شود. تشدید افزایش نرخ ارز و تورم سبب هجوم بیشتر دارندگان پس اندازهای ریالی برای تبدیل دارایی نقدی خود به ارز می شود.

علاوه بر اتفاقات مزبور و به موازات آنها، تحولات کشورهای شمالی ایران موجب ایجاد یک دوران گذر شده است که در طی آن برخی کمبودهای موجود در کشور

تشدید شده و قیمتها بالا می رود. با متلاشی شدن شوروی سابق و متلاشی سیستم اقتصادی یکپارچه آن، در کشورهای جدید شمالی کمبود مواد غذایی، پوشاک و کالاهای مصرفی که از قبل از متلاشی شوروی وجود داشت تشدید شده است مردم کشورهای مزبور طی چند سال اخیر راه خرید این کالاها را از ایران فرا گرفته اند و ایرانیان نیز بازارهای صادراتی آنجا را شناسائی کرده اند. در نتیجه، تقاضای وجود در آن کشورها بر بازار داخلی ایران فشار وارد آورده و قیمت کالاها را افزایش می دهد.

البته با گذشت زمان ایران می تواند به صورت کشوری در آید که کالاهای مورد نیاز کشورهای شمالی را با تولید داخلی و یا با بازارهای جهانی تأمین کند و یک جریان منظم کالا را از طریق ایران به آن کشورها تنظیم نماید و از این بابت اقتصاد کشور متمتع شود ولی سیاستها و برنامه های بازرگانی و اقتصادی کشور در جهت تسهیل و تسریع گذر از این دوران گذرا نبوده است.

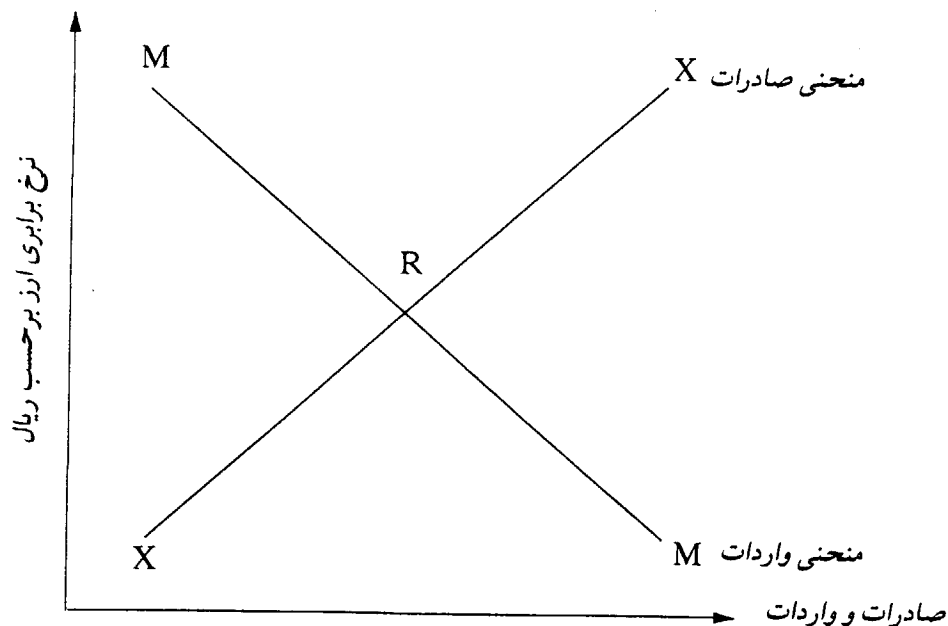
ظاهراً گذر از دوران قبل از متلاشی شدن شوروی به دورانی که در آن ایران به صورت گذرگاه و عرضه کننده کالاهای مورد نیاز کشورهای مزبور در آید، فقط به عهده مکانیزمهای بازار گذاشته شده است.

البته مکانیزمهای بازار و علائمی که آن مکانیزمها ارائه خواهد داد، بالاخره موجب خواهد شد که اقتصاد ایران نقش مناسب خود را در شرایط جدید به عهده گیرد ولی بدون سیاستها و برنامه های بازرگانی مناسب جهت تسریع و تسهیل عهده دار شدن این نقش، دوران گذر توأم با ایجاد تنگنا برای برخی کالاها و افزایش زیاد قیمتهای داخلی برای علامت دهی خود بود و یکی دو سال اخیر که به علت مسائل ارزی کشور با تورم و کاهش ارزش ریال رو به رو شده است، خوراکی و مصرفی بیشتر دامن زده است.

۶-۲- رابطه نرخ ارز با صادرات و واردات

صادرکنندگان کالا یکی از منابع بزرگ عرضه ارز به داخل کشور هستند و صادرات،

فی الواقع به معنی تعویض کالای داخلی بازار است. واردکنندگان نیز به نوبه خود از منابع بزرگ تقاضای ارز و یا عامل خروج ارز از کشور محسوب می گردند و به دیگر سخن، واردات به معنی خرید یا تهیه کالای خارجی با ارز است. همانگونه که قبلاً در مورد تعیین عرضه و تقاضای ارز از روش نقطه یابی استفاده شد، در این مورد نیز می توان به کمک روش نقطه یابی منحنی های صادرات در شکل زیر منحنی (XX) نشان دهنده صادرات و منحنی (MM) نشان دهنده واردات است و نقطه R نقطه ای است که میزان معینی از صادرات در برابر همان میزان از واردات انجام شده و نرخ برابری را در حد (R) نشان می دهد.

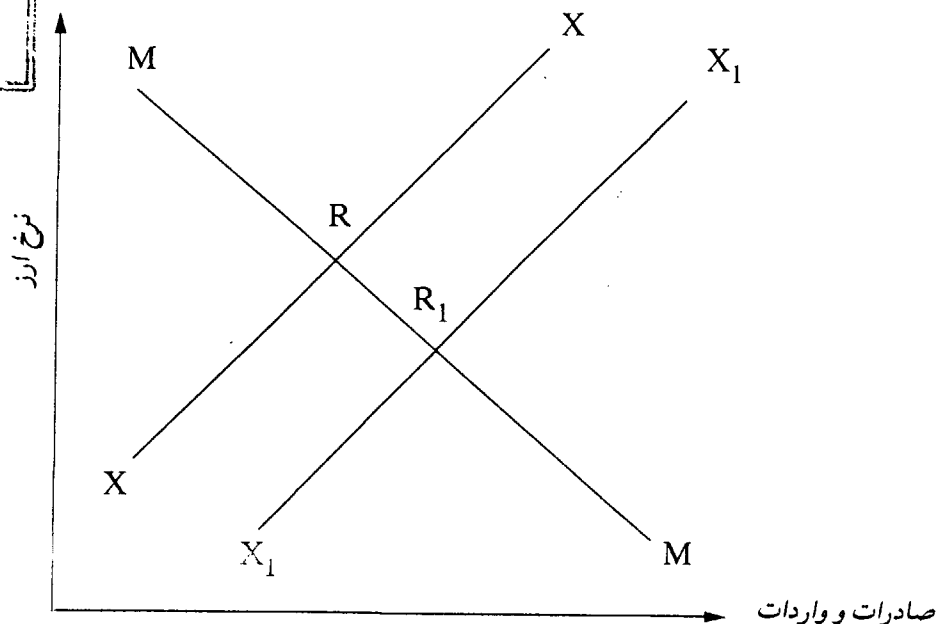


شکل (۱) صادرات و واردات

حال اگر منحنی (XX) یا صادرات از وضعیت اولی به حالت (X_1X_1) درآید شکل (۲)، یعنی افزایش یابد، نقطه R در وضعیت جدید (R_1) قرار خواهد گرفت یعنی با افزایش صادرات و به تبع آن افزایش عرضه دلار در بازار، قیمت یا نرخ برابری ارز کاهش می یابد.

با افزایش صادرات و به تبع آن افزایش عرضه دلار در بازار، قیمت یا نرخ برابری ارز

کاهش می یابد.



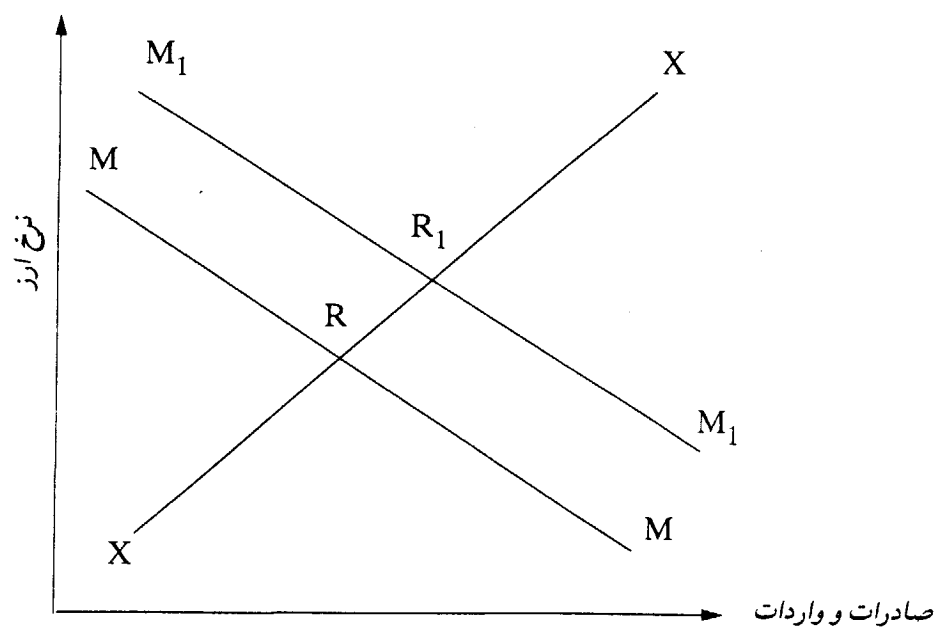
شکل (۲) کاهش نرخ ارز در نتیجه افزایش صادرات

در شرایط دیگر، اگر منحنی (MM) یا واردات از وضعیت اول به حالت

(M_1M_1) درآید (شکل ۳) یعنی افزایش یابد، نقطه R در وضعیت جدید (R_1) قرار

خواهد گرفت یعنی با افزایش واردات و به تبع آن افزایش تقاضا برای دلار در بازار، قیمت

یا نرخ برابری ارز افزایش خواهد یافت.



شکل (۳) افزایش نرخ ارز در نتیجه افزایش واردات



بخش سوم:

نقش سیاستهای ارزی بر صادرات



یکی از این ابزارها، سیاستهای ارزی و مساله ارز می باشد. اعتقاد بر این است که تضعیف پول ملی و تقویت قدرت خرید ارزهای خارجی سبب کاهش کسری تراز بازرگانی و مآلاً کاهش کسری تراز پرداختها می شود و منجر به تحقق تعادل خارجی می گردد و برعکس.

بنابراین هنگامی که دولتها مشاهده کنند که دارای کسری تراز پرداختها هستند می توانند به تضعیف پول ملی شان اقدام کنند. ابزار دیگری برای تعادل خارجی نرخ بهره هست. مادامی که سیل سرمایه های خارجی به دلیل بالابودن نرخ بهره، از ورود سرمایه های خارجی جلوگیری کند و برعکس. این امر به نوبه خود می تواند سبب افزایش سرمایه گذاریهای داخلی و بالارفتن سطح اشتغال و تولیدات شود، که مآلاً منجر به تعادل داخلی نیز می شود.

عدم تعادل های ناشی از جنگهای جهانی و بحرانی ۱۹۲۹ و غیر قابل تبدیل بودن پول کشورهای جهان، عدم تعادلی بود که بین ناحیه دلار و سایر نواحی وجود داشت و به نام "کمبایی دلار" مشهور گشت. از آنجا که کشورها مایل نبودند، که عدم تعادلها را به تضعیف پول ملی برطرف سازند. لذا به کنترل اسعار دامن زدند، لهذا، انگیزه های مختلفی برای به کارگیری سیاست کنترل (اسعار خارجی ارز) وجود داشت از آن جمله برطرف ساختن عدم تعادل تراز پرداختهای خارجی، بخصوص جلوگیری از فرار سرمایه ها به خارج، ایجاد تسهیلات لازم برای اجرای برنامه های اقتصادی کشور، حمایت از صنایع داخلی و تحصیل درآمد برای دولت را می توان نام برد. نحوه کنترل اسعار نیز متنوع است که هر یک برای منظوره های خاصی به کار گرفته می شوند.

اما بایستی توجه داشت که اعمال این نوع سیاستها، فاقد نقض نیستند، چرا که این امر به تحدید مبادلات بین المللی منجر شده. بعضی وقتها پول قابل تبدیل نبوده، ارتباط هزینه ها و قیمت های داخلی و جهانی با تبعیض بین مناطق پولی کشورها، از هم گسیخته گشت، عدم تعادل ارزی جنبه دائمی پیدا کرده، و در نتیجه تقسیم کار بر اساس نظریه

هزینه‌های نسبی بین کشورها از بین خواهد رفت.

همچنین این مسائل جانبی در بردارد، می‌گردد کنترل ارز قابل تبدیل پولها را با یکدیگر از دست می‌دهد، لذا در واقع تصفیه حساب چند جانبه، کشورها با مشکل مواجه می‌گردند. که برای رفع این مشکل؛ قراردادهای پرداخت دو جانبه به کار گرفته می‌شود.

در ایران کنترل ارز پس از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و کاهش ارزش واحد پولی کشور (قران) به موجب قانون مصوب ششم اسفند ماه ۱۳۰۸ برقرار گردید که عملیات کنترل ابتدا به عهده کمیسیون به نام کمیسیون ارز و بعد از آن بانک ملی و بالاخر تأسیس بانک مرکزی ایران به عهده بانک فوق واگذار شد که تا امروز این سیاست کم و بیش به کار گرفته شده است. وضع مقررات و سیاستهای ارزی و اعمال سیاستهای تشویقی و کنترل ارز قبل و بعد از انقلاب اسلامی شاهد این مدعاست.

دلائل زیادی وجود دارد که کشورهای جهان سوم از تضعیف پول ملی شان اکراه کردند. در مقابل تضعیف پول ملی مسائل مختلفی نهفته است که کشورهای مذکور از این بابت با مشکل مواجه می‌باشند. اولین مسأله میزان تضعیف است. برایشان میزان تضعیف برای حصول تعادل تراز پرداختها نامعین است.

چنانچه تضعیف فوق به حالت مرحله‌ای انجام شود به بی‌ثباتی بیشتر به خصوص در امر صادرات ایجاد کرده که خود ممکن است طالب تضعیف بیشتری باشد. کشش تقاضا و عرضه کالاهای صادراتی در کشورهای جهان سوم پائین است. بنابراین تضعیف پول ملی نمی‌تواند سبب ایجاد تعادل تراز پرداختها گردد.

اما علی‌رغم آن، تجربه کشورهای در حال توسعه، رونق صادرات در اثر تضعیف پول را نفی کرده است. از ۲۴ مورد تضعیف یکباره پول که در دهه ۶۰ در کشورهای در حال توسعه صورت گرفته در ۱۵ مورد آن کشورهای مربوطه کاملاً موافق بوده‌اند که وضعیت پرداختهایشان را بهبود بخشند. در ۲۱ مورد از این ۲۴ مورد با تضعیف پول، صادرات افزایش پیدا کرده ولی در ۹ مورد، فزونی واردات، این افزایش را خنثی کرده است.

از جمله دلایل دیگر در رد تضعیف پول ملی، پی آمد طبیعی آن یعنی شروع موجهای تورمی در اقتصاد عنوان می شود که با افزایش قیمتها و دستمزدها بخش صادراتی نمی تواند به خوبی عمل کند. تجارت کشورهای دیگر بالا رفتن قیمتها پس از تضعیف پول را به ثبوت رسانده است. بالا رفتن قیمتها کاملاً در رابطه با نوع سیاست پولی است که دو دولت پس از تضعیف پول در پیش گرفته اند یعنی به دنبال سیاست ارزی فوق سیاست انبساطی پولی اتخاذ شود تورم بیشتری را به دنبال خواهد داشت.

در صورتی که سیاست انقباضی پولی بر شکل بیکاری می افزاید و نایستی در اتخاذ سیاستهای فوق نادیده گرفته شود اما مهمترین مسأله به دلیل امتناع کشورهای جهان سوم مسأله پرستیژ بین المللی و مسائل سیاسی است. چرا که تضعیف پول ملی به عنوان شکست برنامه های اقتصادی دولت تعبیر می شود و ممکن است علی رغم اثبات واقعیات اقتصادی آن، دولتها رسماً حاضر به اعمال آن نباشند.

با توجه به ملاحظات فوق آیا تضعیف قدرت خرید ریال می تواند مشوق صادرات باشد یا خیر؟ اعتقاد بر این است که به دلیل محدودیت منابع ارزی حاصل از نفت و عدم امکان جلب سرمایه ها و ناتوانی نرخ بهره در فراهم کردن موجبات دلگرمی سرمایه گذاران و جلوگیری از خروج سرمایه، اتخاذ سیاست فوق ممکن است نتیجه عکس به بار بیاورد.

برای مثال اگر دولت اقدام به تضعیف ریال در مقابل دلار بکند و به فرض اینکه هر یک دلار در مقابل ۸۰ ریال را به هر دلار در مقابل ۴۰۰ ریال تبدیل کند ارزشهای حاصل از صادرات را (اعم از نفتی و غیرنفتی) به بانک مرکزی سپرده و بانک مذکور در مقابل آن ریال تزریق کند، یعنی به جای اینکه دلارهای حاصل شده در عدد ۸۰ ضرب شود، در عدد ۴۰۰ ضرب خواهد شد، این مساله سبب افزایش شدید حجم پول (ریال) در داخل شده و لذا تورم را به دنبال خواهد داشت.

بنابراین دستیابی به صادرات بیشتر تضعیف به نظر می رسد. پس، در به کارگیری سیاست تضعیف ریال بایستی دقت و مطالعه عمیق انجام گرفته و ضمن در نظر گرفتن تمام

جوانب، در اتخاذ آن بایستی احتیاط را نیز رعایت کرد.

اصولاً مادامی که کشورها حاضر نیستند دست به تضعیف و یا تقویت پول خود بزنند در حقیقت مانع حاکمیت سیستم بازار شده‌اند لذا چاره آنها اقدام به سیستمهای سهمیه‌بندی و یا سیستم چند نرخى ارز می‌باشد که بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای جهان سوم به آن پرداخته‌اند. سهمیه‌بندی ارز خود مستلزم پیامدها و مسائل دیگری از جمله اولویت‌بندیها و تعیین مهمات می‌باشد که خود مقوله‌ای بسیار مهم و پیچیده می‌باشد.

چراکه هرگونه تخصص که با کنترل و سهمیه انجام پذیرد سبب جابه‌جایی و انتقال عوامل تولید از یک سو و احتمالاً فرار سرمایه‌ها از سوی دیگر خواهد شد. یعنی در نظام سهمیه‌بندی قیمتها قطعاً از قیمت بازار ارزانتر است و این مسأله در جریان واردات و صادرات خواه ناخواه سبب خروج مقداری از سرمایه می‌شود که به دنبال آن برای جلوگیری از خروج سرمایه اقدام به وضع قوانین و مقررات می‌شود که ممکن است خود مانع توسعه و گسترش صادرات باشد.

سیستم ارز چند نرخى که در واقع یکی از سیاستهای تشویق صادرات محسوب می‌گردد را می‌توان نوعی تضعیف پول ملی بخشی نامید، چراکه در این سیستم تعیین قیمت بخشی از ارزها، به بازار رسیده می‌شود که قیمت تعیین شده به وسیله بازار قطعاً بالاتر از قیمت رسمی تعیین شده از سوی دولت می‌باشد. به فرض اگر قیمت رسمی دولت دلار ۷۵ ریال باشد قیمت بازار آزاد ممکن است ۸۰۰ ریال باشد.

تجارت کشورهای جهان سوم ثابت کرده‌اند که خارج کردن تخصص قسمتی از ارز، از توزیع بوروکراسی و سپردن آن به بازار موفقیت‌آمیز است. عمده‌تأ سیستمهای توزیع بوروکراسی علاوه بر عدم کارایی با مفاسدی همراه است به همین دلیل به منظور خارج کردن قسمتی از درآمدهای ارز و سپردن آن به بازار، می‌تواند دو هدف فوق یعنی تخصص کارا و سالم را برای کشورهای مزبور به ارمغان بیاورد.

سیستم فوق به دو طریق قابل اعمال است، یکی اینکه به صادرکننده اجازه داده می‌شود که ارز حاصل از صادرات را در حساب مخصوص نگهدارد و مستقیماً از آن حساب بدون آنکه وارد تشریفات اداری تخصیص ارز می‌شود مواد اولیه وارد کند، در روش دیگر صادرکننده در مقابل ارزهای که به دولت تحویل می‌دهد. گواهینامه‌ای که در بازار قابل خرید و فروش است اخذ می‌کند که دارنده گواهینامه مجاز است بدون وارد شدن به تشریفات اداری، تخصیص ارز به ورود کالا اقدام نماید. این هم در واقع تضعیف بخشی پول ملی است و تخصیص بخشی از درآمدهای ارزی به عهده بازار گذاشته شده است. در این حالت تولیدکننده‌ای که از کارایی بالاتری برخوردار است. و قدرت رقابت در بازار بین‌المللی را دارد ارزهای حاصله خود را در بازار به فروش می‌رساند و مسلماً قیمت تعیین شده از سوی بازار بیشتر از قیمت رسمی دولت است.

نکته قابل توجه در به کارگیری این‌گونه تدابیر، مطالعه و بررسی دقیق سیاست متخذه می‌باشد و مناسب‌تر است که دستورالعمل اجرای سیاست برای صنایع و صادرکنندگان مختلف یکسان نباشد. بنابراین به طوریکه به عنوان مثال برای کالاهایی که قدرت رقابت لازم در بازار بین‌المللی را دارا هستند اعطاء امتیازات فوق ضروری نیست. در اوایل دهه ۱۹۶۰ پاکستان به این تجربه دست زده در ابتدای کار تجربه‌ای بسیار موفق بود. به تدریج به جای اینکه اجازه دهد فقط بعضی از صنایع درصد زیادی از ارز حاصله را نگهدارند و گواهینامه را در بازار آزاد بفروشند، مکانیزم مزبور را برای اکثر صنایع تضعیفی داد و درصد مزبور را پایین آورد، نتیجتاً این رویه نیز اثر خود را از دست داد.

تجربه سریلانکا نیز جالب توجه است این کشور اجازه خرید و فروش گواهینامه‌های ارز صادراتی را می‌داد. ولی بانک مرکزی نیز از محل ارزهای دولتی وارد این بازار می‌شد. که گاه به عنوان خریدار و گاهی به صورت فروشنده گواهینامه‌ها بوده است. و بدین صورت دولت خود قیمت ارز صادراتی را تحت کنترل خویش داشت و اجازه نمی‌داد که نوسان زیادی داشته باشد. با این شیوه ضمنی فقط قدرت رقابت صادرکنندگان در بازار

جهانی و با فراهم آوردن قیمت باثبات نسبی برای ارز صادراتی امکان بورس بازی روی خرید و فروش گواهینامه را از بین برده است.

این رویه برای کشوری که دولت میزان زیادی ارز حاصله از صادرات در اختیار دارد. و با کسری بودجه نیز مواجه است شاید رویه‌ای قابل توجه باشد، البته نیاز به مطالعه‌ای وسیع و دقیق در این زمینه دارد.^(۱)

در ایران نیز سیاستهای ارزی مختلفی به کار گرفته شده است که پاره‌ای از آنها بر صادرات غیرنفتی موثر بوده‌اند. در سالهای ۱۳۵۲ سیاستهای ارزی اتخاذ شده نه تنها تأثیر مهمی بر میزان صادرات نداشته، بلکه ارزش صادرات نیز کاهش یافته است. یعنی از رقم ۹۳۴/۷ میلیون دلار در سال ۱۳۵۲ به ۵۴۲/۸ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ رسیده است. به عبارت دیگر تصمیمات اتخاذ شده در سال ۱۳۵۳، مبنی بر قطع رابطه ثابت ریال با دلار به منظور محدود ساختن دامنه نوسانات ریال در مقابل ارزهای عمده جهان و به دنبال آن ایجاد بازار سلف ارز جهت تثبیت نرخ دلار در بلندمدت و حفظ منافع صادرکنندگان، اگرچه موجب جلوگیری زیان صادرکنندگان و حفظ منافعشان بود اما از نظر افزایش صادرات نقش نداشت از طرف دیگر ۱۳۵۸-۶۴ اگر چه سیاستهای ارزی اتخاذ شده برای صادرکنندگان مشوقی به حساب می‌آمد و در برخی موارد (مانند سال ۱۳۵۸) موجب افزایش صادرات گردید و در موارد دیگر اثر آن ناچیز و حتی بدون تأثیر بوده است.^(۲)

به طور خلاصه می‌توان گفت که سیاستهای مالیاتی به عنوان یکی از سیاستهای مالی دولت می‌تواند نقش مهمی در صادرات داشته باشد، بدین صورت که اخذ هرگونه مالیاتی که بر قیمت تمام شده محصولات صادرات مؤثر باشد اعم از اینکه بر موارد یا سود

۱- سیدهاشم، هاشمی. "سیاستهای ارزی چگونه در رابطه با صادرات عمل می‌کنند"، هفته‌نامه اطاق

بازرگانی، شماره ۴، ۱۳۶۵، ص ۲۴.

۲- مأخذ: بانک مرکزی. گزارش اقتصادی و ترازنامه‌های سالهای ۱۳۵۲-۱۳۶۵.

صادرکنندگان وضع شود به نحوی منجر به کاهش صادرات می‌گردد. چراکه مالیات بر مواد سبب افزایش قیمت کالاهای صادراتی، و در نتیجه کاهش قابلیت رقابت کالاهای صادراتی می‌گردد. از طرفی، وضع مالیات بر درآمد صادرکنندگان، انگیزه صادراتی آنها را کاهش می‌دهد. بنابراین تضعیف مالیاتهای وضع شده و یا حذف آنها سبب تشویق صادرات خواهد شد.

سیاستهای مالی از نوع هزینه‌ای نیز اثرات زیادی می‌تواند بر صادرات داشته باشد، اعم از سیاستهای سوبسیدی برای کالاهای صادراتی و یا انجام هزینه‌های دولت در جهت توسعه صادرات کشور، از قبیل تهیه امکانات بازاریابی برای صادرکنندگان، فراهم کردن تسهیلات استاندارد و بسته‌بندیهای مناسب و ارائه خدمات آموزشی در این رابطه و... که هر یک از آنها به نوعی می‌تواند مشوق صادرات باشد.

بایستی توجه داشت که سوبسیدهای صادراتی نبایستی جنبه دائمی و همیشگی داشته باشد، چراکه این امر سبب از بین رفتن خلاقیتها و استعدادها می‌گردد و لذا این سوبسیدها بایستی دارای مدت مشخصی و حساب شده باشند از سوی دیگر، سیاست پولی می‌تواند در دو پارامتر عرضه پول و نرخ بهره - از جهات مختلف - بر صادرات مؤثر باشد. یعنی افزایش عرضه پول - باثبات سایر شرایط - منجر به کاهش نرخ بهره، تشویق سرمایه‌گذاریها و بنابراین تولید با هزینه کمتری را به دنبال داشته، می‌تواند برگسترش صادرات منجر شود. کاهش حجم پول ممکن است نتیجه عکس به بار بیاورد. حال اگر نرخ بهره بنا به دلایلی، افزایش یابد. باثبات سایر شرایط از یک سو سرمایه‌گذاریهای داخلی کاهش یافته، و از سوی دیگر، سرمایه‌های خارجی جذب کشور می‌گردند.

این امر ضمن اینکه منجر به افزایش تقاضای پول داخلی می‌شود، مآلاً کاهش نرخ ارز را نیز به دنبال داشته و اثر مضاعفی بر کاهش صادرات غیرنفتی خواهد داشت. اما در حالت اخیر، نرخ برابری پول (نرخ ارز) نیز در کنار نرخ بهره در مورد سرمایه‌های خارجی به کشور مؤثر می‌باشند.

یعنی ممکن است نرخ بهره افزایش یابد، اما تغییر نرخ ارز بگونه‌ای باشد که این افزایش را خنثی نماید در چنین وضعیتی، علی‌رغم افزایش نرخ بهره، شاهد سرازیر شدن سرمایه‌های خارجی به داخل کشور نخواهیم بود. زمانی این امر اتفاق خواهد افتاد که تغییرات نرخ بهره بیش از تغییرات نرخ ارز و این تغییر در جهت مخالف نرخ بهره باشد. از جمله عوامل پولی دیگر، بانکهای توسعه صادرات را می‌توان نام برد که اثرات مهمی می‌تواند بر صادرات داشته باشد، چرا از بابت تأمین نیازهای مالی و چه تصمیمات مالی در رابطه با صادرات صندوق ضمانت صادرات ایران که در سال ۱۳۵۲ تأسیس گردید به منظور توسعه و افزایش صادرات کشور و حفظ حقوق صادرکنندگان در مقابل خطرات مالی که معمولاً شرکتهای بیمه تجاری آنها را بیمه نمی‌کنند همچنین تضمین اعتباراتی که به مصرف صدور این گونه کالاها و خدمات می‌رسد.



بخش چهارم:

تأثیر پیمان نامه ارزی بر صادرات غیر نفتی

۱-۴. آزادسازی تجارت پس از جنگ تحمیلی

۲-۴. علل مخالفت صادرکنندگان با پیمان نامه ارزی

۳-۴. لغو برقراری پیمان نامه ارزی

۴-۴. مزایا و معایب پیمان سپاری ارزی



تجارت جهانی به سمت آزادسازی پیش می‌رود تا با گسترش رقابت امکان بهره‌برداری بهتر از منابع تولید و کاهش هزینه تمام شده (بروز مزیت‌های نسبی) فراهم شود. اگر چه وجود بلوکهای اقتصادی منطقه‌ای یا به عبارت دیگر منطقه‌گرایی خود تهدیدی علیه تجارت آزاد جهانی است.

لیکن کشورهایی که قصد دارند در تجارت جهانی سوم خود را افزایش دهند، در جهت کاهش موانع تجاری گام برمی‌دارند. بر مبنای اصول پذیرفته شده در سازمان جهانی تجارت، موانع غیر تعرفه‌ای در تجارت می‌بایست به تدریج لغو گردد. این سازمان بر کاهش تدریجی تعرفه‌های تجاری بر اساس اصول و ضوابط پذیرفته شده از سوی اعضا تأکید دارد، تا تجارت جهانی را به سوی آزادسازی بیشتر هدایت کند. توجه به اقتصاد جهانی و حرکت در این جهت برای بهره‌گیری از مزایای تجارت آزاد به نفع اقتصاد ملی، از ضروریات اقتصاد ایران می‌باشد، لیکن در سالهای اخیر حرکت آزادسازی تجاری گذشته و اقدامات بعدی در زمینه آزادسازیهای تدریجی نتوانسته است هنوز تأثیر بسزایی در رونق تجارت خارجی به ویژه صادرات غیر نفتی بگذارد.

۴-۱- آزادسازی تجارت پس از جنگ تحمیلی

دوران جنگ تحمیلی برای اقتصاد ایران دورانی توأم با فشار و محدودیت بود. از آنجا که مسئولان نظام تلاش داشتند امور زندگی اقتصادی - اجتماعی کشور را با اولویت تأمین نیازهای دفاع مقدس، بدون کمک خارجی به پیش ببرند، در این دوران تجارت خارجی با محدودیتهای خاص رو به رو بود، این محدودیتها با توجه به ضرورت تأمین نیازمندیهای ویژه دفاع مقدس برای همگان قابل قبول بود. اما پس از جنگ تحمیلی تقاضاهای انباشته میدان تازه‌ای برای رشد و نمو می‌طلبید از سوی دیگر نیازمندیهای مختلف برای بازسازی و تجدید حیات اقتصادی، ضرورت اتخاذ سیاست تجارت باز را گوشزد می‌نمود.

با شروع اجرای نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به تدریج کشور به سوی تجارت خارجی (واردات) گشوده شد و همزمان با آن، تاکید بر رونق صادرات به ویژه اقلام غیرنفتی برای کسب درآمد ارزی جهت پاسخگویی به نیازهای وارداتی در نظر بود.

سیاست آزادسازی تجارت خارجی در مقوله واردات شتاب بیشتری داشت و در مقوله صادرات غیرنفتی نیز تحرک چشم‌گیری به وجود آورد. هر چند که ماحصل این اقدامات بروز کسریهای تجاری به ویژه در سالهای ۷۲-۷۰ بود. ارزش صادرات غیرنفتی ایران از حدود یک میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ افزایش یافت، اگر چه در سالهای ۱۳۷۴ و ۱۳۷۵ به ۳/۲ و ۳/۵ میلیارد دلار محدود شد.

رشد صادرات غیرنفتی در سالهای اجرای نخستین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به زعم دست‌اندرکاران تجارت خارجی از کاهش موانع تجاری ناشی شده است. این موانع علاوه بر محدودیتهای اداری و طولانی بودن دیوان‌سالاری، به موانع قانونی نیز برمی‌گردد که لغو یا کاهش آنها تأثیر به سزایی در رونق صادرات غیرنفتی داشت.

صادرکنندگان کالا در دوران جنگ تحمیلی به سپردن پیمان ارزی به نظام بانکی مجبور بودند. اما در این دوره پیمان‌سپاری لغو شد. آثار لغو پیمان ارزی از دو جنبه قابل بررسی است:

۱- از جنبه رونق صادرات

۲- از جنبه اغتشاش بازار داخلی ارز

با لغو پیمان ارزی، صادرکنندگان مجاز شدند که هر میزان کالای غیرنفتی که می‌خواهند صادر کنند و از کشور خارج نمایند و درآمد ارزی ناشی از آن را به هر نحو که بخواهند مصرف نمایند.

این روند ارزش صادرات کالاهای کشاورزی در سال ۱۳۷۳ به حداکثر ۹۸۵/۳ میلیون دلار، صادرات کالاهای صنعتی به حدود ۱/۲ میلیارد دلار و صادرات فرش

دستباف به ۱/۶۷ میلیارد دلار افزایش یافت که در تاریخ صدور کالاهای غیرنفتی ایران بی سابقه بود. سیاست آزادسازی تجارت خارجی در مقوله واردات از شتاب و حدت بیشتر و در مقوله صادرات از رشد قابل توجه برخوردار بوده، هر چند که به بروز کسریهایی در تراز تجارت خارجی انجامید.

از آنجائیکه صادرکنندگان ملزم به فروش ارز سیستم بانکی نبودند و از آنجا که در همین دوران (تا سال ۱۳۷۳) نظام چند نرخي ارز در بازار وجود داشت، صادرکنندگان ترجیح می دادند که ارز حاصله را به نرخ آزاد در بازار غیررسمی بفروشند و منابع ریالی بیشتری کسب کنند. این منابع جدید امکان خریداری بیشتر تولیدات داخلی و عرضه آن در بازارهای خارجی را فراهم می ساخت.

تلاش دولت در جهت کاهش تعدد نرخ ارز از ۱۷ نرخ به ۳ نرخ و سپس به سیستم یک نرخي، اگر چه دلایل گوناگون در عمل با توفیق رو به رو نشد، اما رشد صادرات غیرنفتی را به دنبال داشت. صرف نظر از علل ناکامی در اجرای نظام تک نرخي ارز، باید گفت: آزادی عمل صادرکنندگان در واردات کالا، معاملات خارج از مرز و ... سبب شد که انگیزه بیشتری برای رونق تجارت خارجی (صادرات غیرنفتی) پیدا شود. اما نداشتن برنامه صحیح برای هدایت واردات، درآمد ناشی از صادرات را به ورود کالاهای غیرضروری سوق داد.

با این وجود رونق صادرات غیرنفتی کمک چندانی به تأمین ارز مورد نیاز واردات کالاهای ضروری نداشت که علت آن را در بی برنامه گی واردات می توان جستجو کرد. با وجود عطش مصرف کنندگان برای افزایش واردات کالاهای مصرفی در شرایطی که سرمایه گذاریهای اقتصادی برنامه اول نیز هنوز به دوره ثمردهی نرسیده بود، اغلب صادرکنندگان درآمد حاصله خود را در اختیار واردکنندگان کالاهای مصرفی (با نرخ آزاد) می گذارند. اگر چه واردات کالاهای لوکس مصرفی نیز در این دوران افزایش داشت اما نمی توان از نظر دور داشت که بخشی از درآمد صادرات غیرنفتی به واردات کالاهای

اساسی نظیر مرغ، پنیر، روغن نباتی، چای، شکر و ... نیز اختصاص یافت. ورود این اقلام در تعدیل بهای آنها در بازار تأثیر به سزائی داشت به ویژه آن که، رشد جمعیت، فشار تقاضا برای مواد غذایی نیز روز به روز افزایش داشت.

در این شرایط طرح واردات بدون انتقال ارز که به منظور تأمین نیازمندیهای اساسی و کالاهای ضروری مصرفی به اجرا درآمده، تقاضا برای ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را افزایش می داد و این امر اگر چه تعادل بازار ارز را با سیر صعودی نرخ ارز بر هم می زد، لیکن تشویق صادرات غیرنفتی را نیز به دنبال داشت.

در این حال با توجه به قیمتهای داخلی از سوی صادرکنندگان کمتر بود و در مقابل، آنها به نرخ ارز و مجموعه برگشتی یا سود عایدی از صادرات و واردات توجه داشتند. به عقیده یک کارشناس تجارت خارجی اگر در این شرایط، مقررات واردات بدون انتقال ارز به اجرا در نمی آمد، رشد صادرات غیرنفتی و نیز نرخ ارز در بازار منطقی تر می شد و سیاست یکسان سازی نرخ ارز با چنان واکنش سریع مخالفان رو به رو نمی گردید.

محدودیت تجارت به ویژه در زمینه صادرات که در اوایل سال ۱۳۷۴ با تصمیم ستاد تنظیم بازار ارز به سپردن پیمان ارزی برای صادرکنندگان منجر شد، واکنش سریع و منفی در صادرات غیرنفتی به جا نهاد.

در نتیجه این امر در ارقام صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۴ به وضوح مشاهده می شود. ارزش صادرات کالاهای کشاورزی از ۹۸۵/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۷۳ یکباره به ۷۷۲/۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۴، صادرات فرش از ۱/۶۷ میلیارد دلار به ۹۱۹/۵ میلیون دلار، صادرات ارقام صنعتی از ۱/۲ به ۱/۰۶ میلیارد دلار و صادرات دیگر ارقام (به غیر از کالاهای معدنی) از ۵۷۷/۵ به ۴۲۰/۶ میلیون دلار نزول یافت. در نتیجه مجموع ارزش صادرات غیرنفتی از ۴/۸ میلیارد دلار به ۳/۲ میلیارد دلار افت کرد.

با وجود اعتراض بعضی از صادرکنندگان به ویژه صادرکنندگان فرش در تعیین قیمت کالاهای صادراتی و مهلت بازگشت ارز، در سال ۱۳۷۵ شاهد برخی گشایش ها

بودیم، اما پیمان ارزی هم چنان باقی ماند. با وجود تخفیفهای که در ارقام قیمت گذاری و پیمان و نیز افزایش مهلت بازگشت ارز داده شد، ارزش صادرات غیرنفتی نتوانست از مرز ۳/۵ میلیارد دلار فراتر رود.

کارشناسان معتقدند که در تنظیم سیاست بازرگانی خارجی در شرایط کنونی اقتصاد ایران هر اقدامی که به کاهش و رکود صادرات غیرنفتی منجر شود، به صلاح نمی باشد، بلکه محدودیتها و برنامه ریزیها می بایست در جهت واردات سوق پیدا کند تا نیازمندیهای اساسی برای توسعه صنعت و رشد تولید ناخالص داخلی فراهم آید.

این کارشناسان بر این باور هستند که پیمان ارزی و تعیین قیمت برای کالاهای صادراتی نمی تواند راهگشای اقتصاد باشد، بلکه ضرورت دارد شرایط و فضای مساعد برای رشد صادرات همچنان فراهم باشد و آنچه باید زیر نظر و نظارت قرار گیرد، "واردات" است. آنها معتقدند که موانع واردات بیشتر باید از جنبه تعرفه ها هدایت شود و ممنوعیت واردات برخی اقلام که با نیازمندیهای رشد و توسعه اقتصادی مغایرت دارد برای یک دوره میان مدت (حداقل ۵ سال) باید اعمال گردد.

این کارشناسان ضمن رد ضرورت پیمان سپاری می گویند از دست دادن بازار کالاهای صادراتی در دنیای پرقابیت امروز به معنای صرف هزینه های سنگین بازاریابی در آینده است. لذا از اقداماتی که صادرات را تهدید کند، باید به شدت اعتراض کرد. آنها با اشاره به سیاهه کالاهای مجاز وارداتی در برابر صدور فرش، می گویند: اعطای بهره مندی از ۱۰۰ درصد درآمد صادرات فرش برای صادرکنندگان و جهت دهی به واردات از این محل از طریق سیاهه اعلام شده، به نفع اقتصاد ملی است، البته در شرایطی که قیمت گذاری فرشهای صادراتی آنچنان با دقت و مطابق با واقعیت بازار باشد که صادرکنندگان را تشویق به قاچاق صادرات فرش نکند.

این کارشناسان معتقدند که بهره مندی تجار از تمام ارز حاصل از صادراتشان برای واردات کالا به ویژه در بخش صنعت برای تحرک بخشیدن و خوداتکایی این بخش

ضرورت دارد. با توجه به اینکه رونق صادرات محصولات صنعتی از اهمیت و جایگاه والایی در مجموعه صادرات غیرنفتی برخوردار است، لذا در بخش صنعت، اخذ پیمان ارزی در شرایطی که صاحبان صنایع از تمام ارز حاصل از صادراتشان بهره‌مند نمی‌باشند، عاملی محدودکننده برای رشد صادرات این بخش می‌باشد. در شرایطی که بخش صنعت به سمت خوداتکایی بیشتر در حرکت در بازارهای خارجی برای فروش بیشتر پیش می‌رود، کاهش موانع صادراتی این بخش حرکت اصولی و سازنده‌ای خواهد بود.

آنچه مسلم است، برقراری پیمان ارزی تاکنون به صادرات غیرنفتی کمک در خور توجهی نداشته است. از آنجائیکه مشکل اشتغال جوانان با رونق صادرات غیرنفتی قابل رفع می‌باشد، کمک به رشد صادرات این اقلام به ویژه از نوع محصولات صنعتی، گامی اساسی در حل بحران اجتماعی بی‌کاری است و دولت می‌بایست بدان توجه نشان دهد.

۴-۲- علل مخالفت صادرکنندگان با پیمان نامه ارزی

مخالفت برخی صادرکنندگان با "اصل پیمان‌سپاری" نیست، بلکه علت واقعی مخالفت آنها از آنجا ناشی می‌شود که مجبور هستند ارز حاصل از صادرات خود را به قیمتی که واقعی نیست به سیستم بانکی بازگردانند اگر نرخ ارز به طور واقعی تعیین می‌شد، برای بازگرداندن آن به سیستم بانکی هیچگونه مخالفتی وجود نداشت. از سوی دیگر، برخی صادرکنندگان به ارز حاصل از صادراتشان، برای واردات مواد اولیه کالاهای صادراتی خود، نیاز دارند.

آنها مجبور هستند ارز حاصل از صادرات خود را با نرخ صادراتی در اختیار سیستم بانکی بگذارند و برای استفاده از بخشی از آن برای واردات اقلام موردنیازشان، مراحل اداری (بوروکراسی) بانکی را تحمل کنند. این امر سبب شده که این‌گونه صادرکنندگان با موضوع "پیمان‌سپاری" مخالفت کنند.

البته شرایط کنونی اقتصاد کشور به گونه‌ای است که خروج سرمایه در آن وجود دارد

و در ضمن نرخ ارز صادراتی در سیستم بانکی ارزان تر از نرخ واقعی است و نرخ سود بانکی پایین تر از میزان تورم می باشد.

در چنین شرایطی که امنیت سرمایه نیز به طور کامل برقرار نمی باشد، سرمایه ها تمایل به خروج از اقتصاد ملی دارند. این در حالی است که دولت به منظور بازگرداندن بخشی از ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به اقتصاد کشور مجبور شده است پیمان ارزی از صادرکنندگان بگیرد و صادرکننده نیز با دادن بخشی از ارز حاصل از صادرات خود به سیستم بانکی مخالفت می ورزد.

علت واقعی مخالفت صادرکنندگان با سپردن پیمان ارزی آن است که آنها مجبور هستند ارز حاصل از صادراتشان را به نرخ غیر واقعی به سیستم بانکی بفروشند.

۴-۱- لغو و برقراری پیمان نامه ارزی

در جریان آزادسازی تجارت خارجی در سالهای نخست اجرای برنامه اول، سپردن پیمان ارزی برای صادرکنندگان لغو شد. متعاقب آن ارزش صادرات غیرنفتی سال به سال روند صعودی داشت و از حدود یک میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ رسید و تقریباً پنج برابر شد.

این روند امیدوارکننده با تحولات ناخوشایندی که در بازار غیرمجاز رخ داد متوقف گردید. در اوایل سال ۱۳۷۴ نرخ ارز در بازار غیرمجاز سیر صعودی پیدا کرد و در اردیبهشت ۱۳۷۴ به بیش از هر دلار ۷۰۰۰ ریال رسید، ستاد تنظیم بازار ارز به منظور جلوگیری از افزایش بی رویه ارزش ارزهای معتبر در مقابل ریال و سقوط پی در پی ارزش ریال، سیاستهای جدیدی اتخاذ کرد که به کلی با سیاست آزادسازی تجاری، مغایرت داشت.

در جریان اتخاذ سیاستهای جدید، مکانیزم بازار (عرضه و تقاضا) رها شد و سیاست مهار نرخ ارز و به عبارت دیگر بازگشت به نظام چند نرخ ارز با محدودیتهای

نقل و انتقالات پولی اعمال گردید. در این رهگذر صادرکنندگان نیز اشاره داشتند که اگر چه با کاهش ارزش ریال در مقابل ارزهای معتبر، قدرت رقابت تولیدات ایرانی در بازارهای خارجی تقویت می شود، لیکن افزایش مستمر نرخ ارز نیز نمی تواند برنامه ریزی دقیق امر صادرات را میسر سازد.

آنها به نرخ شناور هدایت شده ارز (در یک محدوده نوسانی) معتقد بودند. تصمیم ستاد تنظیم بازار مبنی بر اخذ پیمان ارزی از صادرکنندگان کالا در راستای سیاستهای جدید تنظیم بازار به صادرات غیرنفتی شوک وارد کرد که ماحصل این امر را در کاهش سریع ارزش صادرات غیرنفتی از ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ به ۳/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۴ و تقریباً همین میزان در سال ۱۳۷۵ می توان مشاهده کرد.

۴-۴- مزایا و معایب پیمان سپاری ارزی

سازمان برنامه و بودجه در گزارش اقتصادی سال ۱۳۷۴ در فصل ششم، بخش بازرگانی و تعاون آورده است که صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۴ معادل ۳۲۲۷/۴ میلیون دلار بوده که سهم کالای کشاورزی، صنعتی، فرش و کالاهای معدنی به ترتیب ۲۳/۹، ۳۲/۹، ۲۸/۵، ۱/۶ درصد و سهم سایر کالاها ۱۳ درصد می باشد.

ارزش دلاری صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۴ نسبت به سال ۱۳۷۳ معادل ۲۷/۵ درصد کاهش نشان می دهد. این کاهش بجز صادرات کالاهای معدنی شامل سایر اقلام صادراتی می باشد. در سال ۱۳۷۳ صادرات فرش بیشترین سهم (۳۷/۶ درصد) در مجموع صادرات غیرنفتی داشته است. در حالی که در سال ۱۳۷۴ بیشترین سهم صادرات، به صادرات کالاهای صنعتی اختصاص داشته است.

سازمان برنامه و بودجه در گزارشی اعلام می دارد که با توجه به عدم الزام صادرکننده به واریز مبلغ ارزی به سیستم بانکی هیچ گونه کنترلی نسبت به مصرف امور مربوطه وجود نداشت. اطلاعات موجود نشان می دهد از ۴۸۳۱ میلیون دلار ارزش

صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۴ قسمت عمده ارز حاصل از صادرات غیرنفتی با نظارت دولت به مصرف رسید.

در این گزارش آمده است که: در مورد صادرات کالاهای غیرنفتی باید توجه داشت که اگر چه به طور ظاهری میزان ارز حاصل شده در سال ۱۳۷۴ نسبت به سال ۱۳۷۳ کاهش دارد، اما نگاهی دقیق تر نشان می دهد که در سالهای گذشته صادرات غیرنفتی به عارضه "زیادنمایی" مبتلا بوده است.

به عبارت دیگر نظر به اینکه الزامی برای بازگردانیدن ارز حاصل از صادرات وجود نداشت و همچنین صادرکننده می توانست با اتکای به مبلغ مذکور در پیمان نامه ارزی کالاهای مورد نظر خود را وارد نماید، معمولاً ارقام مندرج در پیمان نامه ارزی با ارقام واقعی، فاصله نسبتاً زیادی داشت که این فاصله تا حدود ۳۰ درصد برآورد شده است. و با توجه به اینکه صادرکننده ملزم به واریز مبلغ ارزی به سیستم بانکی نبود، هیچ گونه کنترلی نسبت به مصرف امور مربوطه وجود نداشت، که این امر موجب پرشدن بازار از کالاهای مصرفی و لوکس خارجی شده بود، بدون آنکه اثری در تسریع روند سرمایه گذاری و گسترش تولید در کشور داشته باشد.

با توجه به گزارش سازمان برنامه و بودجه باید گفت که به هیچ یک از آمارهای صادرات غیرنفتی پیش از سپردن پیمان ارزی (سال ۷۴) نباید اعتماد داشت، در حالی که به آمارهای بعد نیز نباید اعتماد داشت، زیرا سپردن پیمان ارزی (به ویژه آن که در مورد برخی کالاها قیمت گذاری بیش از قیمت های واقعی در بازارهای خارجی بوده است) سبب شد که قاچاق کالا بار دیگر رونق پیدا کند، شواهدی که در دسترس می باشد (حمل فروش با پیمان نامه ارزی بسیار کمتر از میزان واقعی در گمرک فرودگاه مهرآباد)، آمار و ارقام صادرات غیرنفتی در سالهای ۷۴ و ۷۵ را نیز زیر سوال می برد، در حالیکه با لغو پیمان سپاری ارزی، انگیزه برای صدور کالا به صورت قاچاق از بین رفته بود. مشکل اساسی در سپردن پیمان ارزی، غیر واقعی بودن سیستم قیمت گذاری محصولات ارزی، محدودیت

دوره برگرداندن ارز و خرید ارز از سوی سیستم بانکی با نرخ ارز صادراتی که کمتر از نرخ بازار غیرمجاز بوده می‌باشد. با وجود تورم در اقتصاد ایران، ثبات نرخ ارز شناور در سالهای ۷۴ و ۷۵ خود تهدیدی علیه صادرات غیرنفتی بوده است.

در سال ۱۳۷۴، شاخص بهای کالاهای مصرفی تا ۴۹ درصد که در ابتدای سال ۷۴ برای مثال ۱۰۰ ریال قیمت داشتند، در پایان سال ۷۵ قیمت متوسط آن به بیش از ۱۸۰ ریال رسیده است. به همین ترتیب توان رقابت کالا در بازارهای خارجی کاهش یافته است. تثبیت نرخ ارز صادراتی، در شرایطی که اقتصاد جهانی حدود ۴ درصد تورم را پشت سر نهاده، قابلیت رقابت تولیدات را محدودتر نموده یکی از عوامل کاهش ارزش صادرات غیرنفتی بوده است از سوی دیگر صادرکننده که پیمان ارزی به بانک سپرده است ملزم می‌باشد که آن را بازپرداخت نماید و از آنجا که کالاها توان رقابت خود را (به دلیل افزایش قیمت‌های داخلی) از دست می‌داده‌اند، صادرکننده را با مشکل روبه‌رو کرده‌اند.

از سوی دیگر در کشورهای پیشرفته، صادرات از تشویق‌های ویژه‌ای برخوردار هستند و بهای کالاهای صادراتی معمولاً از نرخ کالاهای مشابه در بازارهای داخلی ارزان‌تر می‌باشند در حالیکه با تعیین قیمت محصولات صادراتی در حدی بالاتر از قیمت‌های واقعی در بازارهای خارجی عملاً قدرت مانور صادرکننده را تحلیل برده است. اما یک واقعیت در پیمان‌سپاری هست و آن نظارت بانک مرکزی بر نحوه هزینه‌شدن ارز حاصل از صادرات می‌باشد. با وجود معایبی که سپردن پیمان ارزی برای صادرات داشت، این امر از مزایای سپردن پیمان‌نامه ارزی است، اما آیا راه‌های دیگری برای هدایت ارز حاصل از صادرات به اقتصاد ملی وجود دارد؟

مسلماً اگر تجارت خارجی (صادرات کالاهای غیرنفتی) نفع قابل توجهی را برای صادرکننده داشته باشد، استمرار فعالیت او را موجب خواهد شد و همین امر نیز در بازگشت ارز به اقتصاد ملی می‌انجامد. آنچه مسلم است، ارز حاصل از صادرات، پیش از برقراری مجدد پیمان ارزی نیز به اقتصاد کشور وارد می‌شد، اما از آنجا که نظام ارزی با

اختلافاتی رو به رو بوده و تفاوت فاحشی میان نرخ ارز در بازار غیر رسمی و سیستم بانکی وجود داشته، این ارز راهی بازار شده و از هدایت بانک مرکزی خارج می شده است آیا چاره اخذ پیمان است، یا اصلاح نظام ارزی؟ از سوی دیگر، سیاست هدایت دولت به صرف منابع ارزی این گونه قابل اعمال است، یا راههای دیگری وجود دارد؟

آنچه مسلم است عمده ترین متقاضیان ارز، واحدهای تولیدی - صنعتی می باشند، نه سوداگران. چنانچه دولت یارانه صادرات را ملحوظ بدارد و ارز حاصل از صادرات را با نرخ واقعی خریداری کند آیا صادرکننده که اعتماد ویژه ای به نظام بانکی و خدمات آن دارد، حاضر می شود ارز حاصل از صادرات را به سوداگران بفروشد؟ اگر نظام بانکی از کارایی لازم در ارائه خدمات به صادرکنندگان برخوردار باشد آیا نقل و انتقالات ارز نمی تواند از طریق بانکهای ایرانی و شعب آنها در خارج و تحت هدایت دولت انجام پذیرد. نظام نرخ ارز یکسان مزایای دارد که می تواند پوشش لازم برای لغو پیمان ارزی که مانع توسعه صادرات است را از سر راه بردارد و صادرکنندگان را به فعالیت گسترده تر در بازارهای خارجی تشویق کند ماحصل چنین امری به نفع اقتصاد ملی است. دولت با برخورداری از درآمد حاصل از صدور نفت می تواند هدایت کار را در دست بگیرد.

در سالهای گذشته موضوع استفاده از تمام ارز حاصل از صادرات فرش برای واردات کالاهای مشخص پذیرفته شد. این اقدام بخشی از مشکلات صادرکنندگان فرش را از سر راه برداشت، اما صادرکنندگان دیگر کالاهای هنوز از چنین مزیتی برخوردار نیستند. رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در یک مصاحبه مطبوعاتی علت این امر را ارزبری محصولات صنعتی ذکر کرده است در حالیکه اگر صادرکنندگان محصولات صنعتی بتوانند ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات خود برای واردات اقلام مورد نیازشان بهره مند شوند، این امر از بار تعهدات ارزی دولت در زمینه تخصیص ارز به صنعت خواهد کاست و لذا به نفع صنعت و صادرات غیرنفتی (به ویژه صدور کالاهای صنعتی که از اهمیت و جایگاه ویژه ای در صادرات برخوردار می باشد) است. لذا محدودیت استفاده از

ارز مذکور قابل توجه نمی باشد و صنعت را از خوداتکایی دور می سازد. با وجود آنکه مسئولان و سیاستگذاران اقتصاد کشور بر حفظ نرخ ارز صادراتی در سطح کنونی اصرار دارند، لغو پیمان سپاری ارزی یا استفاده از تمام ارز حاصل از صادرات غیرنفتی برای صادرکننده، می تواند گشایشی در امر صادرات ایجاد کند. سیاست اصلاح ساختار اقتصادی، جوانب مختلفی دارد که در صورت توجه به تمام جوانب می تواند کارساز باشد.

لذا توسعه و رشد اقتصادی پایدار مفید واقع شود. اصلاح نظام ارزی و آزادسازی تجاری بخشهایی از این سیاست هستند که به فراموشی سپرده شده اند و لذا ضرورت دارد که بازنگری دقیقی در این زمینه صورت پذیرد. با عنایت به این مهم که رشد صادرات غیرنفتی و جداسدن از درآمد حاصل از صدور نفت، یگانه راه نجات اقتصاد ملی است، هموار ساختن مسیر صادرات عمده ترین وظیفه دولت تلقی می شود.



بخش پنجم:

تاریخچه صادرات ایران و اهمیت آن

و تاریخچه صنعت کفش در ایران

- ۱-۵- اهمیت صادرات
- ۱-۱-۵- جنبه‌های اهمیت صادرات غیرنفتی
- ۲-۱-۵- اهمیت صادرات غیرنفتی برای ایران
- ۳-۱-۵- گونه‌های صادرات غیرنفتی ایران
- ۲-۵- پیشینه بازرگانی و صادرات در ایران
- الف - صادرات ایران پس از انقلاب مشروطیت تا پیش از جنگ جهانی دوم
- ب - صادرات ایران پس از جنگ جهانی دوم تا دهه ۴۰ شمسی
- پ - صادرات ایران از آغاز دهه چهارم تا قبل از انقلاب اسلامی
- ت - صادرات ایران پس از انقلاب اسلامی تا سال ۶۷
- ث - صادرات ایران از سال ۶۸ به بعد
- ۱-۲-۵- توزیع جغرافیایی صادرات غیرنفتی ایران
- ۳-۵- تاریخچه صنعت کفش
- ۴-۵- تاریخچه صنعت کفش در ایران
- ۱-۴-۵- تاریخچه گروه صنعتی کفش ملی
- ۲-۴-۵- تاریخچه گروه صنعتی فخرالاسلام (کفش بلا)

۵-۴-۳- تاریخچه صنعت کفش پیروزی

۵-۴-۴- تاریخچه شرکت تولید کفش سه ستاره



۵-۱- اهمیت صادرات

برخی واژه‌ها، در دنیای جدید بیانگر مفاهیمی بیش از معنای ظاهری خود هستند. یکی از این واژه‌ها، واژه بازرگانی است. ما بازرگانی را به عنوان "داد و ستد و مراوده کالائی بین افراد یا کشورها" می‌شناسیم. اما این تعریف ژرفای آنچه را که در بازرگانی نهفته است بیان نمی‌کند. گرچه برابر دانستن بازرگانی یا قدرت، برتری سیاسی و توسعه یافتگی چندان آشنا و معمول نباشد ولی یکی پنداشتن آنها به طور یقین آنقدر هم دور از واقع نیست. اگر به رویدادها و روابط درگیتی بنگریم آنگاه خواهیم دید بازرگانی علاوه بر تعریف بالا، چه مفاهیمی و تعبیر دیگری در ورای کلمه نوشتاری خود پنهان دارد. قدرت بازرگانی یک کشور مزایای متعدد دیگری، در پی دارد. بازرگانی قدرتمند، به سان زرادخانه‌ای از سلاح‌های مختلف برای اعمال فشار علیه کشورهای ناموفق است.

آمار و ارقام بازرگانی جهانی بیانگر این مطلب می‌باشد که دست کم از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۳ میلادی، ۲۲ کشور صنعتی جهان، جز سالهای ۷۹ تا ۸۴^(۱). همواره بیش از ۷۰ درصد صادرات جهان را در اختیار خود داشته‌اند^(۲). این کشورها، با ثبات‌ترین، توسعه یافته‌ترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان را تشکیل داده که عوامل اقتصادی، اجتماعی متعادل و رو به رشدی را دارند. منظور نگارنده این نیست که این کشورها تنها به یاری بازرگانی و صادرات قوی خود به این جا رسیده‌اند ولی دست کم برای تداوم این وضعیت، بازرگانی نقشی یگانه و تعیین‌کننده دارد.

۱- در این سالها نیز درصد صادرات متعلق به این کشورها بیش از ۶۰ درصد بوده است.

نیمه دوم صد ساله جاری میلادی، بویژه دو دهه پایانی آن شاهد تحولاتی شگرف در پهنه گیتی بوده که خود باعث شده‌اند مسائل جدیدی فرا راه جهانیان گذارده شود. این تحولات، ضرورت‌ها، تمایلات و اولویتهای تازه‌ای را موجب گردیده، ارتباطات بین کشورها را رنگ و مفهومی نوبخشیده‌اند.

از پی آمدهای این تحولات می‌توان به بلوک‌بندیهای تازه‌ای اشاره داشت که پی در پی در نقاط مختلف گیتی در حال شکل‌گیری بوده و یا مستحکم‌تر شده و ماهیت اقتصادی برمی‌گزینند در حالیکه اکثر پیمان‌ها و اتحادیه‌ها در گذشته ماهیتی نظامی و دفاعی داشته‌اند^(۱). پایان جنگ سرد و رخت برستن جو تهدیدات نظامی، توجه جهانیان را به امر اقتصاد و بازرگانی معطوف داشته تا آنجا که حتی برخوردهای نظامی نیز اساس و پایه اقتصادی پیدا کرده‌اند^(۲).

این واقعیت بیانگر فزونی نقش و اهمیت بازرگانی در معادلات و نظام گیتی است به گونه‌ای که امروز شاهد تأثیر شگرف آن بر سیاستگذاریها و روابط بین کشورها هستیم^(۳). در پس همه این درگیریهای پیدا و نهان، افزایش صادرات کالاها و خدمات از کشورها نهفته است. این امر بویژه در مورد کشورهای صنعتی صادق است که دارای تولید مازاد، دانش فنی بالا و سرمایه‌گذاریهای کلان در این راه هستند.

۵-۱-۱- جنبه‌های اهمیت صادرات غیرنفتی

تعریف صادرات:

صادرات شامل صدور قطعی کلیه کالاهاییست که در داخل کشور تولید شده و یا به

۱- پیمانهای نظامی ناتو، روس، سیتو، سنتو و پیمانهای اقتصادی نفتا، آسیا پاسیفیک، گسترش و تقویت اکو - بازار مشترک اروپا و

۲- جنگ خلیج فارس بین آمریکا و متحدین غربی با عراق.

۳- درگیریهای امریکا با ژاپن، فرانسه و چین که ماهیت اقتصادی داشته و یا در تعهدات از اهرمهای اقتصادی استفاده شده است.

صورت مواد اولیه و یا کالاهای نیمه ساخته و یا قطعات جداگانه وارد کشور و پس از تغییر شکل به طور قطعی صادر شده باشد.

صادرات را می توان از جنبه های مختلفی نگریست که هر کدام دارای اهمیت خاص و موقعیت ویژه است. به عبارتی می توان اهمیت صادرات را در جنبه های زیر بررسی گردد:

الف - اقتصادی - اجتماعی ج - علمی و فنی

ب - سیاسی د - فرهنگی

الف - اهمیت اقتصادی - اجتماعی صادرات

۱- اشتغال؛ یکی از آفت های اجتماعی، بویژه در کشورهای جهان سوم بیکاری و مشاغل کاذب است در حالیکه این کشورها دارای ظرفیتهای خالی بیشمار برای فعالیت های اقتصادی اند. در صورت افزایش توان صادراتی و رونق اقتصادی یک کشور، این ظرفیتهای خالی پر شده نرخ بیکاری تا حد ممکن پایین می آید. این امر علاوه بر مزایای اقتصادی باعث حل مشکلات اجتماعی بوجود آمده در اثر بیکاری نیز می گردد.

۲- تأمین ارز و کالا؛ بوسیله افزایش صادرات کالاها و خدمات ذخیره ارزی کشور فزونی می یابد و از این طریق می توان اقدام به سرمایه گذاریهای جدید نموده و یا کالاهائی را که در کشور تولید نگردیده و یا تولید آنها به صرفه نیست از خارج وارد نمود.

۳- افزایش رشد اقتصادی و سطح عمومی زندگی؛ وجود یک صادرات موفق، رونق اقتصادی، افزایش درآمد سرانه و درآمد ملی و سرانجام بهبود سطح زندگی عمومی را برای مردم به ارمغان می آورد.

۴- صادرات موفق و تولید انبوه باعث کاهش قیمت محصولات تولیدی به نفع مصرف کنندگان می گردد.

ب - اهمیت سیاسی صادرات

امروزه صادرات کالاها و خدمات از جمله ابزارهای تعیین کننده در چانه زنیهای

سیاسی در جهان به شمار می‌رود. به همین دلیل هنگامیکه دولت‌ها قصد تحمیل خواسته‌های خود به دیگر کشورها را داشته باشند در صورت در دست داشتن چنین ابزاری از آن سود می‌برند. در موارد متعددی، شاهد تحریم اقتصادی یک کشور و ممنوعیتهای صدور کالا به آن بوده‌ایم از جمله تحریمهای نفتی اعراب علیه غرب، تحریم چندین ساله کوبا توسط آمریکا و تحریم‌هایی که علیه ایران اعمال می‌شود و یا تحریم صدور برخی تکنولوژیها به چین از طرف آمریکا.

پ - اهمیت علمی و فنی

همانطور که اشاره شد، صادرات موفق قادر به تحصیل منابع مالی قابل توجه برای شرکتهاست. وجود این منافع مالی به شرکت این توان را می‌بخشد که بخش‌های تحقیقاتی خود را مورد حمایت بیشتری قرار داده و خلاقیت، نوآوری و بهبود کیفیت را برای کالاهای خود سرلوحه کار قرار دهد به ویژه آنکه صادرات در دنیائی پر از رقابت صورت می‌پذیرد و نوآوری و کیفیت برتر از عوامل تعیین‌کننده به حساب می‌آیند. از طرفی حضور و برخورد با دنیای خارجی باعث مراوده اطلاعاتی شده که خود موجب افزایش دانش و اطلاعات فنی می‌شود.

ت - اهمیت فرهنگی صادرات

یکی از مهمترین وسایل تبلیغاتی و هجوم فرهنگی به دیگر نقاط جهان، صدور کالا به آن سوی مرزهاست. با صادرات برنامه‌ریزی شده می‌توان الگوی مصرفی، فرهنگی و حتی باورهای جوامع مورد نظر را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار داد. کالای صادراتی، نوع بسته‌بندی، اسامی کالاها و تصاویر روی بسته‌بندیها می‌تواند باعث انتقال فرهنگ دلخواه کشور صادرکننده به کشور مقصد باشد.

۵-۱-۲- اهمیت صادرات غیرنفتی برای ایران

با توجه به موارد بالا در حال حاضر توسعه صادرات برای ایران از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است. ضمن آن که ایران از توانائیهای بالقوه فراوانی برای صادرات کالا و خدمات برخوردار بوده، مزیت‌های نسبی مطمئنی را دارا می‌باشد. از اواخر دهه ۵۰ به بعد، همواره با کمبود ارز مواجه بوده‌ایم که این کمبود تأثیر بسیار نامطلوبی بر کل اقتصاد ما وارد کرده است.

تقاضاهای زیاد برای پول خارجی در یک اقتصاد از جنگ به در آمده و آماده بازسازی و توسعه باعث افزایش شدید نرخ برابری پولهای خارجی در برابر پول ملی گردیده که بویژه نوسانات این نرخ برابری تأثیر بدی بر جای گذاشته است. در اهمیت جنبه اقتصادی صادرات غیرنفتی ایران می‌توان مسئله قیمت‌ها، دانش فنی، اشتغال و را برشمرد. به علاوه درآمد ارزی حاصل از صادرات، به نوسانات نرخ ارز پایان داده باعث ثبات اقتصادی و به هدف رسیدن برنامه‌ها می‌گردد.

از نقطه نظر سیاسی و فرهنگی، به دلیل برخورد ایدئولوژیک شدید ایران با دنیای مادی‌گری، همواره تحت فشار تبلیغاتی و عملی قدرتهاییست که در طرف دیگر قرار دارند. توسعه صادرات ضمن اینکه قادر است حضور و قدرت ایران را در صحنه‌های خارجی به نمایش بگذارد می‌تواند نقطه اتکا و حمایتی باشد برای کشورهای دوست که از سیاستهای ایران دنباله‌روی می‌کنند و به همین دلیل مورد تهدید قدرت‌های مخالف قرار دارند. همچنین بدین وسیله می‌توان فرهنگ ایران - اسلامی را بهتر معرفی کرد.

از جنبه علمی و فنی، حضور صنعتگران، بازرگانان و کارشناسان ایرانی در فراسوی مرزها و دنیای رقابت، باعث تحرک فنی و علمی آنها شده از نزدیک به پیشرفت‌ها و دست‌آوردهای جدید آشنا شده، یاد می‌گیرند برای باقی ماندن در صحنه رقابت توجه ویژه به یافته‌های جدید علمی و دستیابی به دانش روز لازم است. بازاریابان ایرانی با شرکت در نمایشگاه‌ها و سمینارهای بازرگانی، شیوه‌های تازه حضور در بازار جهانی را فرا می‌گیرند.

برای کشورهای چون ایران دو گونه صادرات را می توان در نظر گرفت. اول، صادرات نفت و فرآورده های آن که به طور معمول بدون ارزش افزوده و به صورت خام از کشور مبدأ صادر و در واقع همچون سرمایه ای گرانبهاست که به رایگان به فروش می رسد. اقتصاد این کشورها بر پایه صدور این محصول بنا گردیده و بدان وابسته است. عیب اساسی آن علاوه بر ارزان فروشی سرمایه اینست که سیاستگزاری درباره آن در دست صادرکننده نبود، مسائل جهانی و بویژه تصمیمات خریداران که کشورهای صنعتی می باشند بسیار مؤثرتر از نظر و تصمیم صادرکنندگان است.

دوم، صادرات کالاهای غیرنفتی - در این بخش، ایندسته از کشورها بسیار ضعیف بوده و به دلیل در اختیار داشتن پول صادرات نفت بیشتر وارد کننده اند و گروهی از کشورها نیز که در پی انجام صادرات غیرنفتی اند جز در مواردی که کالاهای سنتی خویش را عرضه می کنند با توفیق همراه نبوده و مشکل دارند. ناگفته نماند برخی از کشورهای جهان سوم همچون کره، مالزی، سنگاپور و ... در سالهای گذشته به توفیقات اعجاب انگیزی در این زمینه دست یافته اند.

به طور کلی صادرات غیرنفتی ایران را در این گروهها می توان جای داد :

الف - کالاهای کشاورزی

ب - کالاهای صنعتی

ج - کالاهای سنتی^(۱)

د - مواد معدنی و مصالح ساختمانی

الف - کالاهای کشاورزی

محصولات و فراورده های کشاورزی از دیرباز در زمره اقلام صادراتی ایران قرار داشته و هرگاه سخن از صادرات غیرنفتی به میان می آمده، بزرگترین ارقام مربوط به این

۱- ایران. شرکت صادرات سازمان صنایع ملی ایران، اولین سمینار ضرورت صادرات غیرنفتی و راههای

توسعه آن، تهران، ۱۳۶۷-۶۸، ص ۵۸-۵۹.

کالاها بوده است. در حال حاضر نیز محصولات کشاورزی نقش بزرگی را در صادرات ما بازی می‌کنند. این در حالیست که در دهه ۵۰ خورشیدی و بویژه در اوایل آن، کشور را تب صنعتی شدن فراگرفته و در همین راستا صادرات صنعتی بسیار مورد توجه بوده و از رشد خوبی نیز برخوردار شدند. ساختمان، کاشی، سرامیک و از این دست می‌باشد.

۵-۲- پیشینه بازرگانی و صادرات در ایران

بازرگانی و صادرات در ایران زمین مقوله و سرفصلی جدید نیست. ایرانیان از دیرباز در کار بازرگانی سرگرم بوده و موقعیت مناسب جغرافیائی، اعتدال آب و هوائی، توان استفاده از آبهای آزاد، ظرفیتهای طبیعی و منابع خدادادی سرشار موجب شده تا مبادلات بازرگانی ما با دنیای خارج در همه زمانها پر رونق باشد.

شواهد تاریخی بیانگر این واقعیت است که ایران در گذشته نیز شاهراه ارتباطی میان آسیا، حوزه مدیترانه و کشورهای اطراف دریای سیاه بوده است. محمدعلی جمالزاده در این زمینه می‌نویسد؛ «اغلب رفت و آمدهای بازرگانی مردم باختر به آسیای مرکزی از راه ایران زمین بوده، چنانچه فنیقیها که نخستین مردم بازرگان در دوران خود بوده‌اند از راه خلیج فارس به آسیای مرکزی می‌رفته و از همان راه به صور و صیدا در لبنان مراجعه کرده‌اند.

گرچه در آن دوران ایران دارای صنایع و صنعتگران چشمگیری نبوده اما کالاهای صنعتی و سنگهای قیمتی آن همواره توجه بازرگانان را به طرف آن جلب می‌کرده تا آنجا که از اقصی نقاط جهان به سوی ایران روان می‌شده‌اند. مارکوپولو دریانورد توانای ایتالیائی که در اواخر قرن هفت میلادی به ایران آمده، از بازرگانی سخن به میان می‌آورد که از جنوای ایتالیا، در دریای خزر مشغول فعالیت بازرگانی بوده و به ویژه با اهالی گیلان روابط بازرگانی خوب داشته، با آنها به معامله ابریشم می‌پرداخته‌اند».^(۱)

متأسفانه در رابطه با بازرگانی ایران در این دوران اعداد، و ارقام چندانی موجود نیست. بنابراین تنها می‌توان به چنین نگاشته‌هایی استناد کرد. ارقام موجود در این زمینه مربوط به دهه‌های پایانی سده سیزدهم خورشیدی است. بر اساس این آمار، طی سالهای ۱۲۸۰ تا ۱۲۹۰، ایران بیشترین صادرات را به کشور روسیه داشته است به گونه‌ای که ۵۰ تا ۷۰ درصد کل صادرات ما را شامل می‌گردید، و کشورهای انگلیس و عثمانی در رده‌های بعدی قرار داشته‌اند. صادرات ایران را در آن زمان کالاهای کشاورزی، دامی و صنایع دستی همچون فرش تشکیل می‌داده. و از نظر ارزش میزان آن قابل توجه بوده است چنانچه در سال ۱۲۸۵ خورشیدی، این میزان بالغ بر ۲۵/۲۱۰/۲۱۸ دلار می‌گردید^(۱). اینک نگاهی اجمالی خواهیم داشت به سابقه صادرات و بازرگانی ایران در چند دوره از تاریخ گذشته این سرزمین.

الف - صادرات ایران پس از انقلاب مشروطیت تا پیش از جنگ جهانی دوم

به دلیل تداوم شرایط پیش از انقلاب، در سالهای پس از انقلاب نیز بازار صادراتی ایران بیشتر متمرکز بر روس بود. تا آنکه بعد از انقلاب کمونیستی در شوروی، قدرت خرید مردم در آنجا پایین آمده، صادرات ایران به آن کشور با مشکل جدی روبه‌رو گردید. این سالها، سالهای افزایش نفوذ انگلیس در ایران، کاهش قدرت دولت مرکزی و تشنج در اوضاع اقتصادی است. قدرت تولید و توان بازرگانی کاهش یافته، در نتیجه واردات به طور مرتب بر صادرات فزونی می‌گردد تا آنکه در سال ۱۳۰۰ شمسی واردات به بیش از ۲/۵ برابر صادرات بالغ گردید.^(۲)

پس از به قدرت رسیدن رضاخان، به علت کاهش ارزش نقره و همچنین بحران‌های جهانی، صادرات ایران باز هم کاهش یافت و به نصف میزان قبل رسید. در این سال

۱- جان ویشارد، بیست سال در ایران، چاپ اول، ترجمه علی پیرنا، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۳، ص ۲۷۶.

۲- در این سال واردات ۲۰۱ هزار تن به مبلغ ۶۱۰ میلیون ریال و صادرات ۸۴ هزار تن بوده است.

صادرات نفت به آرامی در حال افزایش بود. در سال ۱۳۰۷ قانون تعرفه گمرکی به تصویب رسید که در سال ۱۳۱۵ جای خود را به قانون جدید سپرد در سال ۱۳۰۹ برای کنترل بیشتر ارز، صادرات و واردات به دولت واگذار و به همین دلیل یکسال بعد اداره کل تجارت تأسیس که سپس به وزارت بازرگانی تبدیل شد.

در این سال، برای اولین مرتبه، پس از تهیه آمار گمرکی در سال ۱۲۷۹ شمسی، مقدار صادرات بر واردات پیشی گرفت^(۱). بعد از آن نیز دوباره واردات افزون بر صادرات بوده و روند منفی بودن تراز بازرگانی تا سال ۱۳۱۸ شمسی یعنی شروع جنگ دوم تداوم داشت. (جهت اطلاعات بیشتر به جدول شماره یک مراجعه شود).

ب - صادرات ایران پس از جنگ دوم جهانی تا دهه ۴۰ شمسی

در سالهای پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰، به دلیل کاهش واردات و نیاز متفقین به ریال، همچنین اجازه فروش ارز تنها به بانکهای مجاز، میزان ذخیره ارزی کشور فزونی یافت در حالیکه صادرات به طور شدیدی کاهش یافته تنها، محدود به کالاهائی نظیر برنج و نفت می گردید. در سال ۱۳۲۹، ارزش لیره استرلینگ کاهش یافت، آتش جنگ کره برافروخته شد، همچنین دولت اقدام به واگذاری ارز صادراتی به صادرکنندگان جهت واردات کالاهای مجاز نمود. همه اینها باعث تشویق صادرات ایران در آن سال و بهبود وضعیت آن گردید.

پس از ملی شدن نفت، دولت وقت بدلیل کاهش صادرات نفت در سال ۱۳۳۰ شمسی و عدم دریافت حق امتیاز از شرکت نفت ایران و انگلیس در مضیقه ارزی افتاد. به همین دلیل سیاست افزایش بهای گواهینامه های ارزی و کاهش واردات، همچنین گسترش قراردادهای پایاپای را در پیش گرفت و به این ترتیب موفق گردید بخشی از کمبودهای ارزی خود را جبران نماید.

در آذر ماه سال ۱۳۳۰ شمسی دولت وقت تحصیل گواهینامه‌های ارزی را به بازار آزاد محول ساخت که در واقع با اعمال چنین سیاستی برای نخستین بار در کشور واردات تابع صادرات گردید و این سیاست حمایت از صادرات تا سال ۱۳۳۲ تداوم داشت ولی بعد از آن کمرنگ شد.^(۱)

رشد صادرات در این سالها محسوس است و این در حالیست که صادرات نفت طی سالهای ۳۱ و ۱۳۳۲ شمسی در حدود صفر بوده، اقلام صادراتی را کالاهای غیرنفتی تشکیل می‌داده‌اند. در بهمن ماه ۱۳۳۳ قانون تشویق صادرات که از لوایح قانونی دوره ملی شدن نفت بود تصویب گردید.

به موجب آن تسهیلات قانونی متعددی برای صادرکنندگان و تولیدکنندگان منظور شد. این تسهیلات به طور عمده شامل معافیت‌های مالیاتی و حقوق گمرکی بودند. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، همزمان با برنامه‌های افزایش صادرات نفت، واردات نیز رو به افزایش گذارد و در سال ۱۳۳۵ شمسی، رشد آن شتاب فزاینده‌ای به خود گرفت تا آنجا که در سال ۱۳۳۶ نرخ گواهینامه‌های ارزی و نرخ رسمی برابر گردید. تراز بازرگانی ایران طی سالهای ۳۱ و ۳۳ مثبت بوده اما بعد از آن تا پایان دهه سوم قرن جاری همواره صنفی است. (اطلاعات بیشتر در جدول ب درج گردیده است).

پ - صادرات ایران از آغاز دهه چهارم تا قبل از انقلاب اسلامی

از اواخر سال ۱۳۳۸ و اوایل سال ۱۳۳۹ شمسی، اقتصاد ایران دچار بحران گردید. این مسئله باعث گردید تا روند صادرات و واردات کشور نیز تحت تأثیر شدید قرار گرفته و مسیر آنها تا حدی اصلاح شود. عواقب این مشکل خود را در سالهای بعدی نمایان ساخت چنانکه به روایت آمار و ارقام در سالهای ۴۰ و ۴۲، واردات با کاهشی برابر ۱۷ درصد روبه‌رو گردید اما در همین حال صادرات کشور ۵/۵ درصد رشد را نشان

می دهد.^(۱)

رشد صادرات طی سالهای بعد ارقام قابل قبولی را ارائه می نماید چنانکه اگر ارقام صادرات را در سال ۴۶ با همین ارقام در سال ۳۳ یعنی بهترین سال صادرات پس از ملی شدن نفت قیاس کنیم، افزایش به میزان ۳۳ درصد مشاهده می شود. گرچه باید توجه داشت که این میزان ارزش با افزایش حجمی برابر ۵۶ درصد همراه بوده، ضمن اینکه کاهش ارزش پول ملی را هم نباید از نظر دور نگه داشت.

نسبت صادرات به واردات تا سال ۴۶ شمسی سیر نزولی داشته و از سال ۴۷ به طور آهسته شروع به رشد می نماید. با توجه به آمار طی یک دوره ۱۰ ساله از سال ۱۳۴۲ ارزش صادرات کشور ۵ برابر در حالیکه ارزش واردات ۶ برابر گردیده است.

پس از نیمه دوم سال ۵۲ شمسی، افزایش بهای نفت قدرت خرید خارجی وسیعی برای دولت ایجاد کرد و موجب شد تا در مدت یکسال واردات کشور تا حد دو برابر افزایش یابد در حالیکه صادرات کالاهای غیرنفتی در این مدت رو به کاستی گذارد و ۸ درصد کمتر از سال قبل گردید. این تحولات نسبت صادرات کالاهای غیرنفتی به واردات را ۵۰ درصد کاهش داده از ۱۷ درصد به ۹ درصد در سال ۵۳ رسانید.

ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی کشور در طول دوره ۵۷-۵۲ به طور متوسط سالیانه به قیمت ثابت حدود ۱۰/۳ درصد و به قیمت جاری حدود ۰/۴ درصد کاهش را نشان می دهد و از ۶۳۵ میلیون دلار در سال ۵۲ به ۶۲۵ میلیون دلار در سال ۵۶ رسید. ارزش صادرات کشور در سال ۵۷ نیز به علت رکود اقتصادی ناشی از اعتصابات عمومی ۱۳/۲ درصد کاهش داشته و به ۵۴۳ میلیون دلار محدود گردید.

صادرات صنعتی در این دوره دارای رشد سریعی نسبت به دوره های دیگر است. صادرات صنعتی ایران در سال ۱۳۴۴، در حدود ۵/۵ میلیون دلار بوده که در سال ۱۳۵۷ به بیش از ۱۶۳ میلیون دلار می رسد. این ارقام افزایشی در حدود ۳۰۰ درصد را در طول

۱۳ سال نشان می‌دهند گرچه در طول این سالها با فراز و نشیب‌هایی رو به رو بوده است. یکی از دلایل این افزایش حمایت‌های همه جانبه دولت از صنایع در پی شعارهای صنعتی شدن کشور بوده و همانطور که بعد خواهیم دید و ارقام بیان می‌کنند در پی قطع حمایت دولت در مقاطع مختلف، رشد تولیدات صنعتی یا متوقف گردیده و یا به حداقل ممکن رسیده است.

این افزایش در میزان صادرات صنعتی، سهم این بخش را در صادرات غیرنفتی به بیش از ۳۰ درصد در سال ۱۳۵۷ می‌رساند که علاوه بر بیان رشد چشمگیر صادرات غیرنفتی، همچنین بیانگر عدم رشد کل صادرات غیرنفتی با این شتاب می‌باشد. نکته جالب اینجاست که حتی در سالهای ۵۶ و ۵۷ که اوج اعتصابات و مخالفت‌های ضد دولتی بود نیز صادرات صنعتی بدون برخورد با مشکل، میزان بالائی را نشان داده و در سال ۵۷ بیشترین رشد را داشته، از سال قبل نیز ۲۰ درصد فراتر رفته است.

ت - صادرات ایران پس از انقلاب اسلامی تا سال ۶۷

دوران اوج‌گیری انقلاب با اعتصابات و تظاهرات مردمی علیه دولت آغاز گردید و این اعتصابات ماهها ادامه داشت که باعث رکود اولیه‌ای در تولیدات کشور گردید. بسیاری از صنایع بزرگ در قبل از انقلاب، در دست سرمایه‌دارانی بود که یا وابستگی به خاندان پهلوی و حکومت وقت داشته و یا به خاطر ترس از رابط خود با دولت وقت و اعمال غیرقانونی از کشور خارج شدند.

بنابراین بسیاری از واحدهای تولیدی ملی اعلام گردیده تا به وسیله مدیریت دولتی اداره شوند. اقتصاد کشور نیز از یک حالت ثبات ظاهری و یا برنامه‌ریزیهای منطبق با شرایط آن دوره خارج گردید. هنوز اولین گامهای سازندگی برداشته نشده بود که ایران مورد تحریم اقتصادی آمریکا و هم‌پیمانانش قرار گرفت و هنگامیکه این وسیله را برای فشار بر مردم ایران ناکافی دیدند، جنگ نظامی بر ایران تحمیل شد.

همه موارد بالا، باعث گردید تا اقتصاد و بازرگانی ایران با مشکلات جدی روبه‌رو شود، در این دوره به دلیل کاسته شدن حمایت‌های بیدریغ دولت از صنایع، تولیدات صنعتی و در پی آن صادرات صنعتی بسیار کاهش یافت^(۱). به این امر باید وابستگی شدید صنایع به خارج، تعویض مدیریت‌ها و تحریم‌های خارجی را هم افزود.

در اثر جنگ بسیاری از سرمایه‌ها و کالاهای مصرفی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در خدمت جنگ بوده و یا در داخل کشور مصرف می‌گردید که باعث کاهش در صادرات شده، ارزش صادرات را از ۸۱۱/۸ میلیون دلار در سال ۵۸ به ۲۸۳/۷ میلیون دلار در سال ۶۱، کاهش داد. از این سال به بعد به دلیل مشکلات بوجود آمده در راه صادرات نفت و نیاز به ارز، صادرات کالاهای غیرنفتی مورد توجه بیشتری قرار گرفت و رشد آرام آن آغاز شد.

در این میان صادرات صنعتی که در سال ۵۷ در حدود ۳۰ درصد از کل صادرات غیرنفتی رسید ولی از سال ۶۱ دوباره شروع به رشد کرده در سال ۶۷ به ۲۲/۴ درصد رسید. از سال ۶۱ وضع صادرات غیرنفتی ایران در همه گروه‌های تشکیل دهنده رو به بهبودی گذارده و تا سال ۶۷ همواره از یک میانگین رشد قابل قبولی برخوردار می‌باشد که دوباره در سال ۶۷ دچار یک رکود ۱۱/۸ درصدی گردید^(۲). در طول این دوره صادرات نفت ایران به طور میانگین در حدود ۲ درصد در سال کاهش داشته است.^(۳)

ث - صادرات ایران از سال ۶۸ به بعد

این دوره از زمانهای پرحادثه برای اقتصاد و بازرگانی ایران است. حوادثی که هر یک قادر به اثرگذاری جدی بر روی یک اقتصاد می‌باشد. در سال ۶۸ جنگ ۸ ساله عراق علیه

۱- در سال ۱۳۵۷ صادرات صنعتی ۱۶۳ میلیون دلار بود. که در سال ۵۸، به ۶۶/۴ میلیون دلار رسید و سیر

نزولی آن در سالهای بعد تا سال ۶۱ ادامه یافت. ۲- رجوع شود به جدول شماره ۵.

۳- مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۶۷-۶۸، ص ۸۸.

ایران به پایان رسیده اما آثار ویرانیه‌ها و خسارات آن پابرجاست.

جبران خسارت ناشی از جنگ و انجام بازسازی نیاز به منابع مالی هنگفت دارد. بویژه آنکه بیشتر احتیاجات، کالاهای سرمایه‌ای بوده و در درون کشور تولید نمی‌شوند. سال ۶۸، سال شروع اولین برنامه توسعه دولت است که خود هزینه ویژه‌ای را طلب می‌کند. نرخ چندگانه ارز وجود داشته و بازار سیاه ارز سیاستهای ارزی دولت را تهدید می‌کند به علاوه نرخ ارز در این بازار به طور مداوم در حال افزایش بوده و در اکثر موارد بانک مرکزی نیز به دنبال آن نرخ ارز را افزایش می‌دهد.

این امر بخصوص برای صنایعی که وابسته به قطعات یدکی و مواد اولیه از خارج می‌باشند وضعیت بسیار سختی را پیش آورد. در سالهای اولیه این دوره دولت اقدام به اعلام نرخ واحد برای ارزکرد ولی قدرت نگهداری این نرخ را نداشته که عدم ثابت بودن آن بازار دلالتی را رونق داده و بازار تولید را راکد نمود و این در حالی بود که در اثر سیاست تعدیل اقتصادی دولت، سوبسید بسیاری از صنایع قطع یا محدود گردیده و مجبور بودند بدون حمایت مالی دولت امور خود را اداره کنند.

در اواخر این دوره یکی از بدترین شرایط در طول تاریخ بازرگانی خارجی ایران اتفاق افتاد و بیمه‌های صادراتی خارجی، پوشش بیمه‌ای خود را از محصولات صادراتی به ایران برداشته و با این کار اعتبار مالی ایران را زیر سؤال بردند. این امر بویژه برای واردکنندگان مواد اولیه و صنایع وابسته بسیار مشکل آفرین گردید. از آغاز این دوره صادرات کالاهای غیرنفتی که به آرامی شروع به رشد کرده بود با سرعت بیشتری ادامه یافت. بروایت آمار، صادرات غیرنفتی ایران از سال ۶۸ تا ۷۲ شمسی بیش از ۳۵۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

به پیروی از کل صادرات، صادرات صنعتی نیز در این دوره از افزایش چشمگیری برخوردار بوده به طوریکه درصد رشد آن از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به بیش از ۵۰۰ درصد می‌رسد که نسبت به کل صادرات غیرنفتی از شتاب رشد بیشتر برخوردار است.

۵-۲-۱- توزیع جغرافیایی صادرات غیر نفتی ایران

در سالهای قبل از انقلاب اسلامی بویژه هنگامیکه صادرات بطور جدی مطرح گردید، کشورهای مقصد صادرات ایران بیشتر کشورهای سوسیالیستی هستند که با قراردادهای پایاپای بزرگترین خریداران کالاهای ایرانی بودند بطوریکه این گروه از کشورها از سال ۱۳۴۹ به بعد همواره بیشترین درصد صادرات ایران را به خود اختصاص داده‌اند. گرچه از سال به بعد این امر با فراز و نشیب‌هایی روبه‌رو بوده است.

از سالهای نیمه دوم دهه ۶۰ شمسی وضع به گونه‌ای دیگر است و تمرکز و صادرات ایران به مناطق دیگری متمایل می‌شود. در این میان صادرات به کشورهای همسایه رشد خوبی داشته و بویژه صادرات به ترکیه از چنان رشدی برخوردار شده است که آن کشور در سالهای ۷۱ و ۷۲ دومین صادرات ایران می‌باشد.

همچنین صادرات‌کنندگان ایرانی توجه خاص خود را متوجه کشورهای اروپایی غربی نموده بیشترین کالاها را روانه بازار مشترک کرده‌اند. در این گروه آلمان بزرگترین شریک ایران است. بعد از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری‌های آن کشور، این بازار نیز به یکی از کانونهای توجه صادرکنندگان ایرانی تبدیل شده است که گرچه حضور در آنجا مخاطراتی را به همراه دارد اما ویژگیهای دیگر آن این مخاطرات را توجیه می‌کند. بازرگانی با کشورهای آسیایی و کشورهای عضو اکو نیز بسیار شیبه شده است و کشورهای عضو اکو با جذب ۱۵/۳۱۸ درصد کل صادرات ایران در سال ۷۱ از این نظر رتبه اول را دارند.^(۱)

۵-۳- تاریخچه صنعت کفش^(۲)

۱- سالنامه آماری سال ۷۱ مرکز آمار ایران.

۲- این تاریخچه از کتاب Encyclopedia Britanica به فارسی ترجمه شده است.

ساختن کفش به عنوان وسیله‌ای برای پوشاندن و محافظت پا یکی از اولین و قدیمی‌ترین فعالیت‌های بشر بوده است و در حقیقت تاریخچه این صنعت به خیلی پیش از آنکه بشر وسیله‌ای برای نوشتن اختراع نماید مربوط می‌گردد.

تولید کفش همانطور که انتظار می‌رود ابتدا با عملیات ساده دست صورت می‌گرفت و شکلی بسیار ساده داشت. پس از گذشت زمان، به تدریج بشر ابزار ساده دستی اختراع نمود که به وسیله آنها قادر گردید تا با سرعت عمل بیشتر و صرف وقت کمتر، این کالای مورد نیاز خود را فراهم نماید. با گذشت زمان این ابزار ساده دستی کاملتر گردید و به شکل امروزی در صنعت کفش دستی مورد استفاده قرار گرفت. آخرین اقدام بشر در زمینه تکمیل این صنعت مانند تمام صنایع دیگر، اختراع ماشین‌هایی بود که تولید را به نحو ساده‌تر در مدت زمان کمتر و با اصول مدرن‌تر عهده‌دار شد.

فرضیه استفاده از پوست حیوانات به عنوان پای پوش به دوره نئولیتیک (پارینه‌سنگی) نسبت داده شده است. باستان‌شناسان در اثبات این فرضیه، استخوانهای سوزنی شکل و ابزار استخوانی یافته‌اند که به این دوران مربوط و به خوبی برای ساختن کفش قابل استفاده بوده است.

تمام ملت‌ها در دوران اولیه شهرنشینی از ابزار ساده دستی برای ساختن کفش استفاده نموده‌اند و در واقع توسعه صنعت کفش با گسترش و تکمیل این ابزار ساده صورت گرفته است. اولین کارخانه کفش در آمریکا به جان آدامز داگیر Dagyr منسوب است که در سال ۱۷۶۵ یک فروشگاه در شهر Lynn ایجاد نمود و با استخدام تعدادی از کفاشان دست‌دوز تولید هر یک از مراحل مختلف کفش را به عهده یک نفر از آنها گذارد تا قبل از آن کفاشان هر یک به تنهایی تمام مراحل تولید کفش را به عهده داشتند. با این اقدام "داگیر" تولید کفش به تدریج شکل صنعتی به خود گرفت که از نشانه‌های آن همان تقسیم مراحل مختلف تولید بین افراد می‌باشد.

در سال ۱۸۱۸، قالبهای چوبی ساخته شد که دو لنگه راست و چپ کفش را از هم

متمایز می ساخت. تا قبل از این زمان، دولنگه راست و چپ کفش کوچکترین تفاوتی با هم نداشتند.

در سال ۱۸۴۵، ماشین نورد چرم Rolling Machine و در سال ۱۸۴۶ ماشین دوخت کفش به وسیله Elias Howe اختراع گردید. بالاخره در سال ۱۹۰۰ تمام مراحل تولید کفش از طریق ماشین صورت گرفت.

روشهای ساخت کفش در انگلستان و به طور کلی در قاره اروپا به موازات توسعه روشها در آمریکا گسترش یافت لکن در اروپا تقسیم کار در مراحل مختلف تولید کمتر و استفاده از دست در تولید بیش از آمریکا بوده یکی از مهمترین مشکلات در تولید کفش، تعیین اندازه های کفش بوده است اندازه استاندارد کفش اولین بار در سال ۱۳۲۴ میلادی توسط ادوارد دوم پادشاه انگلستان تعیین گردید. وی چنین بیان داشت که سه Barley Corn^(۱) با اندازه متوسط چنانچه در امتداد یکدیگر قرار گیرند معادل یک اینچ خواهد بود^(۲). بعداً با اندازه گیریهای دقیق معلوم شد که اندازه بزرگترین پا معادل ۳۹ Barley Corn یا ۱۳ اینچ است و بقیه اندازه ها به تفکیک یک Barley Corn از یکدیگر مشخص گردیده اند.

در حال حاضر کارخانه های مدرن تولید کفش غالباً در ۵۰ اندازه مختلف کفش تولید می نمایند. از اوائل سال ۱۹۰۰ میلادی عامل "مد" در صنعت کفش رفته رفته اهمیت یافت و سهم عظیمی از مقدار تولید کفش به خاطر استقبال مردم از مدل کفش فروخته شد. مسئله جالب توجه این است که به تدریج با توسعه شبکه های حمل و نقل و دگرگون شدن وسائل حمل و نقل و همچنین مفروش گردیدن خیابانها با مصالح بهتر، کفش ها نیز از حالت زمختی و یکنواختی خارج و سبک تر و ظریفتر به بازار عرضه گردید. بر اساس بررسیهایی که از مصرف سرانه کفش در آمریکا و اروپا به عمل آمده است

۱- Barley Corn نوعی دانه جو می باشد که طول آن تقریباً ۸ میلیمتر است.

۲- اینچ واحد اندازه گیری در سیستم انگلیسی است و هر اینچ برابر ۲/۵ سانتی متر می باشد.

مصرف سرانه کفش خانمها تقریباً دو برابر مصرف سرانه کفش برای آقایان است. زیرا خانمها علاوه بر استفاده از کفش به عنوان یک پای پوش، از آن به عنوان یک کالای لوکس و زینتی هم استفاده می نمایند.

۵-۴- تاریخچه صنعت کفش در ایران

صنعت کفش در دوران اولیه در ایران مشمول تاریخچه کلی صنعت کفش در دنیا می گردد آنچه که مسلم است در ایران نیز توسعه صنعت کفش با ابزار ساده دستی آغاز گردید و به تدریج این ابزار کاملتر شد و شکل امروزی به خود گرفت.

در ایران در سال ۱۲۸۰ هجری کفشهای رواج داشت که دو لنگه راست و چپ آنها یکسان بود و با وجودیکه در نیمه اول قرن نوزدهم در اروپا از قالبهای چوبی مجزا برای دو لنگه کفش استفاده می نمودند تا ۱۵۰ سال بعد از آن تاریخ هنوز در ایران دو لنگه کفش شکل یکسانی داشت و از قالب مخصوصی برای این منظور استفاده نمی شد.

غیر از صندل که یکی از قدیمی ترین کفشها در تمام دنیا و در ایران باستان بوده است پای پوش های دیگری نیز در ایران مورد استفاده قرار گرفته است که به شرح آنها می پردازیم:

در ایران یکی از قدیمی ترین پای پوشها چاروق بوده است چاروق پای پوش گذشته مردان و زنانی را بیاد می آورد که در این مرز و بوم مدتها مرسوم خویش پای بند نبودند. توسعه اقتصادی و تغییر زمانه و شرایط اجتماعی اینان را بر آن داشت تا عادات دیرین خود را اندک اندک کنار بگذارند و از مزایای شرایط جدید استفاده کنند. پای پوش اینان اکنون متفاوت است آنانکه متمکن ترند از کفشهای چرمی گران قیمت استفاده می کنند و طبقات تهیدست گیوه یا کفشهای لاستیکی و پلاستیکی به پادارند.

ماده اصلی تولیدی چاروق چرم گاو است که آنرا خیس می نمایند تا از انعطاف لازم جهت هرگونه برش و قالب برخوردار گردد. کف و بدنه چاروق یک پارچه بوده و نک آن رو به بالا خمیده است. در بیست سال گذشته مصرف چاروق علاوه بر روستاها در شهرها به

عنوان یک کالای سنتی خریداری می شد.

یکی دیگر از پای پوشها قدیمی گیوه است که در گذشته روزگار پررونقی داشته است و نیروی انسانی شاغل در این رشته از زندگی مرفه و درآمد قابل توجهی برخوردار بوده اند. در زمان قبل از انقلاب به سبب مناسب بودن قیمت و راحتی آن بخصوص در فصل تابستان از بازار فروش مناسبی برخوردار بوده ولی به مرور زمان آن نوع محصولاتی که از نظر نقش و زیبایی قابل رقابت با محصولات مشابه ماشینی نبودند کم کم از صحنه رقابت خارج شدند زیرا اصولاً دوام قابل توجه برخی از فرآورده های مشابه ماشینی، مناسب بودن قیمت آن و قابل استفاده بودن آن در تمام فصول امکان هر نوع رقابتی را از گیوه هایی که از طرح و نقش ساده برخوردار است سلب نمود مواد اصلی مورد مصرف گیوه دوزان، چرم و نخ پنبه ایی می باشد و رویه گیوه توسط زبان بافنده تهیه شده و توسط واسطه ها به گیوه دوزان فروخته می شود.

بالاخره در سال ۱۳۳۲ اولین کارخانه کفش ماشینی در ایران تأسیس گردید در این سال با احداث کارخانه کفش مهشید با تولید سالیانه ۶۰۰ هزار جفت کفش لاستیکی - گالش و کتانی، سرمایه گذاری در این رشته از تولید شکل صنعتی و ماشینی به خود گرفت. در حال حاضر صنعت کفش یکی از مهمترین بخشهای تولیدی در اقتصاد ایران است که از میان کالاهای صادراتی غیرنفتی منبع درآمد ارزی نسبتاً معتدبه سوخت ارزان و مواد اولیه در دسترس در مقایسه با کشورهای قاره اروپا می توان انتظار داشت که ایران یکی از مهمترین کشورهای تولیدکننده کفش در جهان گردد.

۵-۴-۱- تاریخچه گروه صنعتی کفش ملی

شرکت کفش ملی در سال ۱۳۳۵ با توجه به نیاز جامعه به کفش به عنوان یکی از ضروریات زندگی با تعدادی پرسنل محدود که جمع آنها بیش از ۱۵۰ نفر نبود در مهرآباد جنوبی شروع به فعالیت نمود. تا آن زمان امکان تولید برای کفشی که مناسب و ارزان

قیمت جهت مصرف عموم باشد، به وجود نیامده بود.

برای جبران این کمبود کفش ملی از همان ابتدا تصمیم گرفت تا تولیدات خود را به نحوی عرضه کند که راحتی و آسایش مصرف‌کننده را تأمین نموده و از عوارض ناشی از پوشیدن کفش نامناسب جلوگیری کند.

آنچه که در ابتدا به عنوان تولید کفش ملی به بازار عرضه می‌شد از گالش و چکمه پلاستیکی فراتر نرفت. ولی همواره تلاش بر آن بوده تا با پیشرفت تکنولوژی جلو رفته و از بازار جهانی تولید عقب مانده و بتوان با کفشهای وارداتی و گران قیمتی که بازار داخلی را به خود اختصاص داده بودند و یا کفشهای دست‌دوز که بدون تکنولوژی و کیفیت خوب به بازار عرضه می‌شدند رقابت نمود.

در سالهای اولیه بیشتر فعالیتهای بررسی و تحقیق متمرکز بود. و کنار آن ماشین آلات و دستگاههای پیشرفته وارد و نصب شدند. تا سال ۱۳۴۵، تعداد کارکنان به ۶۰۰ نفر افزایش یافت. ولی کفش ملی به این حد قانع نبود. لذا در سال ۱۳۵۱ با سرعت زیادی اقدام به ساخت پارک گروه صنعتی کفش ملی در ۱۸ کیلومتری جاده تهران کرج نمود. ایده کلی این بود که در یک مجموعه آنچه که لازمه تولید کفش باشد گرد آید تا سرعت حرکت مطلوب باشد.

کار چنان با برنامه و وسیع شروع شد که امکان توقف آن نبود. با ساخت پارک گروه صنعتی کفش ملی، تحقیقاً این مسأله روشن گردید که در بعضی از شهرستانهای مساعد امکاناتی وجود دارد که فراهم آوردن آن در مرکز مسئله مهمی را حل نخواهد کرد و بر این اساس مجتمع‌های دیگری، بعد از ساخت پارک و در طول جریان آن، در شهرستانهای خراسان و رودبار و لرستان ایجاد گردیدند.

در حال حاضر پارک گروه صنعتی کفش ملی با بهره‌گیری از کلیه امکانات موجود خود در تهران و شهرستانها، روزانه می‌تواند تولیدی به میزان ۱۲۵۰۰۰ جفت کفش را روانه بازار نماید. تولیدات این شرکت فقط به انواع کفش منحصر نگردیده بلکه بیش از

نیمی از بازار مصرف تسمه پروانه توسط گروه صنعتی کفش ملی تأمین می‌گردد. در سراسر ایران چسب کفش ملی مورد مصرف زیادی داشته و سالهاست که جای خود را به عنوان یک محصول قابل اطمینان به دست آورده است و در موارد مشابه نیز کالاهای تولید شده توسط پارک گروه صنعتی کفش ملی قابل رقابت حتی در بازارهای جهانی می‌باشد.

روزانه ۱۴۰۰۰ متخصص خود را جهت ساخت انواع محصولات در این واحد عظیم تولیدی و صنعتی به کار می‌گیرند. با توجه به کارائی کارکنان این واحد که در طول سالیان متمادی تجارت ارزنده‌ای نیز به آن اضافه گردیده و تحقیقات مستمر و پیشرفته در کلیه زمینه‌ها، گروه صنعتی ملی توانسته تا با آخرین پدیده‌های علمی و فنی در زمینه تخصص خود، همگام با سایر تولیدکنندگان در سطح جهان شناخته گردد.

شرکت کفش ملی به منظور خدمت به مردم و رفع کمبودها، با برنامه‌ای صحیح و پیش‌بینی شده به تدریج توانست کلیه امکاناتی را که جهت ساختن کفشهای مورد پسند لازم است فراهم و انواع و اقسام کفش را برای راحتی و آسایش مصرف‌کننده تهیه و تولید نموده و توفیق آن را بدست آورد تا با مواد مرغوب و آخرین ماشین‌آلات کفش‌سازی، پارچه‌بافی، تسمه‌زنی و قالبهای متنوع و استفاده از متخصصین و طراحان مجرب، محصول خود را به نحوی تولید نماید که در عین استحکام از هر جهت راحت بوده و سلامت و بهداشت پا را حفظ کرده و قیمت آن در حدی باشد که مردم بتوانند به سهولت خریداری و استفاده نمایند.

از ابتدا سیاست گروه بر این اساس قرار گرفت که از تخصص دیگر کشورها در ساخت بهترین محصولات بهره‌برداری نماید. لذا با این ایده که هر کشوری در ساخت یک نوع کالا متخصص می‌باشد، تولید آن را در داخل به همان کشور واگذار و آن تخصص و تجرب را با همان افراد به صورت پروژه‌ای کامل پیاده و اجرا نمود.

مثلاً ژاپن در ساخت انواع سرپایی پیشرفت کامل دارد بنابراین کلیه سرپایهای گروه صنعتی کفش ملی با تکنیک کامل ژاپن و با همان فرمول و با مشارکت کارشناسان ژاپنی

هنوز هم بعد از سالها به تولید خود ادامه می دهد و یا اینکه بررسی گردید که کشور آلمان در ساخت کفش زنانه موقعیت خوبی دارد. لذا کفشهای زنانه گابور عیناً با همان تکنیک و مشخصات ساخته شده و به بازار ایران و جهان عرضه می گردد. در مورد سایر محصولات گروه نیز به همین ترتیب عمل گردید.

اکنون محصولات گروه در بیش از ۳۰۰ فروشگاه و ۱۵۰ نمایندگی به بازار عرضه گردیده و در بازارهای صادراتی نیز فعالیت مستمر دارد غیر از واحدهای ذکر شده، این گروه در تبریز و گیلان نیز واحدهای تحت نظارت خود دارد که این واحدها مسئولیت خرید و آماده سازی چرم را بر عهده دارند. و این واحدها تاکنون توانسته اند علاوه بر تأمین محصولات مورد نیاز گروه، بخش زیادی از مایحتاج خارج از گروه را نیز تأمین نمایند.

واحدهای چرم سازی روزانه به طور متوسط ۳۰۰ هزار فوت چرم را در انواع گوناگون تولید و تحویل می نمایند که قسمت عمده آن در داخل مصرف و مقداری از آن نیز صادر می گردد. با درک این مسأله که تخصصهای مختلف در زمینه های گوناگون باید در محل خود مورد استفاده قرار گیرد، گروه صنعتی کفش ملی تصمیم گرفت تا هر محصول خود را جداگانه تولید نماید و به همین منظور نیز در حال حاضر گروه صنعتی کفش ملی دارای هشت واحد کفافی بوده که هر کدام رسالت تولید یک نوع کالا را بر عهده دارند و هفت واحد چرم سازی نیز تأمین کننده نیازهای این کارخانجات هستند. غیر از واحدهای کفافی و چرم سازی، واحدهای دیگر از جمله چسب و مواد شیمیایی تأمین کننده چسب گروه، زیره ملی تأمین کننده کف های خارجی و نیز تولیدات دیگری از جمله کفپوش بوده که در بازار جایگاه خود را دارند.

واحد ریسندگی و بافندگی کفش ملی عهده دار تأمین پارچه های مورد مصرف در کفش است، ماشین سازی ساخت ماشین آلات و تعمیرات ماشین آلات موجود را انجام می دهند. کائوچوک ملی تهیه کننده یک سری از مواد اولیه مورد نیاز کارخانه های کفافی می باشد. تسمه ملی به عنوان واحدی مستقل بیش از نیمی از تسمه پروانه داخل کشور را تأمین

می‌نماید، پوشاک مردم تولیدکننده انواع جوراب، پارسی چاپ تولیدکننده جعبه و برجسب و دفاتر بوده و ضمن تأمین مایحتاج گروه، بخش عمده‌ای از بازار داخل را پوشش می‌دهد.

قالبسازی ملی نیز ساخت قالب برای گروه را انجام می‌دهد و علاوه بر آن سفارشهای دریافتی خارج از گروه را می‌پذیرد. شرکت نخکار نیز یکی دیگر از واحدهای تحت پوشش گروه صنعتی کفش ملی بوده که تأمین‌کننده پارچه‌های ضخیم مورد مصرف در کفپوشی است. شرکت تهیه و توزیع مواد خام مسئول خرید چرم خام برای مصرف گروه می‌باشد.

به طور کلی اساس فکر اولیه بر آن بود که گروه صنعتی کفش ملی با عهده‌گرفتن رسالت ساخت انواع کفش در انجام این هدف خودکفا باشد و مایحتاج خود را خود تولید، مصرف یا به فروش برساند. بدین دلیل به نام گروه فعالیت می‌نماید غیر از واحدهای تولیدکننده واحدهای خدماتی نیز وجود دارند که انجام کار و امور جاری مربوط به واحدهای تولیدی را برعهده دارند. از جمله این واحدها یکی شرکت صادراتی و تجارتي است که خرید بیش از بیست قلم از مواد اولیه اصلی گروه را برعهده داشته و با فعالیت در زمینه صادرات کلیه محصولات گروه، یکی از فعال‌ترین شرکتهای تحت پوشش گروه می‌باشد. و یا شرکت کفش ملی که مسئولیت فروش داخل و هماهنگی فروشگاهها و تأمین نیازهای آنها را برعهده دارد.

بنابراین می‌توان اظهار نمود که گروه صنعتی کفش ملی با بیش از ۳۰ کارخانه و واحدهای خدماتی یکی از بزرگترین واحدهای تولیدکننده پای‌افزار در خاورمیانه و جهان است. گروه تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران بوده و مدیران گروه از طرف این سازمان تعیین می‌گردند. پنج عضو هیأت مدیره اداره‌کننده گروه بوده و در رأس هیأت مدیره قرار گرفته که هماهنگی لازم را در امور مختلف به عمل می‌آورد.

محصولات گروه پس از تولید طبق ضوابط خاصی به شرکت کفش ملی جهت پخش تحویل می‌گردد که این شرکت با انبارهای بزرگ خود کالاها را نگهداری و با مدیریت

خاص خود هم فروشگاهها را تجهیز نموده و هم تعاونیها و نمایندگیها را تأمین می نماید. واحدهای تولیدکننده کلاً از مسائل فروش و پیگیریهای آن دوره بوده و اساس فعالیت خود را بر مبنای تولید استوار نموده اند.

و این یکی از ویژگیهای گروه صنعتی کفش ملی است تا بهتر و سریعتر بتواند به اهداف مطلوب خود دست یابد. نحوه سفارش تولید به کارخانه های تولیدی بدین ترتیب است که مدیران فروش با توجه به نزدیکی به خریداران واقعی با جمع بندی نظرات آنها، سفارشات خود را با هماهنگی با سایر تولیدکنندگان به واحدهای تولیدی می دهند.

پس از دریافت کالاهای تولیدشده خود آنها را قیمت گذاری و به فروش می رسانند. خدمات و مدیریت ملی یکی دیگر از واحدهایی است که امور جاری شرکت را کامپیوتری نموده و همواره اطلاعات را به روز و آماده بهره برداری در اختیار مدیران قرار می دهد. و بر فروش فروشگاهها با توجه به تنوع مدلها کنترل دارد. کانون مشاوره گروه نیز با برخورداری از وکلای درجه یک و کادر ورزیده احتیاجات گروه را در این زمینه برطرف نموده و حافظ منافع گروه در دعاوی می باشد.

به طور کلی همانگونه که اشاره شد همواره سعی بر این بوده تا کلیه امور جاری گروه در داخل آنها انجام پذیرد. و در زیر شرکتهای تحت پوشش گروه بر اساس نام جدید و قدیم درج گردیده است.

نام جدید	نام قدیم	نام جدید	نام قدیم
۱. سریانی ملی	اتافوکو	۹. چرم آذر	چرم آذر
۲. کفش پویا	استاندارد	۱۰. چرم گیلان	ایترنشال
۳. چکمه ملی	چکمه ملی	۱۱. چرم درخشان	چرخ درخشان
۴. کفش صنعتی	کفش صنعتی	۱۲. چرم رودبار	چرم رودبار
۵. کفش گنجه	کفش گنجه	۱۳. چرم خسروی	چرم خسروی
۶. کفش آزاده	گابور	۱۴. چرم لرستان	چرم لرستان

۷. کفش شاهد گوستاو هافمن ۱۵. چرم خراسان چرم خراسان
۸. کفش فارس یونایتد ۱۶. چرم و مواد شیمیائی یونیون کمیکال

ادامه جدول

نام جدید	نام قدیم	نام جدید	نام قدیم
۱۷. زیره ملی	سانترال گومی	۲۵. نخکار	نخکار
۱۸. ریسندگی و بافندگی گنجه	تهیه مواد	۲۶. صادراتی و تجارتی ملی	صادراتی و تجارتی ملی
۱۹. ماشین سازی	ماشین سازی	۲۷. سیگا	سیگا
۲۰. کائوچوک ملی	کائوچوک ملی	۲۸. کفش ملی	کفش ملی
۲۱. تسمه ملی	گود بلت	۲۹. پوشاک عمده	پوشاک عمده
۲۲. پوشاک مردم	فالکه	۳۰. نگهدار	نگهدار
۲۳. پارسی چاپ	چاپ	۳۱. خدمات و مدیریت ملی	عمران مهرآباد
۲۴. قالبسازی ملی	قالبسازی ملی		

۵-۴-۲- گروه صنعتی فخرالاسلام (کفش بلا)

این گروه متعلق به بانکهای ملی و ملت بوده که همراه با تعدادی از شرکتهای بزرگ تولیدی و بازرگانی تحت پوشش گروه صنعتی آژ فعالیت می نمایند. شرکتهای وابسته عبارتند از:

کفش بلا، کفش جم، کفش مهپوش، کفش ببا، چرم زوک، نخ مدار، جوراب گیلان، کارتن کار و شرکت پخش جمشید که این شرکت توزیع کل محصولات گروه را برعهده دارد، هر کدام از این شرکتهای هیات مدیره مستقل دارند.

این افراد توسط گروه صنعتی آژ انتخاب می شوند. و اعضای هیات مدیره گروه صنعتی آژ منتخب بانکها هستند. گروه صنعتی فخرالاسلام با بیش از ۳۰ سال سابقه در تولید انواع کفش و با بیش از صدوپنجاه فروشگاه نمایندگی در سراسر کشور فعالیت دارد.

تعداد کارکنان آن بیش از ۸۰۰ نفر می باشند.

۵-۴-۳- شرکت کفش پیروزی

این شرکت با ۱۸۰۰ نفر پرسنل متعهد و متخصص و بیش از ۳۲ سال تجربه در صنعت کفش سازی در حال حاضر به تولید انواع کفشهای چرمی و کتانی، پلاستیکی و ورزشی اشتغال داشته و سایر تولیدات جنبی این گروه صنعتی را انواع ورقهای لاستیکی و چسبهای کفشی و خلوکجات تشکیل می دهند و دارای بیش از صد فروشگاه در سراسر کشور می باشد.

۵-۴-۴- شرکت تولیدی کفش سه ستاره

این شرکت دارای ۳۵ سال سابقه در امر تولید و صدور انواع کفشهای کتانی، ورزشی، پلاستیکی می باشد. کارکنان این شرکت متجاوز از ۴۵۰ نفر می باشند که در بخشهای مختلف فعالیت دارند. ظرفیت تولیدی سالانه این شرکت بالغ بر ۶ میلیون جفت می باشد.

فصل سوم

متدو لوزی تحقیق

مقدمه

باید قبول کرد که در زمان ما بیشتر مطالعات و تحقیقات علمی همچنین هر نوع تصمیم در کارهای اجرائی و طرح و برنامه، از به کاربردن روشهای آماری بی نیاز نمی تواند باشد و این روشها هستند که بر اعتبار علمی و اطمینان یافته های مورد مطالعه می افزایند. در این فصل از پایان نامه با شیوه های آماری که در جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده ها استفاده شده است. آشنا خواهیم شد. چرا که معتقدیم اگر با نحوه به کارگیری ابزارهای آماری آشنا باشیم، ما را در فهم داده های تحصیل شده، کمک خواهد کرد. در این بخش درباره روش نمونه گیری، روش های آماری، متغیرهای تحقیق توضیحاتی داده خواهد شد. در فصل بعدی پایان نامه از روشهای فوق برای بررسی صحت و سقم فرضیات استفاده خواهد شد.

روش تحقیق

در این بررسی از روش پژوهشی پیمایشی استفاده شده است. این روش از روشهای مناسب علمی برای کسب اطلاعات است. به طوریکه داده ها را از جامعه آماری معین در یک زمان معین جمع آوری می کند. این روش به سه نوع اساسی تقسیم می شود:

الف - پیمایشی عقاید عمومی

که شامل نظرخواهی تجاری، سیاسی و بررسی بازار می باشد.

ب - پیمایشی علمی درباره نگرشهای مردم

به طور کلی هدف پیمایشهای علمی جمع آوری اطلاعاتی درباره نگرشها نسبت به برخی پدیده های اجتماعی مانند انتخابات است تا فرایند اجتماعی مربوط به آن بهتر درک گردد.

ج - پیمایشی برای یافتن اطلاعات واقعی

این اطلاعات که احتمالاً به دست آوردن از طریق دیگر مشکل است، برای دانشمندان علوم اجتماعی که می‌خواهند فرضیه‌هایی را آزمون نمایند، بسیار مهم است. در این روش تحقیق از روش پیمایشی عقاید عمومی (نوع الف) استفاده شده است.

روش جمع‌آوری اطلاعات

روش جمع‌آوری اطلاعات بر اساس روش نمونه‌گیری صورت گرفت است یعنی از میان شرکتهای تولیدکننده کفش در سطح کشور، گروه صنعتی کفش ملی ایران انتخاب شده است و نتایج تحقیق بر اساس اطلاعاتی که از گروه صنعتی کفش ملی ایران از طریق پرسشنامه به دست آمده است را به تمامی کارخانه‌جات تولیدکننده کفش در سطح کشور تعمیم می‌دهیم.

تعداد افراد نمونه جامعه آماری این تحقیق ۱۳۰ نفر می‌باشد که نظرات افراد حاضر در این نمونه آماری درباره عوامل اصلی صادرات کفش مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به این نکته که داده‌های جمع‌آوری شده همگی از نمونه آماری حاصل شده‌اند برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و آزمون فرضیه‌های ارائه شده پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های مربوط، مراحل ذیل را برای تجزیه و تحلیل داده‌ها پیشنهاد گردید.

مرحله اول: پس از اینکه پاسخ‌دهندگان به سئوالات پرسشنامه، پرسشنامه مورد نظر را به صورت صحیح تکمیل نمودند به آن عامل خدماتی که بیشترین اهمیت را از نظر پاسخ‌دهنده داشته است، نمره ۵ داده می‌شود و به عاملی که در درجه دوم اهمیت

قرار گرفته است نمره ۴ داده می شود و این کار تا به آخر ادامه می یابد یعنی نمره عاملی که کمترین اهمیت را دارد برابر با یک می شود.

مرحله دوم: با توجه به نحوه سیستم نمره دهی معرفی شده برای پاسخ هر سؤال یک جدول تشکیل داده شده که در آن فراوانی نسبی پاسخ به هر گزینه را مشخص کرده است و سپس بر اساس آن میانگین - مد - میانه را محاسبه کرده و با توجه به آن ضریب چولگی (S.K) پاسخ به هر سؤال را مشخص کرده و با توجه به این نتیجه گرفته شده میزان اهمیت پاسخ هر سؤال را از نظر پاسخ دهندگان مشخص گردیده و نیز میزان خطای استاندارد و انحراف استاندارد مشخص گردیده و همچنین بیشترین و کمترین هر سؤال را با سئوالات فرضیه مورد نظر مشخص گردیده است. مرحله سوم: در این مرحله پاسخهای داده شده سئوالات به هر فرضیه را جمع آوری کرده و با استفاده از آزمون استقلال تک نمونه ای (X^2 - خی دو) در سطح اطمینان ۹۵٪ به بررسی نتایج حاصل از تحقیق پرداخته و میزان معنی دار بودن یا نبودن فرضیه را مشخص کرده و بر اساس آن به تصمیم گیری در مورد رد یا قبول فرضیه های مورد نظر می پردازیم.

اعتبار پرسشنامه

شرط به دست آوردن داده های خوب این است که شیوه اندازه گیری ویژگیهای پدیده ها، دارای اعتبار و روایی کافی باشد. پژوهشگر بعد از اختصاص اعداد به چیزها، افراد یا رویدادها (بر پایه قواعد معین) باید با این مسأله (اعتبار و روایی) روبه رو شود. مقصود از روایی آن است که وسیله اندازه گیری به موقع بتواند خصیصه مورد نظر را اندازه گیری نماید و نه خصیصه دیگری را. در این تحقیق سئوالات پرسشنامه مناسب با مبانی نظری و جزئیات تعریف شده هر کدام از متغیرها طراحی شده است. پژوهش حاضر یک بررسی توصیفی تحلیلی است و ابزار جمع آوری داده ها

پرسشنامه و مشاهده بوده است برای کسب اعتبار علمی پرسشنامه از تست اعتبار پرسشنامه α استفاده شده است و پس از طراحی پرسشنامه یک مطالعه مقدماتی صورت گرفته و سئوالات نامفهوم تعدیل و یا حذف شده‌اند، پرسشنامه قبل از توزیع توسط ۱۵ نفر از کارکنان تکمیل و تست گردیده است و پرسشنامه اصلی بعد از این مرحله تدوین و توزیع شده است.

لذا روایی سئوالات از نظر محتوای اثبات شده است. منظور از اعتبار یک وسیله اندازه‌گیری آن است که اگر خصیصه مورد سنجش را با همان وسیله تحت شرایط مشابه دوباره اندازه بگیریم نتایج حاصله تا حد مشابه دقیق و قابل اعتماد است. و پس از تکمیل پرسشنامه نیز آزمون قابلیت اطمینان انجام شده با $86/89$ درصد اطمینان روایی آن تأیید گردیده است.

تجزیه و تحلیل سئوالات پرسشنامه

پرسشنامه شامل ۲۰ سؤال می‌باشد که بر مبنای مقیاس لیکرت به صورت بسته طراحی گردیده است و سئوالات یک تا پنج به سنجش فرضیه چهارم پرداخته و سئوالات شش تا یازده مربوط به سنجش فرضیه سوم می‌باشد و سئوالات دوازده تا شانزده مربوط به فرضیه دوم می‌باشد و سئوالات هفده تا بیست مربوط به فرضیه اول می‌باشد.

در صورتیکه بیش از ۶۰ درصد پاسخها زیاد و خیلی زیاد باشند تأثیر تغییرات نرخ ارزش مؤثر خواهد بود. جامعه آماری مورد بررسی جامعه کارکنان گروه صنعتی کفش ملی می‌باشد که به علت محدود بودن تماماً به عنوان نمونه آماری انتخاب شده و تعداد ۱۵۰ پرسشنامه میان آنان توزیع شده که از این تعداد ۱۳۰ پرسشنامه تکمیل شده و جمع‌آوری گردیده است.

همچنان که در آغاز عنوان شد با توجه به اینکه نمونه و جامعه آماری یکسان می‌باشد و بیش از ۸۶ درصد پرسشنامه توزیع شده نیز جمع‌آوری شده‌اند، لذا برای بررسی تأیید یا رد فرضیات از تکنیکهای آمار توصیفی استفاده شده است.

آزمون استقلال خی - دو (X^2)^(۱)

آزمون خی - دو (X^2) یکی از آزمونهای ناپارامتریک است که در مورد داده‌های ناپیوسته به کار می‌رود و برای سنجش عدم وابستگی است یعنی که یک متغیر از متغیر دیگر تأثیر نمی‌پذیرد یا رابطه‌ای با آن ندارد. برای بررسی رابطه معنی‌دار بودن با استقلال دو متغیر که حداقل یکی از آنها متغیر کیفی باشد از آزمون استقلال کای - دو (X^2) استفاده می‌شود. مراحل چهارگانه آزمون فرض در این آزمون به شرح زیر می‌باشد:

(۱) تعریف فرضیات آماری H_0 , H_1 :

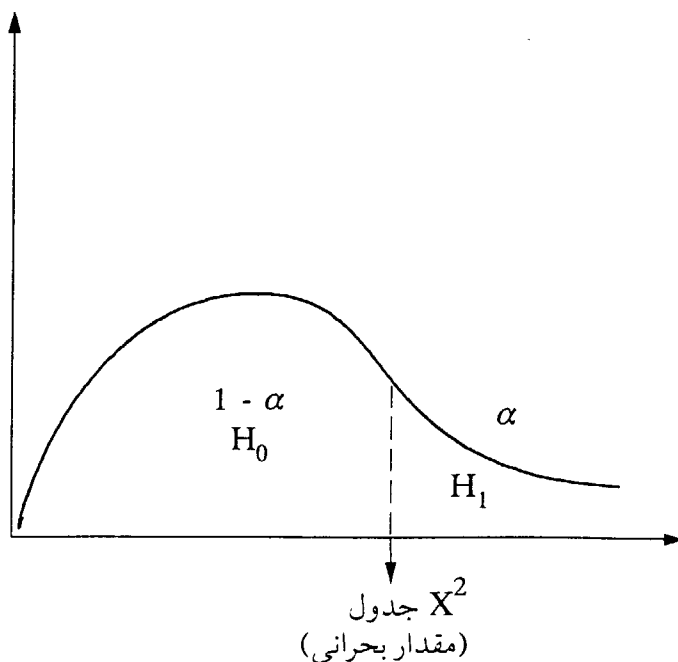
H_0 : $Cov(x, y) = 0$ (استقلال) بین دو متغیر x و y ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

H_1 : $Cov(x, y) \neq 0$ (عدم استقلال) بین دو متغیر x و y ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

(۲) تعیین سطح زیر منحنی H_0 , H_1 :

آزمون فرض استقلال خی - دو (X^2) همواره یک دامنه است که H_0 به اندازه α در

دنباله سمت راست آن واقع می‌شود:



(۳) محاسبه آماره آزمون:

آماره آزمون استقلال کای - دو (χ^2) به صورت تعریف می شود:

$$\chi^2 = \frac{\sum_{i=1}^k (F_{0i} - F_{ei})^2}{F_{ei}}$$

$$F_{0i} = \text{فراوانی مشاهده شده} \quad F_{ei} = \frac{\text{مجموع سطر} \times \text{مجموع ستون}}{n}$$

F_{ei} : فراوانی مورد انتظار (تئوریک)

ذکر این نکته ضروری است که توزیع پیوسته کای - دو (χ^2) به نظر می رسد تک نمونه ای χ^2 را به خوبی تقریب بزند، مشروط بر آنکه تعداد درجات آزادی بزرگتر از یک باشد. در جداول 2×2 که در آن فقط یک درجه آزادی خواهیم داشت، تصحیحی به نام (تصحیح جهت پیوستگی Yates) مورد نیاز خواهد بود این فرمول تصحیح به صورت زیر

است:

$$\chi^2 = \frac{\sum_{i=1}^k (|F_{0i} - F_{ei}| - 0.5)^2}{F_{ei}} \quad \text{تصحیح شده}$$

(۴) تصمیم گیری:

در این مرحله مقدار χ^2 محاسبه شده با سطح استاندارد α (χ^2 جدول) مقایسه می شود. در صورتیکه χ^2 محاسبه شده کوچکتر از χ^2 جدول باشد فرض H_0 تأیید می گردد یعنی بین دو متغیر X و Y ارتباط معنی داری وجود ندارد و در غیر این صورت فرض H_1 رد می گردد.

(۱) ضریب توافق پیرسون

اگر پس از انجام آزمون خی - دو (χ^2) رابطه معنی داری بین دو متغیر وجود داشته باشد، نوبت به تعیین میزان این ارتباط می رسد. در این رابطه از ضریب توافق پیرسون

استفاده می شود.

هر چه مقدار C بزرگتر باشد درجه وابستگی صفات نسبت به هم بیشتر است و مقدار ماکزیمم آن برابر با $\sqrt{\frac{k-1}{k}}$ می باشد، لذا هرگز از یک بزرگتر نمی باشد که در آن k عبارتست از تعداد سطرها یا ستونهایی که با هم برابرند.

$$C = \sqrt{\frac{x^2}{x^2 + N}}$$

(N): در این فرمول تعداد کل فراوانیها می باشد).

آزمون همبستگی^(۱)

برای بررسی همبستگی بین دو متغیر از آزمون همبستگی استفاده می شود که دارای مراحل ذیل می باشد:

$$\begin{cases} H_0: \text{بین دو متغیر در سطح جامعه همبستگی وجود ندارد.} \\ H_1: \text{بین دو متغیر در سطح جامعه همبستگی وجود دارد.} \end{cases}$$

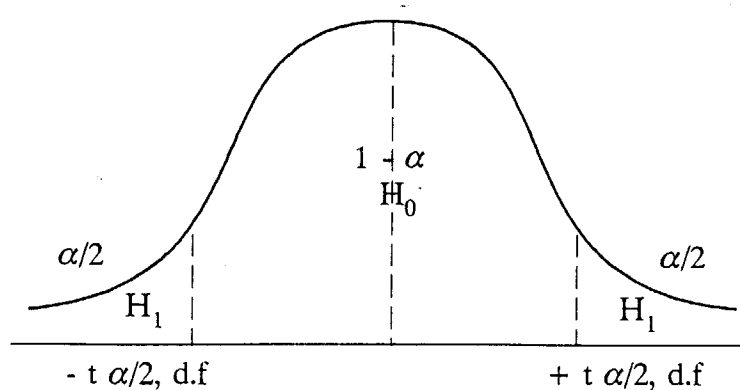
(۱) تعریف فرضیات آماری H_0, H_1 :

پارامتر (ρ) برای تعیین همبستگی در سطح جامعه به کار می رود و آماره مربوط به آن در سطح نمونه (r) می باشد.

(۲) تعیین سطح زیر منحنی H_0, H_1 :

این آزمون دو دامنه است و سطوح زیر منحنی در دو دنباله برابر $\frac{\alpha}{2}$ خواهد بود. در صورتیکه n کوچکتر یا مساوی ۳۰ باشد از جدول t استیودنت و در غیر اینصورت ($n > 30$) از جدول Z استفاده می شود.

۱- محمد نوفرستی، آمار و اقتصاد بازرگانی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، جلد دوم، ۱۳۶۸،



(۳) محاسبه آماره آزمون:

$$t = r \times \sqrt{\frac{N-2}{1-r^2}}$$

آماره آزمون به صورت زیر می باشد.

در این فرمول r ضریب همبستگی نمونه و N تعداد نمونه می باشد.

(۴) تصمیم گیری

در این مرحله t محاسبه شده با t جدول مقایسه می شود اگر t محاسبه شده در ناحیه H_1 قرار گرفته باشد می توان نتیجه گرفت که فرض H_0 رد می شود و لذا دو متغیر با هم همبستگی دارند. در صورتیکه t محاسبه شده در دنباله سمت راست منحنی باشد همبستگی دو متغیر مثبت و اگر در دنباله سمت چپ منحنی واقع شده باشد همبستگی دو متغیر به صورت منفی خواهد بود.

محاسبه ضریب همبستگی (ρ یا r)^(۱)

برای تعیین درجه همبستگی بین دو متغیر X و Y به کار می رود. مقدار همبستگی همیشه بین یک و منفی یک است زمانی که $\rho = +1$ است تمام نقاط روی خط راست قرار

۱- محمد نوفرستی، (آمار و کاربرد آن در اقتصاد بازرگانی)، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی،

دارند و همبستگی مثبت را نشان می‌دهد یعنی ضریب زاویه خط مثبت است و نشان‌دهنده شدت رابطه مستقیم بین x و y است.

اگر $\rho = -1$ باشد وجود همبستگی منفی را نشان می‌دهد و نشان‌دهنده شدت رابطه معکوس بین x و y است هر چه ρ از صفر به سمت $+1$ و -1 میل کند شدت رابطه افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\rho = \frac{\text{Cov}(x, y)}{S_x S_y}$$

اگر متغیرها کیفی باشد برای همبستگی از فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$R_{sp} = \frac{\sum_{i=1}^n \left[R_i - \frac{n+1}{2} \right] \left[S_i - \frac{n+1}{2} \right]}{\frac{n [n^2 - 1]}{12}}$$

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری

تجزیه و تحلیل سؤالات فرضیه اول

سؤالات هفدهم تا بیستم پرسشنامه مربوط به اثبات فرضیه اول می باشد

جدول اول: "به نظر شما تغییرات نرخ ارز بر روی صادرات کفش تا چه حدی تأثیر دارد؟"

پاسخ سؤال	خیلی کم	کم	تأثیر ندارد	زیاد	خیلی زیاد
فراوانی نسبی	۱/۵	۰/۸	۱/۵	۳۰/۰	۶۶/۲

در این سؤال $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد و مقدار میانگین برابر $۴/۵۸۵$ می باشد مقدار ضریب چولگی $-۲/۵۸۵$ می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و این نشان می دهد که میزان پراکندگی پاسخهای داده شده به این سؤال دارای چوله به چپ می باشد ($S.k < 0$) می باشد. و بیشترین پاسخهای داده شده به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (خیلی زیاد) و بعد از آن روی جواب (زیاد) می باشد و این بیانگر این می باشد که اگر نرخ ارز تغییر کند تأثیر آن بر روی صادرات کفش خیلی زیاد می باشد میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر $۰/۷۱۳$ و $۰/۰۶۳$ می باشد.

مقدار ضریب همبستگی بین سؤال هفدهم و نوزدهم $۰/۶۶۹۳$ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال هفدهم و بیستم $۰/۵۲۵۸$ می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال هفدهم را با دیگر سؤالات فرضیه اول نشان می دهد.

جدول دوم: "به نظر شما افزایش نرخ ارز باعث می شود که صادرات کفش چه حالتی پیدا کند؟"

پاسخ سؤال	کاهش زیاد	کاهش کم	تأثیری ندارد	افزایش کم	افزایش زیاد
فراوانی نسبی	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۳۰/۰	۶۵/۴

در این سؤال $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد و

مقدار میانگین برابر $4/562$ می باشد مقدار ضریب چولگی $2/479$ - می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و این نشان می دهد که میزان پراکندگی پاسخهای داده شده به این سؤال دارای حالت چوله به چپ می باشد ($S.k < 0$) می باشد. و بیشترین پاسخهای داده شده به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (افزایش زیاد) و بعد روی جواب (افزایش کم) می باشد و نتیجه می گیریم که اگر نرخ ارز افزایش یابد میزان صادرات کفش نیز خیلی زیاد افزایش می یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر $0/747$ و $0/066$ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال هیجدهم و نوزدهم $0/6619$ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال هیجدهم و بیستم $0/5573$ می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال هیجدهم را با دیگر سؤالات فرضیه اول نشان می دهد.

جدول سوم: "به نظر شما رابطه بین نرخ ارز و صادرات کفش چگونه می باشد؟"

پاسخ سؤال	معکوس کامل	معکوس ناقص	رابطه ای ندارند	مستقیم ناقص	مستقیم کامل
فراوانی نسبی	2/3	1/5	5/4	12/3	78/5

در این سؤال $N = 130$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر 5 می باشد و مقدار میانگین برابر $4/631$ می باشد مقدار ضریب چولگی $2/723$ - می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و این نشان می دهد که میزان پراکندگی پاسخهای داده شده به این سؤال دارای چوله به چپ ($S.k < 0$) می باشد و بیشترین پاسخهای داده شده به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (مستقیم کامل) و بعد از آن روی (مستقیم ناقص) می باشد و این بیان کننده این مطلب می باشد که اگر نرخ ارز یک درصد بالا رود صادرات کفش هم به همان میزان افزایش می یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر با $0/846$ و $0/074$ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال نوزدهم و بیستم $0/7371$ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال نوزدهم و هیجدهم $0/6619$ می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال نوزدهم را با بقیه سؤالات فرضیه اول نشان می دهد.

جدول چهارم: "اگر نرخ ارز برای مدت طولانی ثابت فرض شود، صادرات کفش در این مدت به نظر شما چه تغییری پیدا می کند؟"

پاسخ سؤال	خیلی کاهش می یابد	کم کاهش می یابد	تغییر نمی کند	کم افزایش می یابد	خیلی افزایش می یابد
فراوانی نسبی	۳/۱	۴/۶	۱/۵	۳۳/۱	۵۷/۷

در این سؤال $N = 130$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد و مقدار میانگین $4/377$ می باشد مقدار ضریب چولگی $-2/002$ می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و این نشان می دهد که پراکندگی پاسخهای داده شده به این سوال دارای حالت چوله به چپ ($S.k < 0$) می باشد. و بیشترین پاسخهای داده شده به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (خیلی افزایش می یابد) و بعد روی جواب (کم افزایش می یابد) می باشد و با توجه به آن نتیجه می گیریم که اگر نرخ ارز در بلند مدت ثابت فرض شود صادرات کفش خیلی افزایش می یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سوال به ترتیب برابر $0/959$ و $0/084$ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال بیستم و نوزدهم $0/7371$ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال بیستم و هفدهم $0/5258$ می باشد و به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی بین سؤال بیستم و دیگر سؤالات فرضیه اول نشان می دهد.

آزمون استقلال X_2 (خی - دو) برای فرضیه اول :

امتیازبندی پاسخ سؤالات فرضیه اول	FO_i فراوانی مشاهده شده	Fe_i فراوانی مورد انتظار
الف = ۱	۱۱	۱۰۴
ب = ۲	۱۱	۱۰۴
ج = ۳	۱۳	۱۰۴
د = ۴	۱۳۷	۱۰۴
ه = ۵	۳۴۸	۱۰۴
جمع	۵۲۰	

۱- تعریف فرضیات آماری H_0, H_1 :

بین نرخ ارز و صادرات کفش گروه صنعتی کفش ملی ارتباط معنی داری وجود

$$H_0 : \text{Cov}(x, y) = 0$$

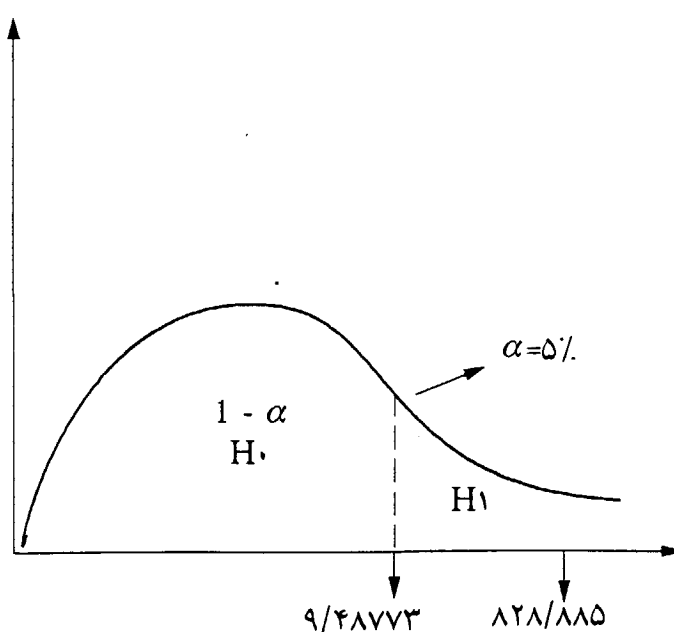
ندارد. (استقلال)

بین نرخ ارز و صادرات کفش گروه صنعتی کفش ملی ارتباط معنی داری وجود دارد.

$$H_1 : \text{Cov}(x, y) \neq 0$$

(عدم استقلال)

۲- تعیین سطح زیر منحنی H_0 و H_1 :



$$x^2 \text{ جدول} \begin{cases} \alpha = 5\% \\ \text{مقدار بحرانی} \rightarrow 9/48773 \\ d.f = n - 1 = 5 - 1 = 4 \end{cases}$$

۳- محاسبه آماره آزمون :

$$x^2 \text{ محاسبه شده} = \sum_{i=1}^N \frac{(Fo_i - Fe_i)^2}{Fe_i} = \frac{(11-10.4)^2 + (11-10.4)^2 + (13-10.4)^2 + (137-10.4)^2 + (348-10.4)^2}{10.4} = 828/885$$

جدول اطلاعات آماری فرضیه اول

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	میزان خطا	خی - دو محاسباتی	خی - دو جدول	درجه آزادی d.f	نتیجه
اول	میزان صادرات کفش	نرخ ارز	۵٪	۸۲۸/۸۸۵	۹/۴۸۷۷۳	۴	پذیرش H_1

۴- تصمیم‌گیری

همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار x^2 (خی - دو) محاسباتی برابر با ۸۲۸/۸۸۵ می‌باشد در حالیکه x^2 (خی - دو) جدول برابر با ۹/۴۸۷۷۳ است. بنابراین با توجه به نتایج بالا می‌توان چنین عنوان کرد که در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه معنی‌داری بین میزان تغییرات نرخ ارز و میزان صادرات کفش در گروه صنعتی کفش ملی وجود دارد.

تجزیه و تحلیل سؤالات فرضیه دوم :

سؤالات دوازدهم تا شانزدهم مربوط به اثبات فرضیه دوم می‌باشد.

جدول پنجم : "به نظر شما تغییرات نرخ ارز بر روی سودآوری شرکت تا چه حد تأثیر دارد؟"

پاسخ سؤال	خیلی کم	کم	تأثیر ندارد	زیاد	خیلی زیاد
فراوانی نسبی	۰/۸	۰/۸	۵۳/۸	۶۸/۵	۲۶/۲

در این سؤال $N = 130$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۴ می باشد و مقدار میانگین برابر $4/185$ می باشد و مقدار ضریب چولگی برابر $1/166$ - می باشد و این بیانگر این می باشد که نمودار پاسخها به این سؤال تقریباً دارای حالت چوله به چپ می باشد و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (زیاد) و بعد روی جواب (خیلی زیاد) می باشد و این نشان می دهد که اگر نرخ ارز تغییر یابد سودآوری صنعت کفش نیز به دنبال آن به مقدار زیادی تغییر می یابد (بالا می رود). میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر با $0/607$ و $0/053$ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال دوازدهم و سیزدهم $0/3914$ می باشد و مقدار ضریب همبستگی بین سؤال دوازدهم و پانزدهم $0/0793$ می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان وابستگی سؤال دوازدهم را با دیگر سوالات فرضیه دوم نشان می دهد.

جدول ششم: "به نظر شما افزایش نرخ ارز باعث می شود که سودآوری شرکت چه تغییری پیدا کند؟"

پاسخ سؤال	کاهش زیاد	کاهش کم	بدون تغییر	افزایش کم	افزایش زیاد
فراوانی نسبی	۰/۸	۱/۵	—	۳۴/۶	۶۳/۱

در این سؤال $N = 130$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد و مقدار میانگین برابر $4/577$ می باشد و مقدار ضریب چولگی برابر $2/285$ - می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و این نشان می دهد که پراکندگی پاسخ به این سؤال حول چوله به چپ متمرکز شده است ($S.k < 0$) می باشد. و بیشترین پاسخها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (افزایش زیاد) و بعد روی جواب (افزایش کم) می باشد. و این بدان معنی می باشد که اگر نرخ ارز افزایش یابد این باعث می شود که سودآوری شرکت به میزان زیادی افزایش یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای

استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر با ۰/۶۵۷ و ۰/۰۵۸ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال سیزدهم و چهاردهم ۰/۵۷۳۰ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال سیزدهم و پانزدهم ۰/۱۷۱۶ می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان وابستگی سؤال سیزدهم را با سؤالات فرضیه دوم نشان می دهد.

جدول هفتم: "به نظر شما رابطه بین نرخ ارز و سودآوری صنعت کفش چگونه می باشد؟"

پاسخ سؤال	رابطه معکوس کامل	رابطه معکوس ناقص	رابطه ای ندارند	رابطه مستقیم ناقص	رابطه مستقیم کامل
فراوانی نسبی	۰/۸	۲/۳	۲/۳	۱۴/۶	۸۰/۰

در این سؤال $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد و مقدار میانگین برابر ۴/۷۰۸ می باشد مقدار ضریب چولگی ۲/۹۹۷- می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و این نشان می دهد که تعداد پاسخهای داده شده به این سؤال دارای حالت چوله به چپ ($S.k < 0$) می باشد و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (رابطه مستقیم کامل) و بعد با درصد خیلی کمی نسبت به این جواب، روی جواب (رابطه مستقیم ناقص) می باشد و این نشان می دهد که نرخ ارز با سودآوری صنعت کفش رابطه مستقیم کامل دارد یعنی با افزایش یک واحد نرخ ارز میزان سودآوری صنعت کفش هم با همان میزان افزایش می یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سوال به ترتیب برابر با ۰/۶۹۸ و ۰/۰۶۱ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال چهاردهم و سیزدهم ۰/۵۷۳۰ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال چهاردهم و پانزدهم ۰/۰۵۱۱- می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال چهاردهم را با سؤالات فرضیه دوم نشان می دهد.

جدول هشتم: "به نظر شما افزایش نرخ ارز چه تأثیری بر روی قیمت هر سهم (EPS) شرکت تولیدی کفش در بورس اوراق بهادار تهران دارد؟"

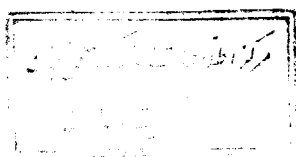
پاسخ سؤال	کاهش زیاد	کاهش کم	تأثیری ندارد	افزایش کم	افزایش زیاد
فراوانی نسبی	۲/۳	۴۵/۴	۴۴/۶	۷/۷	—

در این سؤال $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۲ می باشد و مقدار میانگین برابر ۲/۵۷۷ می باشد مقدار ضریب چولگی ۰/۲۶۶ می باشد یعنی $Mo = Md < \mu$ می باشد و این نشان می دهد که تعداد پاسخهای داده شده به این سؤال دارای حالت تقریباً چوله به راست می باشد ($S.k < 0$). و بیشترین پاسخهای داده شده به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (کاهش کم) و بعد تقریباً به همین میزان روی جواب (تأثیری ندارد) می باشد و چون در درجه اول اهمیت روی پاسخ (کاهش کم) می باشد پس می توان نتیجه گیری کرد که اگر نرخ ارز افزایش یابد قیمت هر سهم (EPS) شرکت تولیدی کفش در بورس اوراق بهادار تهران کاهش می یابد منتهی کاهش آن کم می باشد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر ۰/۶۶۹ و ۰/۰۵۹ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال پانزدهم و سیزدهم ۰/۱۷۱۶ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال پانزدهم و چهاردهم ۰/۰۵۱۱- می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان وابستگی سؤال پانزدهم را با بقیه سؤالات فرضیه دوم نشان می دهد.

جدول نهم: "اگر نرخ ارز برای مدت طولانی ثابت فرض شود، به نظر شما قیمت هر سهم (EPS) شرکتهای تولیدی کفش در بورس اوراق بهادار تهران چه تغییری می یابد؟"

پاسخ سؤال	خیلی کاهش می یابد	کم کاهش می یابد	تغییر نمی کند	کم افزایش می یابد	خیلی افزایش می یابد
فراوانی نسبی	۲/۳	۹/۲	۸۳/۱	۲/۳	۳/۱



در این سؤال مقدار $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۳ می باشد و مقدار میانگین $۲/۹۴۶$ می باشد و مقدار ضریب چولگی برابر $۰/۲۴۵$ می باشد یعنی $Mo = Md \approx \mu$ می باشد یعنی بیشترین پاسخهای داده شده به این سؤال حول مرکز متمرکز شده است و بیشترین پاسخهای داده شده به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن روی جواب (تغییری نمی کند) می باشد و بعد از آن درصد کمی روی جواب (کم کاهش می یابد) تاکید کرده اند و این نشان می دهد که اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود قیمت هر سهم (EPS) شرکتهای تولیدی کفش در بورس اوراق بهادار تهران تغییری نمی کند. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر $۰/۵۷۵$ و $۰/۰۵۰$ می باشد.

میزان ضریب همبستگی این سؤال (سؤال شانزدهم) با سؤال چهاردهم $۰/۲۶۹۵$ می باشد و میزان ضریب همبستگی سؤال شانزدهم با سؤال پانزدهم $۰/۰۱۹۴$ - می باشد و این به ترتیب بیشترین و کمترین وابستگی بین سؤال شانزدهم و دیگر سؤالات فرضیه دوم را نشان می دهد.

آزمون استقلال X_2 برای فرضیه دوم

Fe_i فراوانی مورد انتظار	Fo_i فراوانی مشاهده شده	امتیازبندی پاسخ سؤالات فرضیه دوم
۱۳۰	۹	الف = ۱
۱۳۰	۷۷	ب = ۲
۱۳۰	۱۷۴	ج = ۳
۱۳۰	۱۶۶	د = ۴
۱۳۰	۲۲۴	ه = ۵
	۶۵۰	جمع

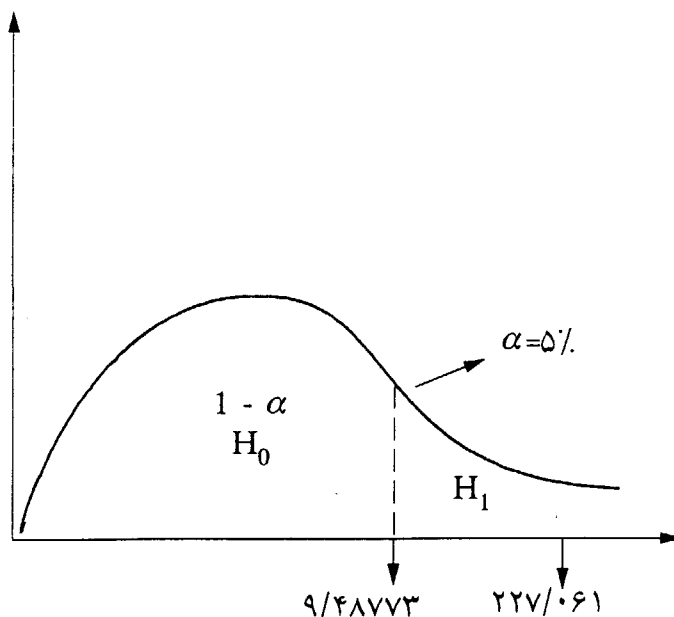
۱- تعریف فرضیات آماری H_0, H_1 :

بین نرخ ارز و میزان سودآوری صنعت کفش ارتباط معنی داری وجود ندارد.

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{Cov}(x, y) = 0 \quad (\text{استقلال}) \\ H_1: \text{Cov}(x, y) \neq 0 \quad (\text{عدم استقلال}) \end{array} \right.$$

بین نرخ ارز و میزان سودآوری صنعت کفش ارتباط معنی داری وجود دارد.

۲- تعیین سطح زیر منحنی H_0, H_1 :



۳- محاسبه آماره آزمون

$$x^2 \left\{ \begin{array}{l} \alpha = 5\% \\ \text{مقدار بحرانی} \rightarrow 9/48773 \\ d.f = n - 1 = 4 \end{array} \right.$$

$$x^2 = \sum_{i=1}^N \frac{(F_{0i} - F_{e_i})^2}{F_{e_i}} = \frac{(9-130)^2 + (77-130)^2 + (174-130)^2 + (166-130)^2 + (224-130)^2}{130} = 227/061$$

محاسبه شد:

خلاصه اطلاعات آماری فرضیه دوم

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	میزان خطا	خی - در محاسباتی	خی - در جدول	درجه آزادی d.f	نتیجه
دوم	میزان سودآوری صنعت کفش	نرخ ارز	۵٪	۲۲۷/۰۶۱	۹/۴۸۷۷۳	۴	پذیرش H_1

۴- تصمیم‌گیری

همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار X^2 (خی - دو) محاسباتی برابر با ۲۲۷/۰۶۱ می‌باشد در حالیکه X^2 (خی - دو) جدول برابر با ۹/۴۸۷۷۳ است. بنابراین با توجه به نتایج بالا می‌توان چنین عنوان کرد که در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه معنی‌داری بین میزان تغییرات نرخ ارز و میزان سودآوری صنعت کفش در گروه صنعتی کفش ملی وجود دارد.

جدول دهم: به نظر شما افزایش نرخ ارز باعث می‌شود که در قیمت تمام‌شده کفش چه تغییری ایجاد شود؟

پاسخ سؤال	کاهش زیاد	کاهش کم	بدون تغییر	افزایش کم	افزایش زیاد
فراوانی نسبی	—	۰/۸	۳/۸	۳۱/۵	۶۳/۸

در این سؤال مقدار $N = ۱۳۰$ می‌باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می‌باشد مقدار میانگین ۴/۵۸۵ می‌باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می‌باشد و مقدار ضریب چولگی برابر ۱/۳۸۵- می‌باشد و این نشان‌دهنده این است که پراکندگی جوابها به این سؤال دارای حالت چوله به چپ ($S.k < 0$) می‌باشد و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (افزایش زیاد) و بعد روی جواب (افزایش کم) می‌باشد. و این بیان می‌دارد که اگر نرخ ارز افزایش یابد مقدار قیمت تمام‌شده کفش به مقدار زیادی افزایش می‌یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر ۰/۶۰۷ و ۰/۰۵۳ می‌باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال ششم و هشتم ۰/۶۱۵۱ می باشد و مقدار ضریب همبستگی بین سؤال ششم و دهم ۰/۲۱۶۴- می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال ششم را با سؤالات فرضیه سوم نشان می دهد.

جدول یازدهم: "به نظر شما تغییرات نرخ ارز به روی هزینه های ثابت تولید کفش چه تأثیری دارد؟"

پاسخ سؤال	خیلی کم تأثیر دارد	کم تأثیر دارد	تأثیر ندارد	زیاد تأثیر دارد	خیلی زیاد تأثیر دارد
فراوانی نسبی	۲/۳	۱۴/۶	۷۴/۶	—	۸/۵

در این سؤال مقدار $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۳ می باشد مقدار میانگین ۲/۹۷۷ می باشد (یعنی $Mo = Md = \mu$) میانگین با میانه و مُد اختلاف کمی دارد. یعنی پراکندگی جوابها به این سؤال حول مرکز می باشد و مقدار ضریب چولگی ۰/۸۹۳ می باشد و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به اهمیت، اول روی جواب (تأثیر ندارد) و بعد از آن روی جواب (کم تأثیر دارد) می باشد و این بیان کننده این است که اگر نرخ ارز تغییر کند روی هزینه های ثابت تولید کفش تأثیر ندارد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر ۰/۷۶۲ و ۰/۰۶۷ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال هفتم و نهم ۰/۲۸۵۵ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال هفتم و دهم ۰/۱۳۶۹ می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال هفتم و سؤالات فرضیه سوم نشان می دهد.

جدول دوازدهم: "به نظر شما تأثیر تغییرات نرخ ارز بر روی هزینه های متغیر تولید کفش چگونه است؟"

پاسخ سؤال	خیلی کم	کم	تأثیر ندارد	زیاد	خیلی زیاد
فراوانی نسبی	۰/۸	۱/۵	۱/۵	۳۹/۲	۵۶/۹

در این سؤال $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد و مقدار میانگین برابر $۴/۵$ می باشد مقدار ضریب چولگی برابر $۱/۹۱۲$ - می باشد و این بیانگر این می باشد که پراکندگی پاسخها به این سؤال دارای چوله به چپ ($S.K < 0$) یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (خیلی زیاد) و بعد روی جواب (زیاد) متمرکز می باشد و این نشان می دهد که اگر نرخ ارز تغییر یابد هزینه های متغیر تولید نیز به دنبال آن به طور خیلی زیادی تغییر می یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سوال به ترتیب برابر $۰/۶۸۵$ و $۰/۰۶۰$ می باشد. مقدار ضریب همبستگی بین سؤال هشتم و اول برابر $۰/۶۱۵۱$ می باشد و مقدار ضریب همبستگی بین سؤال هشتم و دهم برابر $۰/۱۱۶۳$ - می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال هشتم را با سؤالات فرضیه سوم نشان می دهد.

جدول سیزدهم: "به نظر شما تغییرات نرخ ارز بر روی قیمت مواد اولیه کفش چگونه می باشد؟"

پاسخ سؤال	خیلی کم	کم	تأثیر ندارد	زیاد	خیلی زیاد
فراوانی نسبی	—	۱/۵	۵/۴	۲۶/۲	۶۶/۹

در این سؤال $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد و مقدار میانگین برابر $۴/۵۸۵$ می باشد مقدار ضریب چولگی برابر $۱/۶۶۲$ - می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ و این نشان می دهد که میزان پراکندگی پاسخهای داده شده به این سوال دارای حالت چوله به چپ ($S.k < 0$) می باشد. و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت اول روی جواب (خیلی زیاد) و بعد روی جواب (زیاد) متمرکز شده است و این بدان معنی می باشد که اگر نرخ ارز تغییر یابد تأثیر زیادی روی قیمت مواد اولیه کفش خواهد گذاشت. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر $۰/۶۶۸$ و $۰/۰۵۹$ می باشد.

مقدار ضریب همبستگی بین سؤال نهم و هشتم برابر $0/5422$ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال نهم و دهم برابر $0/0500$ - می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال نهم را با سؤالات فرضیه سوم نشان می دهد.

جدول چهارم: "به نظر شما تغییرات نرخ ارز چه میزان بر روی دستمزد کارکنان تأثیر دارد؟"

پاسخ سؤال	خیلی کم	کم	تأثیر ندارد	زیاد	خیلی زیاد
فراوانی نسبی	۰/۸	۲۴/۶	۶۶/۹	۵/۴	۲/۳

در این سؤال $N = 130$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۳ می باشد و میانگین برابر $2/838$ می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و این نشان می دهد که پراکندگی جوابها به این سؤال حول مرکز متمرکز شده اند و میزان ضریب چولگی برابر $0/515$ می باشد و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، در درجه اول روی جواب (تأثیر ندارد) و بعد روی جواب (کم) متمرکز شده است و این نشان می دهد که اگر نرخ ارز تغییر پیدا کند دستمزد کارکنان تغییری نمی یابد و یا کم تغییر می کند. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر $0/633$ و $0/055$ می باشد. میزان ضریب همبستگی بین سؤال دهم و هفتم برابر $0/1369$ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال دهم و ششم برابر $0/2164$ - می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال دهم با سؤالات فرضیه سوم نشان می دهد.

جدول پانزدهم: "اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود، در این حالت به نظر شما قیمت تمام شده کفش چه تغییری پیدا می کند؟"

پاسخ سؤال	خیلی کاهش می یابد	کم کاهش می یابد	تغییر نمی کند	کم افزایش می یابد	خیلی افزایش می یابد
فراوانی نسبی	۴/۶	۳/۸	۲/۳	۷۶/۹	۱۲/۳/

در این سؤال $N = ۱۳۰$ می باشد و میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۴ می باشد و میانگین $۳/۸۸۵$ می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد در اینجا چولگی پاسخها تقریباً به سمت چپ می باشد و میزان ضریب چولگی برابر $۲/۰۸۰$ می باشد و بیشترین جوابها با توجه به درجه اهمیت آن در درجه اول روی جواب (کم افزایش می یابد) می باشد و بعد با درصد خیلی کمی یعنی ۱۶% روی جواب (خیلی افزایش می یابد) تمرکز پیدا کرده است و این نشان می دهد که اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود قیمت تمام شده کفش کم افزایش می یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر با $۰/۸۴۱$ و $۰/۰۷۴$ می باشد.

آزمون استقلال X_2 برای فرضیه سُم

طبقه بندی پاسخ سؤالات فرضیه دوم	Fe_i فراوانی مورد انتظار	Fo_i فراوانی مشاهده شده
۱ = الف	۱۵۶	۱۱
۲ = ب	۱۵۶	۶۱
۳ = ج	۱۵۶	۲۰۱
۴ = د	۱۵۶	۲۳۳
۵ = هـ	۱۵۶	۲۷۴
جمع		۷۸۰

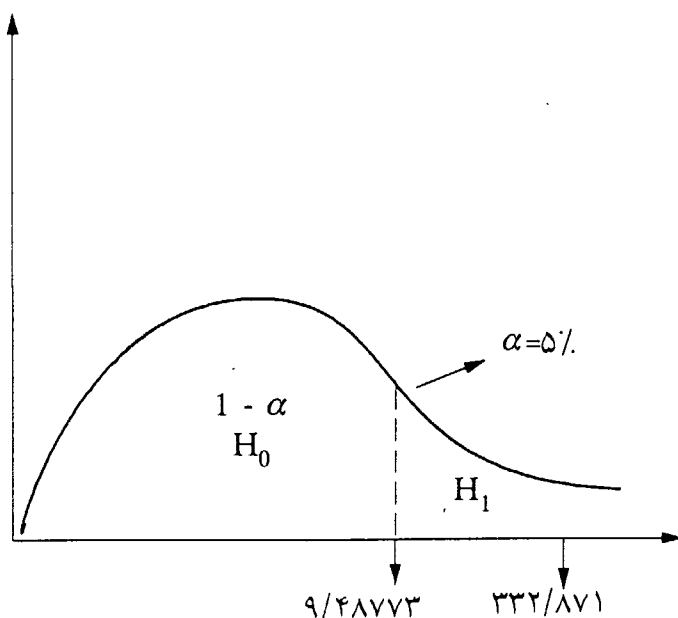
۱- تعریف فرضیات آماری H_1, H_0 :

بین نرخ ارز و قیمت تمام شده کفش ارتباط معنی داری وجود ندارد.

$$\left\{ \begin{array}{ll} H_0 : \text{Cov}(x, y) = 0 & (\text{استقلال}) \\ H_1 : \text{Cov}(x, y) \neq 0 & (\text{عدم استقلال}) \end{array} \right.$$

بین نرخ ارز و قیمت تمام شده کفش ارتباط معنی داری وجود دارد.

۲- تعیین سطح زیر منحنی H_1, H_0 :



۳- محاسبه آماره آزمون

$$x^2 \begin{cases} \alpha = 5\% \\ \text{مقدار بحرانی} \rightarrow 9/48773 \\ d.f = n - 1 = 5 - 1 = 4 \end{cases}$$

$$x^2 = \sum_{i=1}^N \frac{(F_{0i} - F_{ei})^2}{F_{ei}} = \frac{(11-156)^2 + (61-156)^2 + (201-156)^2 + (233-156)^2 + (274-156)^2}{156} = 332/871$$

خلاصه اطلاعات آماری فرضیه سوم

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	میزان خطا	خی - دو محاسباتی	خی - دو جدول	درجه آزادی d.f	نتیجه
سوم	قیمت تمام شده کفش	نرخ ارز	۵٪	۳۳۲/۸۷۱	۹/۴۸۷۷۳	۴	پذیرش H_1

۴- تصمیم گیری

همانطور که ملاحظه می شود مقدار x^2 (خی - دو) محاسباتی برابر با ۳۳۲/۸۷۱

می باشد در حالیکه x^2 (خی - دو) جدول برابر با ۹/۴۸۷۷۳ است. بنابراین با توجه به

نتایج بالا می‌توان چنین عنوان کرد که در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه معنی‌داری بین میزان تغییرات نرخ ارز و میزان قیمت تمام‌شده کفش در گروه صنعتی کفش ملی وجود دارد.

تجزیه و تحلیل سؤالات فرضیه چهارم

سؤالات اول تا پنجم پرسشنامه مربوط به اثبات فرضیه چهارم می‌باشد

جدول شانزدهم: به نظر شما تغییرات نرخ ارز بر روی قیمت‌های واریزنامه صادراتی تا چه حد تأثیر دارد؟

پاسخ سؤال	خیلی کم	کم	تأثیر ندارد	زیاد	خیلی زیاد
فراوانی نسبی	۰/۸	۱/۵	۴/۶	۳۸/۵	۵۴/۶

در این سؤال مقدار $N = ۱۳۰$ می‌باشد مقدار میانه (Median) و مُد (Mode)

برابر ۵ می‌باشد و مقدار میانگین (Mean) برابر ۴/۴۴۶ می‌باشد یعنی $Mo = Md > \mu$

می‌باشد و مقدار ضریب چولگی برابر ۱/۶۵۶- می‌باشد و این نشان می‌دهد که تعداد

جوابها به این سؤال دارای حالت چوله به چپ ($S.k < 0$) می‌باشد و بیشترین جوابها به این

سؤال با توجه به درجه اهمیت، اول روی جواب (خیلی زیاد) و بعد روی جواب (زیاد)

می‌باشد و این نشان می‌دهد که اگر نرخ ارز تغییر پیدا کند تأثیر آن بر روی قیمت واریزنامه

صادراتی خیلی زیاد می‌باشد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سوال به

ترتیب برابر ۰/۷۲۷ و ۰/۰۶۴ می‌باشد.

مقدار ضریب همبستگی بین سؤال اول و سؤال دوم ۰/۴۸۵۵ می‌باشد و مقدار

ضریب همبستگی بین سؤال اول و سؤال سوم ۰/۰۴۵۴ می‌باشد که به ترتیب بیشترین و

کمترین میزان همبستگی سؤال اول را با سؤالات فرضیه چهارم نشان می‌دهد.

جدول هفدهم: "به نظر شما افزایش نرخ ارز باعث می شود قیمت واریزنامه صادراتی چه حالتی پیدا کند؟"

پاسخ سؤال	کاهش زیاد	کاهش کم	بدون تغییر	افزایش کم	افزایش زیاد
فراوانی نسبی	۱/۵	۰/۸	۲/۳	۴۳/۸	۵۱/۵

در این سؤال مقدار $N = 130$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد مقدار میانگین $4/431$ می باشد یعنی $Mo = Md > \mu$ می باشد و مقدار ضریب چولگی برابر $1/982$ - می باشد و این نشان می دهد که پراکندگی جوابها به این سؤال دارای حالت چوله به چپ ($S.k < 0$) می باشد و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت آن، اول روی جواب (افزایش زیاد) و بعد روی جواب (افزایش کم) می باشد و این نشان می دهد که اگر نرخ ارز افزایش یابد باعث می شود قیمت واریزنامه صادراتی زیاد افزایش یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر $0/725$ و $0/064$ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال دوم و اول برابر $0/4855$ می باشد و مقدار ضریب همبستگی بین سؤال دوم و سوم $0/332$ - می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی سؤال دوم را با سؤالات فرضیه چهارم نشان می دهد.

جدول هیجدهم: "به نظر شما اگر نرخ ارز ثابت فرض شود، قیمت واریزنامه صادراتی چه تغییری پیدا خواهد کرد؟"

پاسخ سؤال	زیاد کاهش می یابد	کم کاهش می یابد	تغییر نمی کند	کم افزایش می یابد	زیاد افزایش می یابد
فراوانی نسبی	۰/۸	۱۰/۰	۸۳/۸	۱/۵	۳/۸

در این سؤال مقدار $N = 130$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۳ می باشد و مقدار میانگین $2/977$ می باشد میانگین با میانه و مُد اختلاف کمی دارد ($Mo = Md \approx \mu$) می باشد یعنی پراکندگی جوابهای این سؤال حول مرکز می باشد و

مقدار ضریب چولگی $1/125$ می باشد و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت اول روی جواب (تغییری نمی کند) و بعد روی جواب (کم کاهش می یابد) می باشد و این بیان کننده این است که اگر نرخ ارز ثابت فرض شود قیمت واریزنامه صادراتی تغییری پیدا نمی کند. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر با $0/549$ و $0/048$ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال سوم و چهارم $0/1639$ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال سوم و دوم $0/0332$ - می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی بین سؤال سوم با سؤالات فرضیه چهارم را نشان می دهد.

جدول نوزدهم: "به نظر شما رابطه بین نرخ ارز و قیمت واریزنامه صادراتی چگونه است؟"

پاسخ سؤال	رابطه معکوس کامل	رابطه معکوس ناقص	رابطه ندارند	رابطه مستقیم ناقص	رابطه مستقیم کامل
فراوانی نسبی	۰/۸	۴/۶	۴/۶	۱۴/۶	۷۵/۴

در این سؤال مقدار $N = 130$ می باشد و مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۵ می باشد و مقدار میانگین برابر $4/592$ می باشد مقدار ضریب چولگی برابر $(-2/276)$ می باشد این نشان می دهد که پراکندگی جوابها به این سؤال دارای حالت چوله به چپ ($S.k < 0$) می باشد. و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت، اول روی جواب (رابطه مستقیم کامل) و بعد روی جواب (رابطه مستقیم ناقص) متمرکز می باشد و این بیان می دارد که رابطه مستقیمی بین نرخ ارز و قیمت واریزنامه صادراتی وجود دارد. یعنی با افزایش نرخ ارز، قیمت واریزنامه صادراتی افزایش می یابد. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب برابر با $0/842$ و $0/074$ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال چهارم و دوم $0/4041$ می باشد و میزان ضریب

همبستگی بین سؤال چهارم و سؤال سوم ۰/۱۶۳۹ می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی بین سؤال چهارم با سؤالات فرضیه چهارم را نشان می دهد.

جدول بیستم: "اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود، در این حالت به نظر شما قیمت واریزنامه صادراتی چه تغییری پیدا می کند؟"

پاسخ سؤال	خیلی کاهش می یابد	کم کاهش می یابد	تغییر نمی کند	کم افزایش می یابد	خیلی افزایش می یابد
فراوانی نسبی	۲/۳	۱۳/۸	۶۲/۳	۱۶/۹	۴/۶

در این سؤال مقدار $N = ۱۳۰$ می باشد مقدار میانه (Md) و مُد (Mo) برابر ۳ می باشد و میانگین برابر ۳/۰۷۷ می باشد در این سؤال هم، میانگین با میانه و مُد اختلاف کمی دارد یعنی پراکندگی جوابهای این سؤال حول مرکز می باشد و مقدار ضریب چولگی ۰/۱۸۷ می باشد (یعنی $Mo = Md \approx \mu$) و بیشترین جوابها به این سؤال با توجه به درجه اهمیت، اول روی جواب (تغییر نمی کند) و بعد روی جواب (کم افزایش می یابد) می باشد و این بیان کننده این مطلب می باشد که اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود قیمت واریزنامه صادراتی تغییری نمی کند. میزان انحراف استاندارد و خطای استاندارد در این سؤال به ترتیب ۰/۷۶۴ و ۰/۰۶۷ می باشد.

میزان ضریب همبستگی بین سؤال پنجم و اول ۰/۳۰۰۹ می باشد و میزان ضریب همبستگی بین سؤال پنجم و سوم ۰/۰۵۹۷ می باشد که به ترتیب بیشترین و کمترین میزان همبستگی بین سؤال پنجم با سؤالات فرضیه چهارم را نشان می دهد.

آزمون استقلال χ^2 (خی - دو) برای فرضیه چهارم

طبقه بندی پاسخ سؤالات فرضیه چهارم	FO_i فراوانی مشاهده شده	Fe_i فراوانی مورد انتظار
الف = ۱	۸	۱۳۰
ب = ۲	۴۰	۱۳۰
ج = ۳	۲۰۵	۱۳۰
د = ۴	۱۵۰	۱۳۰
ه = ۵	۲۴۷	۱۳۰
جمع	۶۵۰	

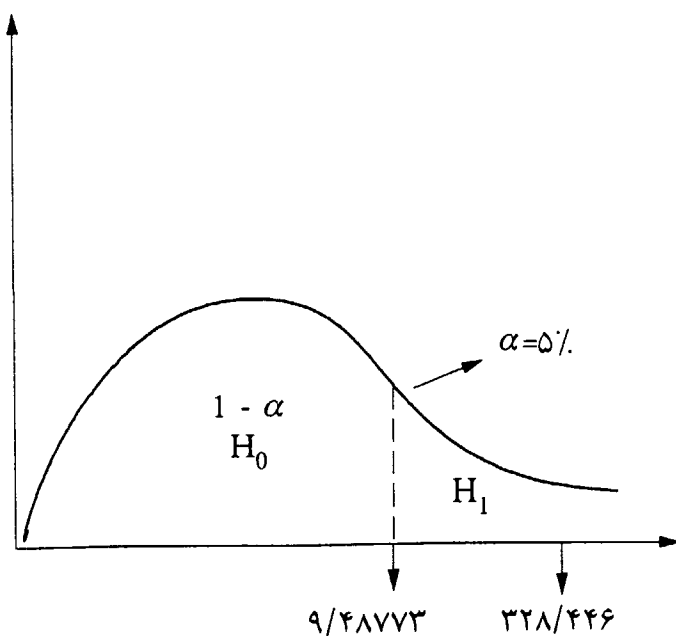
۱- تعریف فرضیات آماری H_0, H_1 :

بین نرخ ارز و قیمت واریزنامه صادراتی در صنعت کفش ارتباط معنی داری وجود

$$\left\{ \begin{array}{l} H_0: \text{Cov}(x, y) = 0 \quad \text{ندارد. (استقلال)} \\ H_1: \text{Cov}(x, y) \neq 0 \quad \text{دارد. (عدم استقلال)} \end{array} \right.$$

بین نرخ ارز و قیمت واریزنامه صادراتی در صنعت کفش ارتباط معنی داری وجود

۲- تعیین سطح زیر منحنی H_0, H_1 :



۳- محاسبه آماره آزمون

$$x^2 \begin{cases} \alpha = 5\% \\ \text{مقدار بحرانی} \rightarrow 9/48773 \\ d.f = n - 1 = 5 - 1 = 4 \end{cases}$$

$$x^2 = \sum_{i=1}^N \frac{(F_{oi} - F_{ei})^2}{F_{ei}} = \frac{(8-130)^2 + (40-130)^2 + (205-130)^2 + (150-130)^2 + (247-130)^2}{130} = 328/446$$

خلاصه اطلاعات آماری فرضیه چهارم

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	میزان خطا	خی - دو محاسباتی	خی - دو جدول	درجه آزادی d.f	نتیجه
چهارم	قیمت واریزنامه صادراتی	نرخ ارز	۵٪	۳۲۸/۴۴۶	۹/۴۸۷۷۳	۴	پذیرش H_1

۴- تصمیم‌گیری

همانطور که ملاحظه می‌شود مقدار x^2 (خی - دو) محاسباتی برابر با ۳۲۸/۴۴۶ می‌باشد در حالیکه x^2 (خی - دو) جدول برابر با ۹/۴۸۷۷۳ است. بنابراین با توجه به نتایج بالا می‌توان چنین عنوان کرد که در سطح ۹۵٪ اطمینان رابطه معنی‌داری بین میزان تغییرات نرخ ارز و میزان قیمت واریزنامه صادراتی در گروه صنعتی کفش ملی وجود دارد.

فصل پنجم

خلاصه، نتیجه گیری و پیشنهادات

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استناد به دانش علمی و تجارب عملی و در چهارچوب تحقیق علمی، کوشش بر آن بوده است تا مسائل ریشه‌ای و استراتژیک صادرات غیرنفتی کشور در بخش صنعت و در مبحث کفش مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد در این راستا در محدوده تحلیل رفتار نرخ ارز، نظامهای پولی بین‌الملل، نقش سیاستهای ارزی بر صادرات، تأثیر پیمان نامه ارزی بر صادرات غیرنفتی، تاریخچه صادرات ایران و تاریخچه صنعت کفش در ایران را با تکیه به ساختار بازرگانی خارجی جهت ورود به بحث مورد نظر قرار گرفته است.

با توجه به اطلاعات به دست آمده از طریق پرسشنامه و آزمون کردن فرضیات با استفاده از آزمون استقلال خی - دو (X^2) نتایج تحقیق به شرح ذیل بیان می‌گردد.

- ۱- اگر نرخ ارز تغییر یابد تأثیر آن بر روی صادرات کفش خیلی زیاد می‌باشد و افزایش نرخ ارز باعث می‌شود صادرات کفش به میزان خیلی زیادی افزایش یابد. و اگر نرخ ارز یک درصد بالا رود باعث می‌شود که صادرات کفش هم به همان میزان افزایش یابد یعنی رابطه مستقیم کامل بین نرخ ارز و میزان صادرات کفش وجود دارد و اگر نرخ ارز را در بلندمدت ثابت فرض کنیم میزان صادرات کفش خیلی افزایش می‌یابد.
- ۲- اگر نرخ ارز تغییر یابد میزان سودآوری شرکت به میزان زیادی افزایش می‌یابد و رابطه بین نرخ ارز و میزان سودآوری صنعت کفش به صورت رابطه مستقیم کامل می‌باشد یعنی با افزایش یک واحد در نرخ ارز میزان سودآوری صنعت کفش هم به همان میزان افزایش می‌یابد و با افزایش نرخ ارز سود هر سهم (EPS) شرکت تولیدی کفش در بورس اوراق بهادار تهران کاهش می‌یابد (کاهش آن کم می‌باشد) و اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود قیمت هر سهم (EPS) شرکتهای تولیدی کفش در بورس اوراق بهادار تهران تغییری نمی‌کند.

- ۳- اگر نرخ ارز افزایش یابد قیمت تمام‌شده کفش به میزان زیادی افزایش می‌یابد. و

نرخ ارز بر روی هزینه‌های ثابت تولید کفش تأثیری ندارد. ولی با تغییرات نرخ ارز هزینه‌های متغیر تولید به میزان خیلی زیادی تغییر می‌کند و تغییرات نرخ ارز تأثیر زیادی روی قیمت مواد اولیه کفش می‌گذارد. اما با تغییرات نرخ ارز دستمزد کارکنان تغییری نمی‌کند. و نیز اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود قیمت تمام شده کفش به میزان کمی افزایش می‌یابد.

۴- اگر نرخ ارز تغییر پیدا کند تأثیر آن بر روی قیمت واریزنامه صادراتی خیلی زیادی می‌باشد. و با افزایش نرخ ارز قیمت واریزنامه صادراتی به میزان زیادی افزایش می‌یابد. و رابطه مستقیمی بین نرخ ارز و قیمت واریزنامه صادراتی وجود دارد یعنی با افزایش نرخ ارز قیمت واریزنامه صادراتی به همان میزان افزایش می‌یابد و با ثابت فرض کردن نرخ ارز در بلندمدت قیمت واریزنامه صادراتی تغییری نمی‌کند.

پیشنهادهات

در طی مدتی که اینجانب در گروه صنعتی کفش ملی به تحقیق و استخراج اطلاعات مشغول بوده و همچنین با مطالعات کتب و مقالات و رساله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع تحقیق و استفاده از نقطه نظرات بدیع اساتید راهنما و مشاور موارد متعددی به نظر رسید که به صورت پیشنهادات ذیل جهت بررسی و تحقیق و تفحص هر چه بیشتر ارائه می‌گردد. باشد که از این رهگذر قدمهای فعال و مؤثری در جهت کارایی و فعال‌تر بودن بازار صادرات صنعت کفش برداشته شود.

۱- با توجه به اینکه تغییرات نرخ ارز بر روی صادرات کفش تأثیر زیادی دارد لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولین ذیربط با در نظر گرفتن تغییرات نرخ ارز سیاستهای صادراتی را تعیین کنند.

۲- بررسی سایر متغیرهای مؤثر بر روی صادرات کفش (شامل سایر متغیرهای کلان - اقتصادی - عوامل سیاسی اجتماعی - فرهنگی و غیره ...) که در مورد آنها تحقیقی صورت نگرفته است. این بررسیها بایستی هم جنبه عملی را در برگیرد و هم جنبه رفتاری را، در صورتی که بتوان میزان تأثیر تمامی متغیرها را بر روی صادرات کفش تعیین نمود می‌توان به ارائه مدلی جهت تعیین میزان صادرات کفش دست یافت.

۳- پیشنهاد می‌شود گروه صنعتی کفش ملی برای فروش صادراتی خود، سیاستهای همچون، ارسال نمونه‌های مختلف صادراتی برای مشتریان قدیمی و جدید، تماس مستمر با مشتریان صادراتی طی تجربه سالیان متمادی داشتن ارتباط مستقیم با مدیریت، کنترل پروژه مداوم خطوط تولید کالاهای صادراتی در واحدهای تولیدی، به کار بردن مواد اولیه مرغوبتر را که از منابع تقریباً یکدست تهیه می‌شود، شرکت در نمایشگاههای بین‌المللی داخلی و خارجی، تشویق تولیدکنندگان به تولید کالاهای صادراتی، تداوم بخشیدن به خط تولید صادرات، تبلیغات برای راهگشایی به بازارهای صادراتی، جبران خسارت ریالی شرکتهای تولیدی برای دریافت کالاهای

قابل قبول صادراتی، را به کارگیرد.

چون شرکتهای صادراتی صادرکننده محصولات شرکتهای تولیدی گروه صنعتی کفش ملی می‌باشد لذا شرکتهای تولیدی هنگام تحویل کالاهای صادراتی به شرکتهای صادراتی قیمتی را که برای آنان به عنوان قیمت تمام‌شده یا فروش مطرح است اعلام می‌دارند. در بعضی مواقع شرکتهای صادراتی قادر است که تا شرکتهای تولیدی را قانع به قیمت‌های تعدیل‌شده‌ای بنماید که در بازارهای صادراتی قابل عرضه باشند ولی در موارد دیگر قیمت تمام‌شده کالا بالا برده بوده که امکان عرضه به بازارهای صادراتی وجود ندارد در این گونه موارد وظیفه شرکت صادراتی جبران مابه‌التفاوت قیمت تمام‌شده با قیمت صادراتی می‌باشد که بتوان راه را برای ورود به بازار صادرات باز نمود.

۴- هر چند گروه صنعتی کفش ملی ایران یکی از قدیمی‌ترین شرکتهای تولیدکننده کفش در ایران می‌باشد و سالهاست که کار صادرات کفش را انجام می‌دهد ولی با عرض تأسف افرادی که در این صنعت به فعالیت مشغول می‌باشند به غیر از عده محدودی که فعالیت می‌کنند بقیه از لحاظ علمی آگاهیهای لازم را در جهت صادرات کفش و مخصوصاً تغییرات نرخ ارز ندارند و پیشنهاد می‌شود که گروه صنعتی کفش ملی در جهت افزایش میزان صادرات خود بایستی آموزشهای لازم را به افراد، از طریق آموزش ضمن خدمت و نیز آموزشهای عملی در کارخانه و بیرون از کارخانه بدهد.

به نظر محقق توجه به موارد ذکر شده برای گروه صنعتی کفش ملی ایران از اهمیت والائی برخوردار می‌باشد که بایستی مسئولین ذیربط در جهت بهبود موارد فوق اقدام لازم را به عمل آورند تا شرکت صادرات خود را رونق بخشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لطفاً از تمامی عزیزان تقاضا می‌نماید جهت روائی تحقیق به سؤالات ذیل بادقت کامل جواب دهند و محقق

به نوبه خود از همکاری شما عزیزان از صمیم قلب، کمال تشکر و قدردانی را دارد.

۱- به نظر شما تغییرات نرخ ارز بر روی قیمت واریزنامه صادراتی تا چه حد تأثیر دارد؟

الف) خیلی کم ☐ ب) کم ☐ ج) تأثیر ندارد ☐ د) زیاد ☐ ه) خیلی زیاد ☐

۲- به نظر شما افزایش نرخ ارز باعث می‌شود قیمت واریزنامه صادراتی چه حالتی پیدا کند؟

الف) کاهش زیاد ☐ ب) کاهش کم ☐ ج) بدون تغییر ☐ د) افزایش کم ☐ ه) خیلی زیاد ☐

۳- به نظر شما اگر نرخ ارز ثابت فرض شود، قیمت واریزنامه صادراتی چه تغییر پیدا خواهد کرد؟

الف) زیاد کاهش می‌یابد ☐ ب) کم کاهش می‌یابد ☐ ج) تغییری نمی‌کند ☐ د) کم افزایش می‌یابد ☐ ه) زیاد افزایش می‌یابد ☐

۴- به نظر شما رابطه بین نرخ ارز و قیمت واریزنامه صادراتی چگونه است؟

الف) رابطه معکوس کامل ☐ ب) رابطه معکوس ناقص ☐ ج) رابطه‌ای ندارند ☐ د) رابطه مستقیم ناقص ☐ ه) رابطه مستقیم کامل ☐

۵- اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود، ...

الف) خیلی کاهش می‌یابد ☐ ب) کم کاهش می‌یابد ☐ ج) تغییری نمی‌کند ☐ د) کم افزایش می‌یابد ☐ ه) خیلی افزایش می‌یابد ☐

۶- به نظر شما افزایش نرخ ارز باعث می‌شود که در قیمت تمام‌شده کفش چه تغییری ایجاد شود؟

الف) کاهش زیاد ☐ ب) کاهش کم ☐ ج) بدون تغییر ☐ د) افزایش کم ☐ ه) افزایش زیاد ☐

۷- به نظر شما تغییرات نرخ ارز بر روی هزینه‌های ثابت تولید کفش چه تأثیری دارد؟

الف) خیلی کم تأثیر دارد ☐ ب) کم تأثیر دارد ☐ ج) تأثیر ندارد ☐ د) زیاد تأثیر دارد ☐ ه) خیلی زیاد تأثیر دارد ☐

۸- به نظر شما تأثیر تغییرات نرخ ارز بر روی هزینه‌های متغیر تولید کفش چگونه است؟

الف) خیلی کم ☐ ب) کم ☐ ج) تأثیر ندارد ☐ د) زیاد ☐ ه) خیلی زیاد ☐

۹- به نظر شما تأثیر تغییرات نرخ ارز بر روی قیمت مواد اولیه کفش چگونه می‌باشد؟

الف) خیلی کم ☐ ب) کم ☐ ج) تأثیر ندارد ☐ د) زیاد ☐ ه) خیلی زیاد ☐

۱۰- به نظر شما تغییرات نرخ ارز چه میزان بر روی دستمزد کارکنان تأثیر دارد؟

الف) خیلی کم ☐ ب) کم ☐ ج) تأثیر ندارد ☐ د) زیاد ☐ ه) خیلی زیاد ☐

۱۱- اگر نرخ ارز در بلندمدت ثابت فرض شود در این حالت به نظر شما قیمت تمام شده کفش چه تغییری پیدا می‌کند؟

الف) خیلی کاهش می‌یابد ☐ ب) کم کاهش می‌یابد ☐ ج) تغییری نمی‌کند ☐ د) کم افزایش می‌یابد ☐ ه) خیلی افزایش می‌یابد ☐

۱۲- به نظر شما تغییرات نرخ ارز بر روی سودآوری شرکت تا چه حد تأثیر دارد؟

الف) خیلی کم ☐ ب) کم ☐ ج) تأثیر ندارد ☐ د) زیاد ☐ ه) خیلی زیاد ☐

۱۳- به نظر شما افزایش نرخ ارز باعث می‌شود که سودآوری شرکت چه تغییری پیدا کند؟

الف) کاهش زیاد ☐ ب) کاهش کم ☐ ج) بدون تغییر ☐ د) افزایش کم ☐ ه) افزایش زیاد ☐

۱۴- به نظر شما رابطه بین نرخ ارز و سودآوری چگونه است؟

الف) رابطه معکوس کامل ☐ ب) رابطه معکوس ناقص ☐ ج) رابطه‌ای ندارند ☐ د) رابطه مستقیم ناقص ☐ ه) رابطه مستقیم کامل ☐

۱۵- به نظر شما افزایش نرخ ارز چه تأثیری بر روی قیمت هر سهم (EPS) شرکت‌های تولیدی کفش در بورس اوراق بهادار تهران دارد؟

الف) کاهش زیاد ☐ ب) کاهش کم ☐ ج) بدون تغییر ☐ د) افزایش کم ☐ ه) افزایش زیاد ☐

۱۶- اگر نرخ ارز برای مدت طولانی ثابت فرض شود به نظر شما قیمت هر سهم (EPS) شرکت‌های تولیدی کفش در بورس اوراق بهادار تهران چه تغییری می‌یابد؟

الف) خیلی کاهش می‌یابد ☐ ب) کم کاهش می‌یابد ☐ ج) تغییری نمی‌کند ☐ د) کم افزایش می‌یابد ☐ ه) خیلی افزایش می‌یابد ☐

۱۷- به نظر شما تغییرات نرخ ارز بر روی صادرات کفش تا چه حدی تأثیر دارد؟

الف) خیلی کم ☐ ب) کم ☐ ج) تأثیر ندارد ☐ د) زیاد ☐ ه) خیلی زیاد ☐

۱۸- به نظر شما افزایش نرخ ارز باعث می‌شود که صادرات کفش چه تغییری پیدا کند؟

الف) کاهش زیاد ☐ ب) کاهش کم ☐ ج) بدون تغییر ☐ د) افزایش کم ☐ ه) افزایش زیاد ☐

۱۹- به نظر شما رابطه بین نرخ ارز و صادرات کفش چگونه می‌باشد؟

الف) معکوس کامل ☐ ب) معکوس ناقص ☐ ج) رابطه‌ای ندارند ☐ د) مستقیم ناقص ☐ ه) مستقیم کامل ☐

۲۰- اگر نرخ ارز برای مدت طولانی ثابت فرض شود، صادرات کفش در این مدت به نظر شما چه تغییری پیدا می‌کند؟

الف) خیلی کاهش می‌یابد ☐ ب) کم کاهش می‌یابد ☐ ج) تغییری نمی‌کند ☐ د) کم افزایش می‌یابد ☐ ه) خیلی افزایش می‌یابد ☐

منابع فارسی

- ۱- منتظر ظهور، محمد، اقتصاد کلان؛ انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۱۳۶۸.
- ۲- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آشنائی با تعاریف و اصطلاحات بازرگانی و اقتصادی؛ تهران، بهمن ۱۳۷۰.
- ۳- رفعتی، محمدرضا، ارز از چند نرخ تا تک نرخ؛ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، سال ۱۳۷۰.
- ۴- کلاوس روزه، ترجمه بیضائی، سیدابراهیم، نظریه‌های پولی اقتصاد بین‌الملل؛ مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، سال ۱۳۶۵.
- ۵- خلعتبری، فیروزه، نرخ ارز از ساختار اقتصادی تا توان ملی؛ مجله مجلس و پژوهش، شماره ۵، سال اول، آذر و دی ۱۳۷۲.
- ۶- مالیه بین‌الملل؛ سالواتوره، دومینینگ، ترجمه ریاضی، سیدفضل، چاپ و انتشارات دانشگاه مازندران، چاپ دوم.
- ۷- کمیجانی، اکبر، توتونچیان، ایرج، سوابق و شیوه‌های کنترل ارز در ایران؛ مجله اقتصادی، آبان ۱۳۷۲.
- ۸- تحولات اقتصادی پس از انقلاب؛ اداره بررسیهای اقتصادی، سال ۱۳۶۴.
- ۹- فرهنگی، علی، ارزیابی سیاست ارزی در ایران؛ انتشارات دانشگاه تهران، مهر ماه ۱۳۶۸.
- ۱۰- قدیری اصل، باقر، سیاستهای پولی ایران در سالهای تعدیل اقتصادی؛ مجله سیاسی اقتصادی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۴.
- ۱۱- رحیمی، عباس، ساختار و سیاستهای حمایتی قبل از سال ۱۳۷۰؛ مجله بررسیهای بازرگانی شماره ۷۸۹۲، دی ماه ۱۳۷۳.
- ۱۲- هاشمی، قاسم، سیاستهای ارزی چگونه در رابطه با صادرات عمل می‌کنند؛ هفته‌نامه اتاق بازرگانی شماره ۴، سال ۱۳۶۵.

- ۱۳- تودارو، مایکل، ترجمه فرجادی و سهرابی، توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد ۲ (تهران؛ سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۶).
- ۱۴- اولین سمینار "ضرورت صادرات غیرنفتی و راههای توسعه آن"؛ شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران، تهران ۶۸-۱۳۶۷.
- ۱۵- جمالزاده، محمدعلی، گنج شایان؛ انتشارات کتاب تهران، سال ۱۳۶۳.
- ۱۶- ویشارد، جان، ترجمه علی پیرنیا، بیست سال در ایران؛ چاپ یکم، انتشارات نوین، سال ۱۳۶۳.
- ۱۷- گزارش اقتصادی و ترازنامه‌های سالهای ۵۲ تا ۶۵؛ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۱۸- مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی سال ۱۳۶۵؛ شماره ۳.
- ۱۹- حیدرعلی، هومن، شناخت روش علمی در علوم رفتاری؛ نشر پارسا، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۷۷.
- ۲۰- منصورفر، کریم، روشهای آماری؛ انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۱۸.
- ۲۱- نوفرستی، محمد، آمار و اقتصاد بازرگانی؛ مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، جلد دوم، ۱۳۶۸.
- 1- International Financial Statistics-Year Book-Vol.XLVII 1994, IMF-Statistics.Dep.
- 2- Encyclopedia Birtanca.
- 3- Copeland/weston; "Finatical theory and corporate policy"; Prictice-Hall, Co.(New York; 1988; pp.777-8).
- 4- Jonson Robinson; "The Forigen Exchances", Basil Black Well; 1977; p.83.